
راهکارهای تقویت
انگیزه و نشاط
محسن قرائتی


بسم الله الرحمن الرحیم

راهکارهای تقویت انگیزه و نشاط

نویسنده:

محسن قرائتی

ناشر چاپی:

مرکز فرهنگی درسهایی از قرآن

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

راهکارهای تقویت انگیزه و نشاط

مشخصات کتاب

سرشناسه:قرائتی، محسن، ۱۳۲۴ -

عنوان و نام پدیدآور:راهکارهای تقویت انگیزه و نشاط/ محسن قرائتی.

وضعیت ویراست:[ویراست ۲].

مشخصات نشر:تهران: مرکز فرهنگی درسهایی از قرآن، ۱۳۹۲.

مشخصات ظاهری:۱۴۳ص.

شابک:۳۹۰۰۰ ریال : ۹۷۸-۶۰۰-۵۴۲۱-۲۹-۳

وضعیت فهرست نویسی:فاپا(چاپ سوم)

یادداشت:کتابنامه به صورت زیرنویس

موضوع:موفقیت -- انگیزش -- جنبه های مذهبی -- اسلام

موضوع:انگیزش در کار -- جنبه های مذهبی -- اسلام

موضوع:شادی -- جنبه های مذهبی -- اسلام

رده بندی کنگره:BP۲۳۲/۶۵/ق۳۷ر۲ ۱۳۹۲

رده بندی دیویی:۲۹۷/۴۸۵

شماره کتابشناسی ملی:۲۴۳۶۹۰۷

ص :۱

اشاره

تصویر

ص:۲

فهرست مطالب

فهرست مطالب

ص:۴

فهرست مطالب

فهرست مطالب

فهرست مطالب

سخن ناشر

«مرکز فرهنگی درسهایی از قرآن» در سال ۱۳۷۵ با هدف نشر آثار قلمی، صوتی و تصویری حجّت الاسلام و المسلمین محسن قرائتی تأسیس گردید و در این راستا فعالیّت های گوناگونی را به انجام رسانیده است. از جمله:

۱ - نشر و تجدید چاپ کتب قبلی ایشان با ویراستاری جدید.

۲ - نشر یک دوره تفسیر کامل قرآن تحت عنوان «تفسیر نور» که در سال ۱۳۷۶ به عنوان کتاب سال جمهوری اسلامی ایران شناخته شد.

۳ - نشر برخی کتب قرآنی و تفسیری همچون «هزار ویک نکته از قرآن» و «تفسیر قرآن برای جوانان» تألیف برخی همکاران مؤسسه.

۴ - نشر تفسیر سوره های کوتاه قرآنی به صورت مجزّا و در قالب پالتویی.

۵ - عرضه نرم افزار اصول عقاید و فروع دین.

۶ - عرضه نرم افزار برنامه درسهایی از قرآن تحت عنوان «بلاغ».

۷ - عرضه نرم افزار مجموعه فیش های تحقیقی با عنوان «توشه تبلیغ».

۸ - ارائه تفسیر صوتی و تصویری سوره های مختلف قرآن در لوح فشرده.

۹ - راه اندازی پایگاه اینترنتی به نشانی: www.Qaraati.ir با امکان دسترسی به کلیه متون تفسیری وکتب حجّت الاسلام قرائتی و امکان شرکت در مسابقات برنامه تلویزیونی درسهایی از قرآن.

کتاب حاضر دربردارنده ۱۱۰ راهکار برای ایجاد و تقویت انگیزه و نشاط است که در زمینه های مختلف دینی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی کارآمد است.

در پایان بر خود لازم می دانیم از زحمات معاونت محترم تربیت و آموزش اداره کل منابع و متون درسی نیروی انتظامی به جهت فصل بندی موضوعی این کتاب تقدیر و تشکر به عمل آوریم.

از خوانندگان محترم انتظار داریم نظرات و پیشنهادات خود را در این باره به نشانی:

تهران - صندوق پستی ۱۴۱۸۵/۵۸۶ ارسال نمایند.

مرکز فرهنگی درسهایی از قرآن

ص:۱۰

پیشگفتار:

اشاره

برای بررسی مسئله ی انگیزه توجه به عوامل متعدّدی لازم است:

۱ - عامل وراثت: بعضـی ویژگی ها از راه وراثت به انسان منتقل می شود. بعضـی از علاقه ها و سـلیقه ها و انگیزه ها از نیاکان است.

۲ - عامل روانی: بعضی امور بستگی به عواطف و هیجان های روحی و روانی دارد.

۳ - عامل فرهنگی: گاهی مسائل فکری وفرهنگی وتربیتی در انگیزه ها ورفتارها مؤثرند.

۴ - عامل مذهبی: گاهی باورها و ایمان و عقاید، انسان را نسبت به کار با انگیزه یا بی انگیزه می کند و هر کدام از این عوامل دارای شدّت و ضعف است و در افراد متفاوت آثار متفاوتی دارد.

همچنین بحث انگیزه از چند جهت قابل بررسی است:

* از زاویه ی مدیریت، که چگونه انگیزه کار را در کارگر و کارمند بالا ببریم.

* از زاویه ی اجتماعی و اینکه چگونه دیگران را نسبت به هدفی که داریم حساس و عاشق و با نشاط کنیم.

* از زاویه ی اقتصادی که چگونه با تقویت انگیزه ها، در رقابت های اقتصادی تولید و توزیع بهتر و بیشتری داشته باشیم.

ص:۱۱

* از زاویه ی سیاسی که چگونه انگیزه مردم را در امور سیاسی مثل حضور در انتخابات و حمایت از نظام بالا ببریم.

* از زاویه فرهنگی که چگونه نشاط علمی را در دانش آموزان و دانشجویان زیاد کنیم.

* از زاویه ی دینی که چگونه مردم را نسبت به عقاید و تکالیف دینی متعهّد کنیم.

به هرحال بحث انگیزه یک بحث همیشگی و همگانی و در همه امور قابل تحلیل است. در ضمن توجّه به این نکته ضروری است که عوامل ایجاد انگیزه و بی انگیزگی و زاویه های گوناگون آن در افراد مختلف، متفاوت است.

موضوع بحث این نوشتار «راههای ایجاد و تقویت نشاط و انگیزه» است.

برخی مردم در امور دنیوی و اخروی بی تفاوت هستند، بدیهی است که کسالت و عدم تحرک، علامت بیماری است. بنابراین برای درمان آن ابتدا باید علل آن را از جهت تربیتی، روانی، اجتماعی، اقتصادی، مذهبی و غیره جویا شد.

اینجانب پس از بررسی همه جانبه عوامل انگیزه، تا کنون به ۱۱۰ عامل برخورد کرده ام که در این نوشتار بیان کرده و امیدوارم توانسته باشم حداقل بخشی از آنها را شرح دهم.

جامعه بی انگیزه وکم نشاط، جامعه ی مرده است. از این رو بحث عوامل ایجاد وتقویت انگیزه و نشاط به شدت مورد نیاز وزمینه رشد و سعادت مردم است.

دلایل یا بهانه های بی انگیزه شدن

۱ – به اندازه ای که مزد می دهند کار می کنم.

۲ – رئیس ما که قدر ما را ندارد و با ما مشورت نمی کند.

۳ – پایان کارم را نمی دانم.

۴ – مدیرم بی نظم و انضباط است و خودش کارش را درست انجام نمی دهد، من چرا تلاش کنم؟

۵ – ابزار مناسب ندارم.

۶ – اختیارات ما محدود است.

۷ – از ما که نامی برده نمی شود.

۸ – مهارت جدیدی که به ما نیاموخته اند.

۹ – با این کار به خوبی آشنا نیستم.

۱۰ – فلان شخص یا چیز مانع است.

۱۱ – این کار با روحیه من سازگار نیست.

۱۲ – همکاران ما کم یا زیادند و کار پیش نمی رود.

۱۳ – سازماندهی در کار نیست.

۱۴ – نظارت در کار نیست.

۱۵ – کارها به نمایش گذاشته نمی شود.

۱۶ – به پیشنهادات و انتقاداتم توجهی نمی شود.

۱۷ – میان مدیران اختلاف نظر یا بی اعتمادی است.

۱۸ – اگر این کار را نکنم چه می شود؟

۱۹ – آرامش محیط کار از نظر نظافت، سرما وگرما، نور و روشنائی تأمین نیست.

۲۰ – با ادب با من برخورد نمی شود و مرا تحقیر می کنند.

۲۱ – بیماری و اعتیاد دارم.

۲۲ – گرفتاری های خانوادگی، نشاط مرا از بین برده است.

و موارد بسیار دیگر.

اینها نمونه هایی از عوامل بی نشاطی و بی انگیزگی است که ایمان به خدا ونظارت و پاداش او از یک سو، وآشنایی با تاریخ

ومشـکلات اولیـای خـدا که چگونه در برابر انواع بی مهری هـا و تهمت ها و کمبودها وتحقیرها مقاومت کردنـد و بر راه خود پافشاری کردند

ص:۱۳

تا بالاخره موفق شدند از سوی دیگر، می تواند انگیزه کار و نشاط را در انسان بیشتر کند.

آری، در میان عوامل ایجاد انگیزه، عامل معنوی و ایمانی و عامل الگوها قوی ترین عامل اند.

اکنون به بررسی عوامل تأثیرگذار در انگیزه و نشاط می پردازیم:

ص:۱۴

فصل اول: راهکارهای اعتقادی

اشاره

ص:۱۵

۱. ایمان به خدا

اشاره

ایمان در دل انسان همچون شعله پر فروغی است که پشتوانه ی محکمی برای اراده محسوب می شود.

انبیا بدون پاداش مادّی، سخت ترین کارها را که هدایت و تربیت بشر است، با دست خالی شروع کردند و تا مرز شهادت پیش رفتند.

انگیزه ای که انسان در سایه ی ایمان به خدا پیدا می کند، قوی ترین انگیزه ها است. انسان مؤمنی که برای خدا کار می کند، با یاد خدا دلی آرام دارد. وسوسه ها و جاذبه های مثبت و منفی در او بی اثر است.

او با خدا معامله می کند و از مردم توقّع اجر و تشکری ندارد. اگر مردم به او بی مهری کردند، انتقام نمی گیرد، از کارش نمی کاهد، قهر نمی کند، استعفا نمی دهد، کارش را با بهشت معامله می کند و هرگز احساس ضرر و خسارت نمی کند.

در سوره شعراء سرگذشت شش نفر از پیامبران الهی بیان شده است که به قومشان اعلام کردند ما از شما مزد و پاداشی نمی خواهیم، مزد ما با خداوند است.

توجه به هریک از صفات خداوند، به نوعی انگیزه انسان را تقویت می کند.

ایمان به رحمت خدا، به انسان روح امید ونشاط، وانگیزه مهرورزی به دیگران را می دهد.

ایمان به قدرت خدا، به فرد جرأت وجسارت وشجاعت می دهد واحساس می کند که تنها نیست وانگیزه حضور فعال و مواجه شدن با دشمن در او تقویت می شود. قرآن می فرماید:(وَ لاٰ تَهِنُوا وَ لاٰ تَحْزَنُوا وَ أَنْتُمُ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ)۱ ، سست نشوید و اندوهگین مشوید، چرا که شما برتر هستید اگر ایمان داشته باشید.

ایمان، عامل بازدارنده از پلیدیA��ها وتشویق به نی�FیA��ها

مؤمن به خدا می داند هرعملی انجام دهد، حساب و کتاب دارد و فرشتگان الهی آن را ثبت می کنند، چند برابر پاداش می گیرد و رضایت الهی را جلب می کند، لذا:

۱. همین که غضب کرد با خود می گوید: در کظم غیظ و فرو بردن خشم، رضای خدا و در خشم و إعمال غیظ، رضای خودم است، پس به خاطر رضای خدا از غیظ و غضب صرف نظر کرده و خشم خود را فرومی خورم.

۲. همین که محرومی را دید، با خود می گوید: او بنده خدا است و مال، نعمت خدا و من امانت دار و خلیفه خدا هستم، پس انفاق می کند.

۳. همین که فسادی را در جامعه دید، قهر خدا او را نگران می کند، به پا خواسته و با زبان و دل و تمام قوا جلو فساد را می گیرد.

۴. همین که تهدید و تطمیع پیش آمد، با خود می گوید: رضای خدا از دنیا بهتر، و قهر خدا از تهدیدات دیگر سخت تر است، پس تسلیم تهدید و تطمیع نمی شود.

۵. همین که صحنه های گناه و بی عفّتی را دید، خدا را حاضر و ناظر دیده و حیا می کند.

ص:۱۸

۶. همین که مظلومان را دید، با خود می گوید: همه انسان ها در برابر خدا یکسانند و باید از حقوق بشر دفاع کنم.

۷. همین که مال مردم در اختیار او قرار گرفت، خدا را حاضر دانسته و خیانت نمی کند. او می داند هر کمال و فضیلتی مستلزم تحمّل محرومیت در دنیا است که با اهرم ایمان، انسان قادر بر تحمّل آن می باشد.

البتّه اگر افراد غیرمؤمن در اثر تقلید یا تلقین یا تبلیغ و یا تهدید موقّتاً فداکاری از خود نشان می دهند، هرگز عمومی و همیشگی نخواهد بود، زیرا اعمال و حرکاتی که از درون انسان و ریشه ایمانی ندارد، همچون ساختمانی بر لب پرتگاه است، آن هم روی خاکی سُست.(مَنْ أَسَّسَ بُنْيَانَهُ عَلَىٰ شَفَا جُرُفٍ هَارٍ)[1]

نتیجه ایمان

کسی که می داند تمام کارهای او زیر نظر است و هیچ یک از اعمال او نابود نمی شود و تلاش او را خدا خریدار است، آن هم با قیمت بهشت و رضوان، با عشق و دلگرمی تلاش می کند. خدایی که حتی به خاطر حسن نیّت اجر و فکر خوب، اجر و پاداش مرحمت می کند.

کسی که بندگی او را پذیرفته است، تن به تسلیم هیچ قدرت و مقامی غیر از او نمی دهد و همه را بندگانی همچون خود می داند. نه خودباختگی در برابر ابرقدرت ها دارد و نه تکبر نسبت به دیگران.

توکّل به خدا، پناه بردن به او، عشق به او، گفتگوی با او، استمداد از او، امید به او، دلگرمی به قدرت و علم بی نهایت او، از آثار ایمان است.

اینکه او مرا دوست دارد، قدرت حلّ مشکلاتم را دارد، ذره ای از تلاش و

ص:۱۹

کارم هدر نمی رود، برای کار خوبم پاداش چند برابر می دهد و خلافم را می پوشاند و توبه ام را می پذیرد، این ایمان و باور، نشاط و انگیزه ای در انسان به وجود می آورد که با هیچ عامل دیگری قابل مقایسه نیست.

خداوند به حضرت نوح علیه السلام می فرماید: در پیش چشم ما کشتی بساز. یعنی ما بر کار تو نظارت داریم. به موسی و هارون می فرماید: به سراغ فرعون بروید، من شما را می بینم و سخنانتان را می شنوم.

مؤمن عقیده دارد که خداوند وعده ی نصرت داده و به وعده اش عمل می کند و بارها مؤمنان را یاری کرده و دست او برای هرگونه کمک و امداد باز است و بخل و منّتی ندارد و از لطف خود نه خسته می شود و نه پشیمان. و هیچ گونه محدودیتی نسبت به افراد ندارد و به هرکس می تواند لطف کند، حتی در آخرین لحظات لطف خود را سرازیر می کند و توطئه ها را خنثی می نماید و مشت نااهلان را باز می کند.

کسی که خدا دارد چه ندارد، نور و امید و عشق دارد. ولی کسی که خدا ندارد، حرص می زند، به دیگران حسادت می ورزد و هرگز به آنچه خدا به او داده قانع و راضی نیست.

آری، کار برای خدا شکست ندارد، ولی برای مردم شکست دارد. زیرا مردم گاهی از کار ما خبر ندارند. گاهی به خاطر حسادت کار ما را مطرح نمی کنند. گاهی مزدی ندارند تا بپردازند. گاهی از مزد دادن بخل می ورزند، ولی کسی که برای خدا کار کند:

اولاً؛ خدا از کار بلکه از نیت و اسرار قلبی او خبر دارد.

ثانیاً؛ در خداوند حسادت و بخل نیست.

ثالثاً؛ دست او برای هرگونه پاداش باز است.

ص:۲۰

رابعاً؛ خداوند کار ما را به بهای سنگین (بهشت جاوید) می خرد.

خامساً؛ او کار کم را هم می پذیرد.

در کار الهی، کار را از معصوم (پیامبر و امامان) یاد می گیریم.

در کار الهی، تجدید نظر و پشیمانی و عقده نیست.

در کار الهی، همراهان ما اولیای خدا هستند.

در کار الهی، هم اصل کار و هم شیوه ی آن و هم هدف آن و هم الگوی آن برای ما بیان شده است.

در کار الهی، قدرت و توانایی جسمی، علمی، مادی، فرهنگی، سیاسی در نظر گرفته می شود. زیرا قرآن می فرماید:(لا يُكَلِّفُ اللّهُ نَفْساً إِلاّ وُسْعَها)[۱] ،(لا يُكَلِّفُ اللّهُ نَفْساً إِلاّ ما آتاها)[۲]

در کار الهی، افراد محروم و تهیدست می توانند با نیت صادقانه خود به درجه افراد کامیاب برسند.

در کار الهی، کمیت و تعداد ملاک نیست، بلکه توان و نسبت ها ملاک است؛ پاداش کسی که از ده ریال یک ریال می دهد با پاداش کسی که از ده میلیون، یک میلیون می دهد، یکسان است. زیرا هردو یک دهم مال خود را انفاق کرده اند. پس جای نگرانی و حسادت نیست.

توجه به این امور به ما می گوید: قوی ترین انگیزه ها، ایمان به مبدأ و معاد است.

انگیزه های معنوی درمان بسیاری از بیماری های روحی و بی تفاوتی ها و نداشتن انگیزه است.

ص:۲۱

۲. ایمان به معاد

اشاره

شخصی که معتقد است ذرّه ای کار خیر یا شرّ از محضر الهی مخفی نیست و همه در قیامت حاضر می شود، یقین پیدا می کند که هر قدمی که در خدمت مردم برمی دارد، بی اجر نخواهد بود، حتی اگر در زمان وقوع عمل، مردم شاهد اعمال وی نباشند. می دانـد پاداش او از دو برابر شـروع می شود: «ضِـعف» تا چنـد برابر: «اضـعافاً» و تا آنجا که احدی مقدار آن را نمی داند.(فَلا تَعْلَمُ نَفْسٌ ما أُخْفِيَ لَهُمْ)۱

آنگاه که از او بپرسیم چرا این کار را انجام دادی؟ می گوید:(فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقالَ ذَرَّةٍ خَيْراً يَرَهُ)۲

ایمان دارد که خدا جبّار است، جبّار یعنی جبران کننده.

کسی که می داند اگر یک زحمتی بکشد، نزد خدا جایی نمی رود، گرچه مردم متوجه نشده و قدردانی نکنند، انگیزه پیدا می کند.

در قرآن کریم ده ها آیه درباره نقش معاد در انگیزه بخشی به مسائل مختلف زندگی وجود دارد:

نقش معاد در مسائل اقتصادی

قرآن به کسانی که تجارت و داد و ستدی دارنـد می فرمایـد: وای بر کم فروشان، کسانی که وقتی از مردم پیمانه می گیرند و خرید می کنند، سعی دارند تمام بگیرند، لیکن هر گاه بنا دارند پیمانه بدهند و یا وزن نمایند و بفروشند، کم می دهند. سپس می فرماید:(أَ لا يَظُنُّ أُولئِكَ أَنَّهُمْ مَبْعُوثُونَ لِيَوْمٍ عَظِيمٍ)۳ آیا این کم فرشان نمی دانند که برای روزی بسیار بزرگ مبعوث

خواهند شد؟ و در دادگاه عدل الهی باید پاسخ آن همه کم فروشی را بدهند؟ در اینجا قرآن با یادآوری قیامت جلو کم فروشان را می گیرد.

البتّه این نمونه ای از نقش معاد بود و گرنه ایمان به معاد در تمام مسائل اقتصادی اعمّ از تولید، توزیع، مصرف، مدیریّت، بازرگانی و تجارت و هر نوع فعّالیّت دیگر نقش مهمّی دارد، به خصوص در مصرف و ولخرجی و اسراف.

نقش معاد در مسائل نظامی

قرآن می فرماید: گروهی از بنی اسرائیل نزد یکی از پیامبران خود آمده و گفتند: ما بنا داریم در راه خدا با متجاوز ستمگر بجنگیم، لیکن نیاز به یک فرمانده لایق داریم. آن پیامبر فرمود: من فکر نمی کنم که شما مرد جنگ باشید! آنان گفتند: با این همه ستمی که از متجاوز می کشیم حتماً، ما آماده جنگ در راه خدا هستیم. پیامبر گفت: خداوند طالوت را که فردی شایسته و نیرومند و آشنا به مسائل رزمی است، به عنوان فرمانده شما معرّفی می کند.

آنگاه مردم در برابر این وعده و فرمان پیامبر، به چند دسته تقسیم شدند:

- گروهی از داوطلبان جبهه و جنگ بعد از شعارهای زیاد همین که فرمان جنگ صادر شد، در همان مرحله ی اوّل نافرمانی کرده و فرار نمودند.

- گروهی دیگر فقر مالی فرمانده را بهانه قرار داده و از رفتن به جبهه سرباز زدند.

- گروه دیگر با اینکه قول داده بودند که در آزمایشی که خداوند از آنها می گیرد استقامت کنند، امّا بی صبری کرده و مردود شدند.(۱)

ص:۲۳

۱- (۱)) . آزمایش این بود که فرمانده به همراهان خود فرمود: خداوند شما را با یک نهر آب آزمایش می کند، نباید (جز بسیار کمی) از آن بنوشید و هر کدام نوشیدید از لشکریان من نیستید، لکن این لشکر تشنه همین که به نهر آب رسیدند، جز افراد کمی همه سر بر آب نهادند و بطور کامل نوشیدند و بدین وسیله از آزمایش الهی مردود بیرون آمدند.

- گروه دیگری گرچه به هنگام صدور فرمان جنگ نترسیدند، امّا همین که لشکر قدرتمند دشمن را دیدند خود را باخته و گفتند: ما امروز طاقت مبارزه نداریم.

- تنها یک دسته کوچکی که ایمان به معاد داشتند با شعار:(کَمْ مِنْ فِئَةٍ قَلِیلَةٍ غَلَبَتْ فِئَةً کَثِیرَةً بِإِذْنِ اللّهِ)۱ یعنی چه بسا گروه کمی که بر گروه زیاد به اذن خدا پیروز می شوند، به دشمن حمله کرده ودشمن را از پای در آوردند.

در این ماجرا (که به نام داستان طالوت و جالوت در آیات **۲۴۹** تا **۲۵۱** سوره بقره مطرح شده)، رمز پیروزی و پایداری در جبهه و جنگ را ایمان به معاد دانسته است، زیرا می فرماید:(قالَ الَّذِینَ یَظُنُّونَ أَنَّهُمْ مُلاقُوا اللّهِ)۲ ، کسانی که ایمان به ملاقات خدا و روز قیامت داشتند، گفتند: پیروزی مربوط به جمعیّت زیاد یا کم نیست، باید به دشمن حمله کنیم و به وظیفه الهی خود عمل کنیم که خداوند با صابران است.

آری، تلاش و روحیّه رزم آوری رزمنده، وابستگی کامل به نوع دید و جهان بینی او دارد، رزمنده ای که آینده خود را زندگی ابدی و بهشت جاودان و همسایگی رسول خدا و اولیای الهی می داند، با رزمنده ای که قتل خود را نابودی و پوچی می داند، قابل مقایسه نیست.

قرآن نسبت به کسانی که در رفتن به جبهه سستی نشان می دهند و به لذّات دنیوی دلبسته اند، می فرماید:(أَ رَضِیتُمْ بِالْحَیاةِ الدُّنْیا مِنَ الْآخِرَةِ)۳ آیا به جای آخرت به زندگی دنیا راضی شدید؟!

ص:۲۴

نقش معاد در برخورد با طاغوتیان

فرعون برای اینکه آبروی حضرت موسی را بریزد، ساحران را از همه ی شهرها دعوت کرد تا با سحر و جادویشان معجزه حضرت موسی را خنثی نمایند.

ساحرانی که تا آن موقع ایمان به معاد نداشتند، همه به سکّه و هدایای فرعون چشم داشتند و به فرعون گفتند:(قالُوا إِنَّ لَنا لَأَجْراً)۱ آیا اگر ما بر موسی پیروز و غالب شویم، پاداش و مزدی به ما می دهی؟ آنان با پاسخ مثبت فرعون شروع به کار نمودند و هر چه در توان داشتند انجام دادند، اما هنگامی که حضرت موسی عصای خود را انداخت و اژدها شد و تمام بافته های آنان را نابود کرد، فهمیدند کار موسی از سحر و نوع کارهای محدود خودشان خارج بوده و کاری صددرصد الهی است، در حضور فرعون به موسی علیه السلام گرویده و به او ایمان آوردند.

فرعون که خشمناک شده بود، همه آنان را تهدید کرد و گفت: آیا قبل از اجازه من ایمان می آورید؟! من دست و پای شما را به عکس یکدیگر(۱) قطع می کنم و به شاخه ها و تنه های درخت خرما آویزانتان می کنم.

امّا آنان که تا دقایقی قبل ایمان نداشتند و به جایزه های فرعونی چشم داشتند، اکنون به خاطر ایمان به خدا و معاد، در برابر فرعون ایستاده و باکمال آرامش به او گفتند:(إِنَّما تَقْضِی هذِهِ الْحَیاةَ الدُّنْیا)۳ هر کاری می خواهی انجام بده، زیرا زور و ستم تو فقط در این دنیا است. (قالُوا لا ضَیْرَ إِنّا إِلی رَبِّنا

ص:۲۵

۱- (۲)) . یعنی دست راست را با پای چپ و یا دست چپ را با پای راست قطع می کنم و این بدترین نوع شکنجه است.

مُنْقَلِبُونَ)۱ کشتن ما مهم نیست که ما به سوی خدای خود بازمی گردیم.(۱)

راستی ایمان به معاد چه غوغایی در روح این افراد بوجود آورد، سکّه ها و پاداشهایی که تا چند لحظه پیش برای آنها مهم ترین مسئله جلوه می کرد، یکسره به هیچ می انگارند و به ریش فرعون می خندند وزور و قدرت او را محدود و ناچیز می دانند.

آری، ایمان به معاد در این افراد انقلاب فرهنگی بوجود آورد، روحشان را بزرگ نمود و آنها را تا عشق به شهادت پیش برد.

نقش معاد در توجّه به محرومان

«عقیل» که پیرمرد عیالواری بود، خدمت برادر خود امیرالمؤمنین حضرت علی علیه السلام رسید و درخواست کرد تا از بیت المال به سبب خویشاوندی خود سهمیه بیشتری به او بدهد. امام آهنی را داغ کرد و نزدیک دست عقیل آورد، عقیل از ترس دست خود را می کشد.

امام می فرماید: اگر تو از این آتش ساده دنیا می ترسی، من از عذاب و قهر ابدی خدا می ترسم.(۲)

امام حسن وامام حسین علیهما السلام در کودکی بیمار شدند و رسول خدا صلی الله علیه و آله که همراه اصحابش به عیادت آنان آمدند، به حضرت علی علیه السلام پیشنهاد کردند که خوب است برای سلامتی این دو کودک سه روز روزه نذر کنید. امام پذیرفت و هنگامی که بیماری آنان برطرف شد، حضرت علی علیه السلام به همراه همسر خود حضرت زهرا علیها السلام و بقیه خانواده روزه گرفتند.

۱- (۲)) . تمام ماجرا در سوره اعراف، آیات ۱۱۲ تا ۱۲۶ و سوره شعراء، ۳۷ تا ۵۱ و سوره طه، ۵۶ تا ۷۲ بیان شده است.

۲- (۳)) . نهج البلاغه فیض الاسلام، کلام ۲۱۵.

روز اول هنگـام افطـار در حـالی که غـذایی در منزل نبود و با زحمت بسـیار کمی نان تهیه شـده بود، همین که خواسـتند افطار کننـد، صـدای در خـانه را و صـدایی را شـنیدند کـه شخصـی می گویـد: مـن فقیر و نیازمنـد هسـتم، بـه من کمـک کنیـد! آن بزرگواران نان خود را به فقیر داده و تنها با آب افطار کردند.

روز دوّم باز همین که خواستند افطار کنند، یتیمی تقاضای نان کرد، و روز سوّم نیز اسیری از پشت در تقاضای نان کرد. هر سه مرتبه آن عزیزان با آب افطار نمودنـد و دلیل این فداکاری را اینگونه بیان کردند:(إِنّا نَخافُ مِنْ رَبِّنا یَوْماً عَبُوساً قَمْطَرِیراً...)۱ ما از روز قیامت که روزی گرفته و سیاه و دردناک است می ترسیم.

به راستی ایمان به معاد اینگونه انسان را در برابر محرومان جامعه مسئول و متعهّد بار می آورد.

آری، کسـانی که در برابر محرومان بی تفاوت هسـتند، در قیامت اقرار می کننـد که یکی از عوامل سـقوط ما به دوزخ این بی تفاوتی ها بوده است:(وَ لَمْ نَکُ نُطْعِمُ الْمِسْکِینَ)۲ به مسکین و بیچاره ها غذا نمی دادیم.

چنانکه در سوره ماعون دلیل بی اعتنایی به یتیمان و محرومان، نداشتن ایمان به قیامت عنوان شده است.

ایمان به معاد، پشتوانه تمام �Fمالات

اکثر کمـال هـا و ایثارهـا و فضائـل اخلاـقی، همراه با یک نوع محرومیّت، زنـدگی ساده، تحمّل فشار و ناگواری ها برای انسان حاصل شده و همراه آنان

ص:۲۷

می باشـد. آن اهرمی که بتوان با آن این وزنه ها را حرکت داد و آن ناگواری ها را تحمّل کرد، همان ایمان به قیامت و جبران و تلافی های آن روز است.

ایمان به پاداشـهای اخروی، به انسان انگیزه می دهـد که اگر چنـد روزی در دنیا فشار و ناراحتی دیـدی، جای دور نمی رود و فردای قیامت که روز نیاز است، اجر تمام زحمات را چندین و چند برابر می گیری.

به راستی با چه عاملی رزمندگان جان خود و ثروتمندان پول و ثروت خود را ایثار می کنند، یا چه نیرویی می تواند انسان را به کنار گذاردن هوسها و شهوت ها دلگرم کند؟

اگر عشق ملاقات خدا و اولیای او نباشد، با چه انگیزه ای این همه راههای پر پیچ و خم پیموده شود؟

اگر جزایی در کار نباشد، چرا انسان زیر بار تکلیف برود؟

اگر انتقامی نباشد، چه نیرویی انسان را از تجاوز باز دارد؟

اگر مؤمنـان این همه زخم زبـان و تهمت و متلک کافران را در دنیا تحمّل می نماینـد، به خاطر وعـده و بشارت هایی است که در قرآن آمده است. قرآن می فرماید:(فَالْیَوْمَ الَّذِینَ آمَنُوا مِنَ الْکُفّارِ یَضْحَکُونَ)۱ امروز (که روز قیـامت است) مؤمنان به کفّار می خندند.

اگر زن فرعون به هیـچ قیمتی جـذب قدرت، مال، عنوان، کاخ و طلاهای فرعون نمی شود، چون او چشم به جای دیگر دوخته است:(رَبِّ ابْنِ لِی عِنْدَکَ بَیْتاً فِی الْجَنَّهِ)۲ خـدایا! مرا از کـاخ فرعون نجـات ده و برای من در بهشت خانه ای در جوار رحمت خودت بنا کن.

آری، دل که هوای بهشت کرد، کاخ فرعون هم برایش زندان می شود و لذا

ص:۲۸

حضرت علی علیه السلام می فرماید: «اَخسَرُ النّاس مَن رَضَی الدّنیا عِوَضاً عن الآخره»(۱) زیان کارترین مردم کسی است که (به جای آخرت) به دنیا راضی و دلگرم باشد.

نقش ایمان به معاد، در تقوا، امانت، امنیّت و در بسیاری از مسائل جزئی و کلّی بر کسی پوشیده نیست وما تنها به چند نمونه قرآنی و روایی اشاره کردیم.

۳. توکل بر خداوند

از چیزهایی که به انسان انگیزه ی جدی می دهد، توکّل بر خداست. توکّل کنندگان جسارت و در بیفتید؟ می فرمود: بر خدای قادر توکّل می کنم.

ناگفته پیداست که معنای توکّل دست روی دست گذاردن، تن پروری و استفاده نکردن از مقدمات وابزار نیست، بلکه در کنار عمل به وظیفه و تلاش و کوشش، تکیه کردن شجاعت دارند و از حوادث نمی هراسند. وقتی امام خمینی قدس سره با این سؤال مواجه می شد که با دست خالی چگونه می خواهید با رژیم سراپا مسلح شاه به قدرت بی نهایت الهی است.

توکّل در موفقیت انسان بسیار مؤثّر است؛ خیلی آدمها خانه دارند، مدرک و شغل هم دارند، امّا ازدواج نمی کنند، می ترسند. و در مقابل آدم هایی هستند که هیچ ندارند و راحت ازدواج می کنند.

کسی که به خدا توکّل دارد وصل به بی نهایت می شود، مثل لامپی که وقتی به برق متصل شد، روشن می شود. لامپ کوچک اگر وصل به برق باشد، روشن می شود. لامپ بزرگ اگر وصل به برق نباشد، هیچ نوری ندارد.

۱- (۱)) . غررالحکم.

بسیاری از آدم ها جثّه و توانشان کم است، امّا به خاطر توکّل کارهای بزرگی انجام می دهند.

در قرآن بارها می خوانیم که مؤمنان در مواجهه با مشکلات و گرفتاری ها، توکّل بر خدا نموده و پیروز شده اند.

حضرت نوح علیه السلام که نزدیک هزار سال برای رساندن پیام الهی ایستادگی کرد، به قوم خود گفت: من تنها به خدا توکّل می کنم شما هم با بت ها وخدایان باطل خود هر مکری دارید بکار گیرید.(۱)

ابراهیم علیه السلام آن پیامبر بزرگ الهی به نمرودیان فرمود: چرا ما به خدای خود توکّل نکنیم در صورتی که ما را به راههای سعادت راهنمایی فرموده است، ما بر آزارهای شما صبر می کنیم ومؤمنان به خدا توکّل می کنند.(۲)

مادر موسی با توکّل به خدا نوزادش را در رود نیل انداخت، خداوند نیز دلش را آرام کرد وفرزندش موسی را در دامن فرعون بزرگ کرد، او نیز به مردم فرمود: اگر به خدا ایمان آورده اید پس به او توکّل کنید.

واین چنین بود که مردم مستضعف با توکّل برخدا نظام چند صد ساله فرعونی را درهم شکستند.(۳)

پیامبر بزرگ اسلام با توکّل برخدا وبا کمترین امکانات توانست آئین خود را به بیشتر نقاط جهان منتشر کند.

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: اگر دوست داری که نیرومندترین مردم باشی، به خدا توکّل کن.(۴)

آری، توکّل یعنی به خدا اعتماد کردن واین اعتماد پشتوانه محکمی برای

۱- ((۱)) . سوره یونس، آیه ۷۱.

۲- ((۲)) . سوره ابراهیم، آیه ۱۲.

۳- ((۳)) . سوره یونس، آیه ۸۴ و ۸۵.

۴- ((۴)) . مستدرک الوسائل، ج ۱۱، ص ۲۱۷.

فعالیت ومشعل امیدی است که یاس را می زداید و بیم از شکست را از دل بیرون می کند.

۴. دعا و نیایش

قرآن می فرماید: رزمندگان در بحبوحه جنگ می گفتند:(رَبَّنا أَفْرِغْ عَلَیْنا صَبْراً وَ ثَبِّتْ أَقْدامَنا وَ انْصُرْنا عَلَی الْقَوْمِ الْکافِرِینَ)۱ در دعـا بـا خـدا حرف می زنیم از او کمک می طلبیم، به او دل می بنـدیم، نیازهای خود را با او در میان می گـذاریم، از او طلب بخشـش می کنیم، از خطرهـا به او پناه می بریم و تمام اینها در ما انگیزه ایجاد می کنـد و با نشاط و شوق در میـدان عمل گام می نهیم. قرآن کریم می فرماید:(اسْتَعِینُوا بِالصَّبْرِ وَ الصَّلاهِ)۲ در مشکلات و بحران ها از صبر و نماز کمک بگیرید و از این دو اهرم بزرگ استفاده کنید.

دعای مردم در حقّ انسان نیز انگیزه را تقویت می کند. پزشک، کارگر، تکنسـین و مهندسـی که می داند دعای مردم پشت سر اوست، با دلسوزی بیشتری تلاش می کند.

دعـا، توجه به صـفات و اسـما و الطاف الهی است. توجه به خـدای رحیم و غفور، امیـد انسان را به عفو زیاد می کنـد. توجه به قدرت و امدادهای الهی، یأس را از انسان دور می کند.

دعا و نیایش، انسان کوچک را به قدرت بی نهایت وصل و باعث شارژ روحیه هاست.

در دعا هم توکّل است و هم تلقین و هم استمداد.

ص:۳۱

۵. نذر و قسم

عهـد شـرعی، نوعی الزام است که عادت به کار و تلاش را در انسان بیدار می کند. درباره ی شـهید رجایی گفته اند که وقتی ناهار آماده می شد و از وی می خواسـتند که بر سـر سـفره حاضـر شود، می گفت: با خدا عهد شرعی بسته ام که اگر نمازم را اول وقت نخوانم، یک روز روزه بگیرم.

همچنین این جمله از این شـهید بزرگوار در خـاطره هـا به یـاد مانـده است که: «به نماز نگوییـد کار دارم، به کار بگوییـد نماز دارم». افراد متعدّدی را دیده ام که چون اراده آنان ضـعیف بوده، تصـمیم و اراده ی خودشان را با نذر و عهد و سوگند تقویت کرده اند.

کسـی که در برخورد بـا نامحرم نمی توانـد نگاه خود را کنترل کنـد، با نـذر و جریمه مادّی، نگاه خود را اصـلاح کنـد، یا اگر تکلیف الهی و یا وظیفه ی خود را نسبت به مردم عمل نکرد، روزه بگیرد. این جریمه و تعهد که گاهی در قالب سوگند و نذر و عهد است، می تواند اراده را تقویت کند.

۶. ایمان به نصرت الهی

توجه به نصرت الهی عامل بسیار خوبی در تقویت انگیزه است.

قرآن می فرماید:(إِنْ یَنْصُرْکُمُ اللّهُ فَلا غالِبَ لَکُمْ)۱ اگر خـدا شـما را یاری کند، هیچ قدرتی بر شـما غلبه نمی کند و در سوره حج می فرماید: حتماً خداوند کسانی که او را یاری کنند، یاری می کند. به حقیقت که خداوند قدرتمند با عزّت است.(۱)

خدایی که نوح پیامبر را از میان مشرکان، ابراهیم را از دل آتش، موسی

ص:۳۲

۱- ((۲)) . سوره حج، آیه ۴۰.

کلیم اللّه را از میان فرعون و فرعونیان و یوسف صدیق را از دل چاه نجات داد و یاری کرد.

خدایی که پیامبر اکرم و مسلمانان را در جنگ بدر یاری فرمود. (جنگی نابرابر که تعداد مسلمانان یک سوم مشرکان و موقعیت مسلمانان پایین کوه و مشرکان بالای کوه، امکانات و تسلیحات مسلمانان بسیار اندک بود،) نصرت الهی باعث پیروزی مسلمانان شد.

البتّه یاری خداوند در گرو انجام کارهای نیک و اطاعت از فرامین و دستورات الهی است. بارها قرآن فرموده است: اگر خدا را یاری کنید، خداوند شما را یاری می کند.

در قرآن می خوانیم: دو پیامبر عزیز (موسی و خضر) مأمور شدند تا در روستایی دیوار خرابی را به رایگان تعمیر کنند تا در آینده کودکان یتیم صاحب آن مکان، به گنجی که در زیر دیوار بود دسترسی پیدا کنند، یعنی نصرت الهی در همین دنیا شامل حال افرادی شد که والدین آنان نیکوکار بوده اند.

عمل خیر، آثار خیری به دنبال دارد که علاوه بر آخرت در دنیا هم به عامل آن می رسد.

قرآن کریم می فرماید: اگر تمام ثروت روی زمین را هم داشته باشی، اراده ی الهی به دنبال آن نباشد، هیچ توفیقی پیدا نخواهی کرد.(۱)

در روایات می خوانیم: تا زمانی که انسان در مسجد یا در سفر حج مشغول وظیفه ی دینی است، خداوند مشکلات زندگی او را حل می کند.

با کمی مطالعه در حوادثی که در اطرافمان می گذرد، به راحتی درمی یابیم

۱- ((۱)) . سوره یونس، آیه ۵۴.

که افرادی هستند که امکانات فراوانی هم دارند، امّا توفیق و محبوبیّت ندارند و افرادی که بدون امکانات می باشند و توفیقات فراوان نصیبشان می شود، قرآن می فرماید:(وَ لَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرى آمَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنا عَلَيْهِمْ بَرَكاتٍ مِنَ السَّماءِ وَ الْأَرْضِ)١ ، برکات آسمان و زمین را به شرط داشتن تقوا و ایمان نصیب مردم می کنیم.

قرآن می فرماید: مردم باید یکدیگر را مورد عفو و بخشش قرار دهند تا از عفو الهی برخوردار شوند.(وَ لْيَعْفُوا وَ لْيَصْفَحُوا أَ لا تُحِبُّونَ أَنْ يَغْفِرَ اللّهُ لَكُمْ)٢

همین که انسان احساس کند ناصر و یاوری توانا دارد، انگیزه بیشتری پیدا کرده و از سعی و تلاش دست برنمی دارد و چه یاوری بهتر از خداوند.

۷. تکلیف گرایی

تلاش انسان برای انجام هر کاری، گاهی به نتیجه نمی رسد و در مواردی با اینکه با برنامه و تدبیر کار را شروع کرده امّا شکست می خورد، یا به نتیجه دلخواه نمی رسد و یا چون جنس کار از مقوله ی معنوی است، نتایج عمل قابل محاسبه مادّی و کمّی نیست. آنچه در این موارد انگیزه را تقویت می کند و به انسان استقامت می بخشد این است که هدف، انجام وظیفه و تکلیف باشد، نه رسیدن به نتیجه.

امام خمینی قدس سره همواره می فرمودند: ما مأمور به تکلیف هستیم، به نتیجه برسیم یا نرسیم.

آری، مهندسی که محاسبات ساختمانی را انجام می دهد، می تواند قدرت و استحکام ابزار و مصالح را محاسبه و قاطعانه پیش بینی و سخن بگوید. امّا

گاهی انسان به انجام مراسم مذهبی مشغول است و یا برای خدا مجاهده و تلاش می کند، یا به قصد کشف حقیقت مطالعه می کند در این موارد نتایج به راحتی قابل محاسبه نیست.

البتّه کسی که به تکلیف عمل می کند، در حقیقت به یاری خدا برخاسته و خداوند یاری کننده اش را وانمی گذارد.

۸. یاد امدادهای الهی

یاد خدا و یادآوری نعمت های او در حین انجام کار، باعث تقویت انگیزه و تلاش می شود. چنانکه در گرماگرم جنگ ومبارزات مسلمانان، آیه نازل شد:(لَقَدْ نَصَرَکُمُ اللّهُ فِی مَوٰاطِنَ کَثِیرَهٍ)۱ همانا خداوند شما را در میدان های متعدّد یاری کرد، از جمله در جنگ حنین که مغرور کثرت جمعیّت خود شده بودید و ابتدا شکست خوردید، ولی سرانجام به لطف خدا پیروز شدید و نجات پیدا کردید.

توجّه به خدا و کمک و پشتیبانی او، انگیزه و نشاط افزون به انسان می دهد.

۹. حسن ظنّ وامیدواری

دلیل بسیاری از کاهلی ها و کسالت ها و بی نشاطی ها و نداشتن انگیزه، یأس و سوءظن است. افرادی خودباخته و مأیوس هستند که سخن آنان این است: پول ندارم، نمی دانم، نمی شود، قدرت ندارم، یاد ندارم، ابزار ندارم، وقت ندارم، شانس ندارم، اثری ندارد و کار از کار گذشته است. این افراد هم به خدا سوء ظن دارند،(الظّانِّینَ بِاللّهِ ظَنَّ السَّوْءِ)۲ هم به مردم و هم به

خودشان. این افراد حتی در اشتغال و ازدواج انگیزه ندارند، خیال می کنند اگر مجرد باشند خداوند می تواند رزق آنان را بدهد، ولی اگر ازدواج کنند قدرت خداوند تمام می شود و خدا نمی تواند رزق او و همسرش را بدهد.

در حدیث می خوانیم کسی که از ترس هزینه زندگی ازدواج نکند، به خدا سوءظن برده است.

افراد مأیوس باید به تاریخ توجّه کنند که چگونه خداوند با تار عنکبوتی پیامبرش را در غار حفظ کرد و کودک ضعیفی را در صندوق روی آب حفظ، ولی فرعون قدرتمند را در همان رودخانه غرق کرد.

اگر بدانند که هزاران یتیم در دنیا از چهره های موفق و برجسته شده اند. اگر بدانند که خداوند از درخت خشک برای حضرت مریم رطب تازه آورد. اگر بدانند که خداوند با پرنده ای کوچک، فیل سوارانی را که قصد تخریب کعبه را داشتند تار و مار کرد. اگر بدانند که خداوند یونس را زیر آب در شکم ماهی و نوح را روی آب در کشتی و یوسف را کنار آب در ته چاه حفظ کرد. اگر بدانند که خداوند در برابر نقشه زلیخا که تمام درها را محکم بست تا هیچ کس خلاف او را نفهمد، ولی همه فهمیدند. اگر بدانند که دست خداوند باز و قدرت او بی نهایت و رحمتش گسترده است، تا آنجا که ما با قصد کار خیر به پاداش می رسیم، خواه آن کار انجام پذیرد یا نپذیرد. جایی برای یأس و ناامیدی نمی ماند.

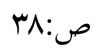
به هر حال حسن ظن، رمز انگیزه، و ناامیدی، رمز بی انگیزگی است. اسلام، یأس و ناامیدی را از گناهان کبیره می داند.

ص:۳۶

فصل دوم: راهکارهای معرفتی

اشاره

ص:۳۷



۱. شناخت مقام انسان

اگر کسی نسبت به مقام وارزش انسان آگاهی یابد، عمرش را با کسالت هدر نمی دهد.

اگر آدمی باور کنـد که خداونـد جهان را مسـخّر وی ساخته است؛ خورشـید به خاطر وی می درخشـد، اقیانوس ها برای انسان پدید آمده و ابر و باد و مه و خورشـید همه در کارند تا آدمی عمر را به غفلت نگذراند. این باور و تلقین و تذکّر به آن، عامل مهمی در پدید آوردن انگیزه محسوب می شود.

انسـان ها به طور فطری از چیزهای گران قیمت محافظت بیشتری می کننـد، هیـچ گاه قطعه زمین با ارزشـی را به هر مهنـدس و معمار و بنایی واگـذار نمی کننـد و پارچه ی نفیسـی را به هر خیاطی نمی سپارند. کسانی که برای مقام انسانی قدر و ارزشـی قائلند، سعی می کنند از عمر خویش حداکثر بهره برداری را در راه کمال ببرند.

یکی از دلائلی که مـا کـار نمی کنیم، این است که یادمـان می رود چه کسـی هسـتیم. می دانی که هسـتی؟ تو خلیفه ی خـدا هستی، بیکار نشسته ای، خورشید به خاطر تو می سوزد و نور می دهد، اقیانوس ها برای تو؛ درختان برای تو اکسیژن سازی می کنند.

خداوند در آیات متعدّد انسان را به جایگاه واقعیش متذکّر می کند و هشدار می دهد که:

ص:۳۹

(فضلنا)(۱) ، ای انسان، تو را بر همه موجودات برتری دادیم.

(کَرَّمْنا بَنِی آدَمَ)۲ ، تاج کرامت وبزرگی بر سرت نهادیم.

(لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسانَ فِی أَحْسَنِ تَقْوِیمٍ)۳ ، در بهترین شکل تو را آفریدیم.

(وَ نَفَخْتُ فِیهِ مِنْ رُوحِی)، از عنصری آسمانی در تو دمیدیم.

(فَتَبارَکَ اللّهُ أَحْسَنُ الْخالِقِینَ)۴ ، در آفرینش تو به خود آفرین گفتیم.

به راستی اگر انسان بفهمد که بهترین است و بسیار ارزشمند، انگیزه پیدا کرده و تلاش و کوشش می کند. وقتی می گویند: آقا تو فوق لیسانس هستی چرا نشسته ای پاسور بازی می کنی؟ تکان می خورد. تو دکتر هستی، مغزت را در اختیار این گذاشته ای، چرت و پرت گوش می کنی، تو باید با باسوادتر از خودت بنشینی، حیف نیست مغزت را در اختیار این شخص یا این کتاب وفیلم گذاشته ای؟ متذکّر می شود.

۲. آشنایی با زندگی افراد موفّق

یکی از چیزهایی که عامل ایجاد انگیزه در انسان است و بی تفاوت را متعهّد می کند، آشنایی به سرگذشت زندگی افراد موفق است.

مطالعه ی تاریخ بزرگان و آشنایی با رنج هایی که شخصیت های بزرگ در طول تاریخ متحمّل شده اند، حس تلاش و کوشش را در آدمی برمی انگیزد. مطالعه در تاریخ عبرت آموز و برانگیزاننده است.

به برخی افراد گفته می شود چرا مطالعه نمی کنی، عذرتراشی کرده و مثلاً می گویند: هوا گرم است، پول نداریم و از اینگونه بهانه جویی ها. در حالی که علمای بزرگ با هوای ۵۰ درجه گرما در نجف اشرف مجتهد شده اند و حتی

۱- ((۱)) . سوره اسراء، آیه ۷۰.

گـاهی برای خریـد کتاب قبایشان را فروخته انـد. مرحوم آیت اللّه العظمی مرعشـی نجفی برای خریـد کتاب مجبور می شـدند ماهها نماز و روزه استیجاری بخواننـد. خود ایشان می فرمودنـد: یکبار ترسـیدم که کتابی که در صـدد خریدش بودم از دسـت برود و کتابفروش آن را بفروشـد، از طرفی پولی هم نداشـتم. فوراً قبایم را که تازه تهیه کرده بودم فروختم و رفتم آن کتاب را خریدم.

اگر بـدانیم علّامه امینی صاحب کتاب الغدیر، برای نسـخه برداری از کتاب های مهم کمیاب، ماهها در کشورهای هندوسـتان، عراق، مصر، ترکیه، متحمل سختی های فراوانی شد، مشکلات ما را بی انگیزه نمی کند.

در خاطرات علامه امینی نگاشـته اند که ایشان به دنبال کتابی بود و در هیچ کتابخانه ای آن را نیافت. عاقبت با خبر گردید که آن کتاب در هندوستان موجود است. به آنجا سفر کرد و در صدد خرید آن کتاب برآمد، امّا آن کتاب را نمی فروختند، حتی به صورت امانت و عاریه هم ندادند. سـرانجام ایشان مجبور شد که در کتابخانه بماند وکتاب را رونویسـی کند. به مدّت شـش ماه، روزی هیجـده ساعت می نویسـد. وقتی از هندوسـتان به ایران بازگشت، از آب و هوای آنجا از او پرسـیدند. ایشان فرمود: آنچنان غرق در مطالعه بودم که نفهمیدم هوا گرم بود یا سـرد. یعنی چنان عاشق مطالعه است که نفهمید هوا گرم است یا سرد. مثل فوتبالیست ها که گاهی استخوان پایشان می شکند و چون گرم بازی و گل زدن است، متوجه آن نمی شود.

۳. آشنایی با تاریخ

خواندن تاریخ مثل بالا رفتن به قلّه کوه است، هرچه بالاتر بروی، دید وسیع تر و تجربه بیشتر پیدا می کنی.

ص:۴۱

تاریخ، آئینه عبرت است.

قرآن در آیات متعدّد توجه به تاریخ را سفارش فرموده است، از جمله:

(لَقَدْ کانَ فِی قَصَصِهِمْ عِبْرَةٌ لِأُولِی الْأَلْبابِ)۱ ،(قُلْ سِیرُوا فِی الْأَرْضِ فَانْظُرُوا کَیْفَ کانَ عاقِبَةُ الَّذِینَ مِنْ قَبْلُ کانَ أَکْثَرُهُمْ مُشْرِکِینَ)۲

از ناکامی ها و شکست ها عبرت بگیریم، زیرا هر ضرری می تواند تجربه را زیاد کند.

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: مؤمن از یک سوراخ دو بار گزیده نمی شود. «إِنَّ الْمُومِنَ لا یُلْدَغُ مِنْ جُحْرٍ مَرَّتَیْنِ»(۱)

ناپلئون می گوید: آنقدر شکست خوردم تا شکست دادن را یاد گرفتم.

مهم ترین کار این است که در وقت شکست، روح شکست نخورد، بلکه استقامتش بیشتر و خوشحال باشد که راه شکست تازه ای فراگرفته است.

در جنگ احد در اثر یک نافرمانی مسلمانان شکست خوردند، امّا فتوحات بعدی نشانه درس گرفتن از این شکست بود.

۴. توجّه به نتایج کار

یکی از اموری که آدمی را برمی انگیزاند، توجه به آینده است.

در قرآن کریم تعابیری همچون «وَ الْعاقِبَةُ لِلْمُتَّقِینَ» اشاره به آینده نگری و توجه به آخر کار است. امید به آینده ی روشن، دردها و رنج ها را تسکین داده و اراده ی فرد را تحریک می کند.

گاهی بی عدالتی ها و بی حرمتی ها ممکن است انسان را به ورطه ی بی تفاوتی بکشاند و فرد را بی انگیزه کند و بگوید: برای چه کسی کار کنم؟

۱- (۳)) . الصراط المستقیم، ج ۱، ص ۱۱۴.

چه کسی قدر کار من را می داند؟ و حال آنکه توجه به سرانجام و عاقبت مهم است و توجه به اینکه همه چیز در زمان حال خلاصه نمی شود و قضاوت در پیروزی حق بر باطل با آیندگان است. آیندگان خواهند فهمید که ابراهیم علیه السلام در مبارزه با نمرود مشرک پیروز شد و امام حسین علیه السلام بی دین بر یزیدیان غالب گردید.

۵. دانش و تجربه

از عوامل اساسی در ایجاد نشاط و انگیزه، آگاهی و معرفت و تخصص نسبت به موضوع و کار است.

آگاهی تنها محفوظات نیست، بلکه بینش و دانش مقرون به تجربه است. در این صورت فردی که دارای تخصص است، از انجام کار لذت می برد. در حقیقت با عمل، خود را کشف می کند و خود را توانا می یابد. اما فرد بی تجربه کاری که می کند با نوعی ریاضت مواجه است. همانند کودکی که هنوز زبان باز نکرده و باید با تأمل و حوصله حروف و کلمات را ادا کند، امّا پس از یادگیری دوست دارد ساعات زیادی حرف بزند. کسی که شنا نمی داند، احتمالاً انگیزه رفتن به استخر را هم ندارد.

امیرمؤمنان علی علیه السلام در وصیتی به کمیل بن زیاد فرمودند: ای کمیل! هرگاه قصد انجام کاری را داری، با معرفت و بینش اقدام کن.

به ما سفارش شده که مسائل مورد نیاز را فرابگیریم؛ به تجّار سفارش شده «الفِقْه ثُمَّ المَتجَر»(۱) ابتدا آگاهی و شناخت عمیق، سپس تجارت. در جبهه نیز باید رزمندگان با بصیرت باشند. در تبلیغ نیز به بصیرت سفارش شده است.

ص:۴۳

۱- (۱)) . کافی، ج ۵، ص ۱۵۰.

(أَدْعُوا إِلَی اللّهِ عَلیٰ بَصِیرَهٍ)۱

خداوند اولین فرد هستی و آخرین فرد را حجّت خود قرار داد تا حتی برای یک لحظه مردم بدون راهنما نباشند.

در سوره الرّحمن نام راه و مکتب را قبل از انسان مطرح کرد و ابتدا فرمود:(عَلَّمَ الْقُرْآنَ)۲ بعد فرمود:(خَلَقَ الْإِنْسانَ)۳

آری! اول شناخت بعد حرکت.

امام علی علیه السلام به مالک اشتر فرمان می دهد که افرادی را دوست خود قرار ده که اهل تجربه و حیا ودارای اصالت خانوادگی، سابقه نیک، کم حرف و دوراندیش باشند.(۱)

چنانکه به فرزندش امام حسن علیه السلام فرمود: پسرم درست است که من به اندازه همه کسانی که پیش از من می زیسته اند عمر نکرده ام، امّا در کردار آنها نظر افکندم و در اخبارشان تفکّر نمودم و در آثار آنها به سیر و سیاحت پرداختم تا بدانجا که همانند یکی از آنها شدم، بلکه گویا در اثر آنچه از تاریخ آنان به من رسیده، با همه آنها از اول تا آخر همراه بوده ام.(۲)

همچنین آن حضرت در این باره فرموده اند:

هر بزرگی نیازمند اندیشه وهر همکاری محتاج تجربه است.

تجربه ها، دانش های حاصل شده است.

گذشت روزگار به تجربیات می افزاید.

به کاری اقدام مکن مگر آنکه آزموده باشی.

۱- ((۴)) . نهج البلاغه، نامه ۵۳.

۲- ((۵)) . نهج البلاغه، نامه ۳۱.

نتیجه تجربه انتخاب خوب است.

هرکه تجربه اش بیشتر، غرورش کمتر است.

هرکه کارش را باتجربه استوار سازد، ازآسیب هامصون می ماند.

بهترین تجربه آن است که از آن الهام بگیری.

در هر تجربه ای درسی نهفته است.

موفقیت در پرتو قاطعیت وقاطعیت در سایه تجربه است.

هرکه خود را از تجربه دیگران بی نیاز بداند، از ارزیابی پیامدها ناتوان خواهد بود.

کم تجربه، فریب می خورد.(۱)

حفظ وگردآوری تجربیات نشانه خردورزی است. و انتقال آن به نسلهای بعد بزرگ ترین خدمت فرهیختگان می باشد وکتاب بهترین ابزار برای این رسالت بزرگ است.

کتاب، نتایج تجربیات گذشتگان و سرمایه های هنگفت آنان را در کاوشهای علمی، بدون عوض و پاداشی، در اختیار ما می گذارد.

کتاب، محصول گرانبهای یک روزگار، زحمات و تحقیقات ارباب فضل و کمال و علما و رجال و فلاسفه و حکما و نوابغ جهان را، به رایگان، به نسلهای بعد منتقل می کند و دلهای مستعد و آماده را از آب حیات حقیقی سیراب می سازد و حیات ابدی می بخشد.

کتاب، نفیس ترین میراث نیاکان برای آیندگان است.

کتاب، بهترین و ساده ترین وسیله تبادل نظر و ارتباط بین نژادها و نسلهای بشر است.

۱- (۱)) . غررالحکم، (تجربه).

کتاب، خانه و گنجینه با فضیلتی است که در هر زمان و مکان، درهای آن به روی همه کس باز است.

کتاب، مربّی کاملی است که با آغوش باز، بدون توقّع وطمع، انسان را به سرمنزل سعادت می رساند.

کتاب، جوامع بشری را به مقام واقعی انسانی خود سوق می دهد و سعادت آنان را تضمین می کند.

کتاب، به پست ترین افراد بشر فرصت می دهد تا با اندیشه و فکر کامل ترین و شریف ترین افراد آشنا شود و بدون هرگونه تشریفات از آنان استفاده کند.

کتاب، نردبان مطمئنی است که انسان را به قلل شامخ کمال و فضایل می رساند.

کتاب، روابط خلق و خالق مهربان را استوار می کند و انسان را با وظایفش آشنا می نماید و علاقه ومحبت او را به پروردگارش محکم و بارور می سازد.

۶. قداست موضوع و واسطه ها

کارهای انسان از نظر ماهیت عمل مختلف است؛ برخی کارها مقدّس و برخی عادّی هستند. غذا خوردن، عملی عادّی و نماز خواندن، مقدّس است. آنگاه که آدمی موضوع عملش عبادی و مقدّس است، انگیزه و اشتیاق عملش بیشتر می شود. در جنگ تحمیلی همین که پیوندی میان دفاع و فتح راه کربلا پدید آمد، رزمنده ها با قوت قلب بیشتری می جنگیدند. کربلا و کربلایی شدن برای مردم ما از مقدس ترین امور بوده و به راحتی و با طیب خاطر برای امام حسین علیه السلام بذل مال یا جان داشتند که جا دارد همواره از شهدا و خانواده شهدا یادی داشته باشیم.

ص:۴۶

مثال دیگر بناهای مذهبی است که صدها سال با زیبایی خیره کننده پا برجا هستند. روشن است که آن استحکامی که این بناها دارند، حتی منازل خود معماران نداشته است.

آنجا که کار و هدف مقدّس است، انگیزه ها به ابدیت پیوند می خورد. همچنین قداست واسطه ها انگیزه بخش است. مثلاً برای دعوت به کار و یا شرکت در مراسمی، گاهی یک فرد عادّی دعوت می کند، که یک نوع انگیزه ایجاد می کند و گاهی دعوت از طریق افراد برجسته و محبوب و مقدس صورت می گیرد که انگیزه قبول و پذیرش دعوت بالا می رود.

یا برای اصلاح ذات البین و آشتی دادن، گاهی افراد عادی واسطه می شوند و گاهی ریش سفیدان و چهره های محبوب و مقدس، که در این صورت انگیزه آشتی قوّت پیدا می کند.

در واسطه گری برای ازدواج، اگر افراد محبوب اقدام کنند به مراتب مؤثرتر از اقدام افراد عادّی است.

۷. مقایسه با مطلوب

مقایسه کردن در کارهای مثبت محرّک انگیزه و تلاش و عمل است. در کارهای مثبت برای آنکه به غرور، سستی و تنبلی دچار نشویم، باید عمل خودمان را با عمل بزرگان مقایسه کنیم؛

به امام زین العابدین علیه السلام گفته شد که در عبادت خودتان را به مشقت می اندازید! حضرت فرمودند: عبادت ما کجا و عبادت علی علیه السلام کجا!

به حضرت علی علیه السلام گفتند: از فرط عبادت خودتان را به هلاکت می اندازید! فرمودند: عبادت من کجا و عبادت رسول خدا صلی الله علیه و آله کجا.

به پیامبر گفتند: شما با این مقام عصمت، این همه عبادت! فرمودند: «ما

عرفناك حقّ معرفتك»(۱) عبادت من کجا و ادای حقّ خداوند کجا.

البتّه متأسّفانه مقایسه های ما اغلب در امور اعتباری و وهمی است؛ مقایسه در تعویض ماشین، خانه، لباس، مقام و مناصب دنیوی است.

۸. آشنایی با قوانین و سنّت های الهی

کسی که با قانون های الهی که حاکم بر فرد و جامعه است آشنا باشد، با بصیرت و دلگرمی و انگیزه کار خود را ادامه می دهد. مثلاً هنگام مواجهه با مشکلات، می داند که پس از سختی ها و مشکلات، راحتی و آسایش است.(فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ یُسْراً)۲

اگر مورد تهمت و تحقیر قرار گرفت، می داند که خداوند از مؤمنان دفاع می کند.(إِنَّ اللّٰهَ یُدافِعُ عَنِ الَّذِینَ آمَنُوا)۳

اگر با توطئه ها روبرو شد، می داند که خداوند رسوا کننده و افشاگر درون افراد است.(وَ اللّٰهُ مُخْرِجٌ ما کُنْتُمْ تَکْتُمُونَ)۴

اگر با حوادث تلخ روبرو شد، می داند که عاقبت با اهل تقوی است.(وَ الْعاقِبَةُ لِلْمُتَّقِینَ)۵

اگر در برابر دشمن قرار گرفت، می داند که خداوند قول یاری داده است.(إِنّا لَنَنْصُرُ رُسُلَنا وَ الَّذِینَ آمَنُوا فِی الْحَیاةِ الدُّنْیا)۶

اگر گرفتار سختی و زخم و جراحت در جبهه شد، می داند که در میان گروه مخالف نیز افرادی به این مشکلات گرفتارند. لکن ما امید به اجر الهی داریم

ص:۴۸

۱- ((۱)) . بحارالانوار، ج ۶۶، ص ۲۹۱.

که گروه مخالف ندارد.(وَ تَرْجُونَ مِنَ اللّهِ ما لا یَرْجُونَ)۱

همه زنان می دانند که سنّت الهی برای مادر شدن، تحمّل سختی بارداری و زایمان است و چون با این قانون آشنا هستند خود را نسبت به آن آماده کرده و برای مادر شدن انگیزه دارند.

۹. دیدن آثار و نشانه ها

از اموری که انگیزه را بالا می برد، دیدن آثار و نشانه های عمل است. پیراهنی که بوی یوسف دارد، در یعقوبی که در فراقش آنقدر اشک ریخته تا کم بینا شده، هیجان به وجود می آورد.

زائران مکه و مدینه و عتبات همین که نگاهشان به گنبد و مناره های مشاهد مشّرفه می افتد، حالاتشان تغییر می یابد.

دو دوست علاقمند که مدّت ها یکدیگر را ندیده اند، همین که به استقبال یکدیگر می روند و مرکب و ماشین و آثار دیگر متعلق به دوستشان را مشاهده می کنند، نشاطشان افزون تر می شود.

حضرت زکریّا علیه السلام که تا دوران پیری دارای فرزند نشد و همسری عقیم و نازا داشت، هنگامی که آثار و برکات وجودی کودکی همچون حضرت مریم و نزول مائده آسمانی را دید، برای فرزندار شدن خود دست به دعا برداشت:(رَبِّ هَبْ لِی مِنْ لَدُنْکَ ذُرِّیَّهً طَیِّبَهً)۲ البتّه هنگامی که دعایش مستجاب و بشارت فرزند به او داده شد، مضطرب و نگران شده و از خداوند نشانه و آثار خواست:(رَبِّ اجْعَلْ لِی آیَهً) خداوند فرمود: علامت این وعده آن است که تا سه روز قدرت سخن گفتن از تو گرفته می شود:(آیَتُکَ أَلاّ تُکَلِّمَ النّاسَ

ثَلاثَهَ أَیّامٍ)۱ دیدن این اثر و نشانه زکریّا را آرام کرد.

خداوند در قرآن به مؤمنان وعده نصرت و پیروزی و درآمد می دهد، ولی برای ایجاد انگیزه می فرماید:(فَعَجَّلَ لَکُمْ هٰذِهِ)۲ بخشی از آن وعده را زودهنگام برای شما قرار دادم تا مطمئن شوید تمام وعده ها عملی می شود.

۱۰. شناخت اهداف مخالفان

گاهی اعتراضات و گلایه های مخالفان، انگیزه انسان را نسبت به کار کم می کند. اگر ما ریشه و عمق اعتراض ها را بدانیم، به کار خود ادامه می دهیم و دلسرد نخواهیم شد. قرآن خطاب به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید:(وَ مِنْهُمْ مَنْ یَلْمِزُکَ فِی الصَّدَقٰاتِ فَإِنْ أُعْطُوا مِنْهٰا رَضُوا)۳ بعضی از مردم در باره تقسیم زکات نیش و زخم زبان به تو می زنند، امّا در حقیقت این اعتراضات برای آن است که از زکات چیزی نصیب آنان نمی شود، و اگر مقداری از زکات به آنان داده شود، راضی می شوند.

۱۱. توجه به فداکاری بزرگان

از اموری که انگیزه را زیاد می کند، توجّه به فداکاری و پشتکار دیگران است. به چند نمونه توجه کنید:

۱ - خداوند به پیامبرش می فرماید: صبر کن همان گونه که پیامبران اولواالعزم قبل از تو صبر کردند.(فَاصْبِرْ کَمٰا صَبَرَ أُولُوا الْعَزْمِ مِنَ الرُّسُلِ)۴

۲ - قرآن می فرماید:(وَ کَأَیِّنْ مِنْ نَبِیٍّ قٰاتَلَ مَعَهُ رِبِّیُّونَ کَثِیرٌ فَمٰا وَهَنُوا لِمٰا أَصٰابَهُمْ فِی

سَبِيلِ اللّهِ وَ مَا ضَعُفُوا وَ مَا اسْتَكَانُوا وَ اللّهُ يُحِبُّ الصّابِرِينَ)۱ و چه بسیار پیامبرانی که همراه او توده های انبوه کارزار کردند و در برابر آنچه در راه خدا به ایشان رسید، سستی نورزیدند و ناتوان نشدند و تسلیم (دشمن) نگردیدند و خداوند شکیبایان را دوست دارد.

۳ - سالیان پیش منافقان کوردل در میان نمازگزاران نماز جمعه در دانشگاه تهران، انفجاری ایجاد کردند که جمعی از نمازگزاران نیز شهید شدند، ولی رهبر جمهوری اسلامی با همان صلابت خطبه را ادامه داد.

۴ - هنگام تدریس آیت اللّه میرزا جواد تبریزی، شهر قم توسط هواپیماهای عراقی چنان بمباران شد که محلّ درس به شدّت لرزید، ایشان فقط یک کلمه گفت: «لا اله الاّ اللّه» و سپس درس را ادامه دادند.

۵ - آیت اللّه اعتمادی به محل درس آمد و بعد از تدریس به شاگردانش فرمود: اگر درس دیگری ندارید و خواستید، در تشییع جنازه مادرم شرکت کنید. من حاضر نشدم به خاطر فوت مادرم درس شما را تعطیل کنم.

۶ - آیت اللّه ستوده بر خلاف معمول کمی دیر به درس آمد و پس از درس به شاگردان گفت: همسرم بیمار بود و از دنیا رفت، فکر کردم درس شما تعطیل نشود با چند دقیقه تأخیر به محلّ درس آمدم و اکنون که درس تمام شده به تشییع جنازه می روم.

۷ - آیت اللّه بحرالعلوم فرزندش را هنگام سحر بیدار کرد تا با هم به حرم حضرت علی علیه السلام بروند. در راه فقیری که از مردم گدایی می کرد را به او نشان داد و فرمود: این فقیر برای به دست آوردن مقدار کمی پول سحرخیزتر از ما بوده است.

ص:۵۱

۱۲. همراهی هستی

قرآن بارها از تسبیح، قنوت، سجده و اطاعت موجودات سخن به میان آورده تا به انسان بگوید حیوانات و نباتات و جمادات که پایین تر از تو هستند و برای شما آفریده شده اند، همگی مشغول بندگی خدا هستند و فرشتگان معصوم نیز پیوسته و بدون سستی و خستگی در حال اطاعت و عبادت هستند. تنها تو هستی که با بی تفاوتی از عبادت و بندگی خدا شانه خالی می کنی.

آری، توجّه به اینکه همه هستی مطیع فرمان خدایند، می تواند انگیزه انسان را برای بندگی خدا بیشتر کند.

۱۳. فهمیدن فلسفه و راز امور

در فهمیدن لذّتی است که در لذائذ دیگر نیست. گاهی کسالت و بی انگیزگی برای آن است که آثار و برکات و اسرار چیزی را نمی دانیم. نمی دانیم چرا باید اینکار را بکنیم، چرا باید این درس را بخوانیم، چرا باید این رابطه را برقرار کنیم. امام رضا علیه السلام می فرماید: اگر مردم خوبی و زیبایی و ارزش کلام ما را می دانستند، حتماً از ما پیروی می کردند.(۱)

اگر از افرادی که نسبت به نماز کاهلی می کنند دلیل کارشان را بپرسیم، خواهند گفت: چرا باید نماز بخوانیم؟ نماز چه اثری دارد؟ خداوند چه نیازی به آن دارد؟ و این به خاطر آن است که ناآگاهند و مزه و شیرینی نماز را نچشیده اند و این مسئولیت به دوش اهل علم و قلم و هنر است که مزه فهمیدن اسرار و لطائف را تا آنجا که ممکن است به دیگران بچشانند.

۱- (۱)) . بحارالانوار، ج ۲، ص ۳۰.

قرآن برای دعوت به نماز می فرمایـد: نماز و عبادت تشـكر از نعمت های اوست و هر عقل و وجدانی تشـكر در برابر نعمت ها را لازم می داند.(اعْبُدُوا رَبَّكُمُ الَّذِی خَلَقَكُمْ)۱ در جای دیگر می فرماید: نماز، یاد خداست.(وَ أَقِمِ الصَّلاهَ لِذِكْرِی)۲ و یاد خدا تنها وسیله آرامش دلهاست.(أَلا بِذِكْرِ اللّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ)۳

در آیه دیگر می فرماید: نماز، سبب محو گناهان است.(إِنَّ الْحَسَناتِ یُذْهِبْنَ السَّیِّئاتِ)۴

در جـای دیگر می فرمایـد: نمـاز، انسـان را از فحشـا و منكر بازمی دارد.(إِنَّ الصَّلاهَ تَنْهی عَنِ الْفَحْشاءِ وَ الْمُنْكَرِ)۵ آری، همان گونه كه اگر لباس ما سفید باشد روی زمین كثیف نمی نشینیم، اگر ما اهل نماز شدیم از بسیاری از آلودگی ها دوری خواهیم كرد. اگر دانش آموز و دانشـجو بدانـد كه چرا باید ریاضـی وشـیمی بخواند و در آینده چه نیازی به این علوم دارد، بی شـك انگیزه او در تحصیل تقویت خواهد شد.

۱۴. توجّه به كوتاهی و گذران فرصت

بسـیاری از افرادی كه انگیزه ای برای كار ندارند یا در كارها سست و كاهل اند، خیال می كنند همیشه زنده هستند و نگران از دست دادن فرصت و توان خود نیسـتند. در صدر اسـلام مرسوم شده بود كه مسـلمانان هر روز سوره عصر را برای همدیگر می خواندند و به یكدیگر گوشزد می كردند كه

فرصت ها در حال گذر و رفتنی هستند.

در اسلام سفارش شده آنگونه نماز بخوان که گویا آخرین نماز تو می باشد. «صلّ صلاه مودّع»(۱)

در قرآن بارها کلمه «بغته» آمده یعنی ناگهان مرگشان فرامی رسد.

از امام صادق علیه السلام سؤال شد: چرا بعضی مردگان با چشم باز و بعضی با چشم بسته جان داده اند؟ حضرت فرمودند: آن کسی که چشمش باز است، فرصت بستن و برهم گذاشتن نداشته و آنکه چشمش بسته است، فرصت باز کردن نداشته است.

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: ای ابوذر! جوانیت را قبل از پیری، سلامتی را قبل از بیماری، بی نیازی را قبل از نداری، فرصت را قبل از گرفتاری و زندگی را قبل از رسیدن مرگ، قدر بدان.(۲)

کسانی که کار نیک را به تأخیر می اندازند، از کجا خبر دارند که عمر طولانی دارند و زمان بعدی هم توان انجامش را خواهند داشت؟

آری، اگر به کوتاهی و گذران عمر و از دست دادن فرصت ها توجه کنیم، انگیزه ما برای انجام بهتر و بیشتر و سریع تر بالا می رود و از امکانات و فرصت هایی که داریم، بهتر و بیشتر استفاده می کنیم.

۱۵. مبارزه با تبلیغات منفی

یکی از اهداف دشمن در طول تاریخ، ایجاد ترس و یأس و ضعف در دل مردم است که انگیزه درونی و حرکت بیرونی را کم کند. مؤمن برای حفظ روحیه ی خود باید مقابله به مثل کرده و روحیه و انگیزه خود را تقویت کند.

۱- ((۱)) . کافی، ج ۴، ص ۲۶۱.

۲- ((۲)) . امالی طوسی، ص ۵۲۵.

به نمونه هایی از وسوسه ها و بهانه های ذکر شده در قرآن توجه کنیم:

متخلّفان از جنگ تبوک، کراهت داشتند که با اموال و جان های خود، در راه خدا جهاد کنند و به یکدیگر و به مؤمنان می گفتند:(لا تَنْفِرُوا فِی الْحَرِّ)۱ در هوای گرم به جبهه جنگ نروید! خطاب می رسد: به آنان بگو: آتش دوزخ داغ تر است اگر می دانستند!

می گویند: در جبهه ما به فتنه و گناه می افتیم،(وَ لا تَفْتِنِّی)۲ قرآن می گوید: همین عذر و بهانه تراشی شما برای فرار، خود فتنه ای است که سرانجامش سقوط است.

در برابر القای ترس از دشمن،(یَخْشَوْنَ النّاسَ)۳ قرآن می فرماید: خدا سزاوارتر است که بترسید.(وَ اللّهُ أَحَقُّ أَنْ تَخْشاهُ)

در برابر وسوسه انبوه بودن جمعیت دشمن،(إِنَّ النّاسَ قَدْ جَمَعُوا لَکُمْ)۴ قرآن می فرماید:(عِشْرُونَ صابِرُونَ یَغْلِبُوا مِائَتَیْنِ)۵ بیست بر دویست پیروز است، البتّه به شرط مقاومت.

در برابر فرار از جبهه، قرآن می فرماید:(لَنْ یَنْفَعَکُمُ الْفِرارُ)۶ و می فرماید: مرگ به سراغتان می آید گرچه در ساختمانی محکم باشید.(وَ لَوْ کُنْتُمْ فِی بُرُوجٍ)۷

در برابر خنده های تحقیر آمیز مجرمان به مؤمنان،(إِنَّ الَّذِینَ أَجْرَمُوا کانُوا مِنَ الَّذِینَ آمَنُوا یَضْحَکُونَ)۸ قرآن می فرماید: روز قیامت اهل ایمان به کفّار

ص:۵۵

خواهند خندید.(فَالْیَوْمَ الَّذِینَ آمَنُوا مِنَ الْکُفّارِ یَضْحَکُونَ)۱

در برابر شعار حمایت از بت هُبَل، «اُعلُ هُبَل، اعل هُبَل!» شعار مسلمانان این بود: «اللّه أعلی و أجلّ، اللّه أعلی و أجلّ»

در برابر شعار مشرکان که ما بت عُزّی داریم و شما ندارید، «انّ لنا العزّی لا عُزّی لکم» شعار دادند: «اللّه مولانا و لا مولا لکم» خدا سرپرست ماست و شما این سرپرست را ندارید.

خلاصه در برابر هر حرکت و تبلیغ تضعیف کننده دشمن، باید انگیزه ها و حرکت ها را با مقابله به مثل حفظ کرد.

قرآن در برابر کسانی که انفاق را غرامت و ضرر می پندارند،(مَغْرَماً)۲ ، گروه دیگری را معرّفی می کند که انفاق را غنیمت و ذخیره قیامت می دانند. (مغنما)(۱)

قرآن در برابر برگشت و ریزش برخی افراد می فرماید: خود را نبازید که در عوض گروهی جذب شده و رویش پیدا خواهند کرد.

۱۶. آینده نگری

یکی از چیزهایی که به انسان انگیزه می دهد، توجه به آینده است. در قرآن آیات متعدّدی به این موضوع اشاره دارد، از جمله:(وَ الْعاقِبَهُ لِلتَّقْوی)۴ ،(وَ الْعاقِبَهُ لِلْمُتَّقِینَ)۵ آینده از آن تقوی و اهل تقوی است.(لَنُهْلِکَنَّ الظّالِمِینَ)۶ پایان کار ستمکاران، هلاکت است.

خداوند قول داده که ظالمان را هلاک کند.

ص:۵۶

۱- ((۳)) . سوره توبه، آیه ۹۹.

در جنگ حضرت ابراهیم علیه السلام و نمرود، آینده با ابراهیم شد.

در جنگ بین موسی علیه السلام و فرعون، آینده با حضرت موسی شد.

در جنگ میان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و مشرکان، آینده با پیغمبر شد.

در جنگ امام حسین علیه السلام و یزید، آینده با امام حسین شد.

خداوند به مؤمنان صالح وعده داده است که زمام امر جهان به دست آنان خواهد افتاد.(۱)

۱۷. آثار کار در دنیا

انسان اگر آثار کار خویش را در همین دنیا مشاهده کند، انگیزه اش بالا می رود. قرآن می فرماید: ما در همین دنیا برکات خود را بر اهل ایمان و تقوا نازل می کنیم؛(وَ لَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرىٰ آمَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنٰا عَلَيْهِمْ بَرَكٰاتٍ)۲

گاهی به خاطر برداشتن مانعی از سر راه مردم، خداوند چند مانع را از سر راه ما برمی دارد.

در آیات و روایات متعدّد می خوانیم که احسان به مردم احسان به خود است، نظیر:(إِنْ أَحْسَنْتُمْ أَحْسَنْتُمْ لِأَنْفُسِكُمْ)۳ و بخل به مردم، گره خوردن کار را به دنبال دارد،(وَ مَنْ يَبْخَلْ فَإِنَّمٰا يَبْخَلُ عَنْ نَفْسِهِ)۴ کسی که به دیگران خدعه می زند، در حقیقت خود را فریفته و به خود خدعه زده است. «مَن غَشّ غُشّ»(۲)

۱- ((۱)) . سوره نور، آیه ۵۵.

۲- ((۵)) . کافی، ج ۵، ص ۱۶۰.

۱۸. انجام وظیفه، نه نتیجه

بعضی ها که انگیزه ندارند، می گویند فایده این همه تلاش چیست، شاید به نتیجه نرسیدیم. اسلام می گوید: هدف این است که به وظیفه عمل کنیم و نتیجه اش هر چه می خواهد باشد.

امام خمینی می فرمود: ما در جنگ می خواهیم به وظیفه عمل کنیم، حالا به پیروزی برسیم، یا نرسیم. چنانکه امام حسین علیه السلام به وظیفه اش عمل کرد، گرچه در کربلا قطعه قطعه شد.

برخی که به دنبال حصول نتیجه هستند، انگیزه ای ندارند و حال آنکه نتیجه کار گاهی فوری و گاهی در دراز مدت و گاهی به قیامت موکول شده است. نتیجه کار، گاهی دیدنی و مادی و گاهی پنهانی و معنوی است، ما باید فرمانی را که از خداوند حکیم صادر شد، با علاقه و اخلاص عمل کنیم، خواه نتیجه آن را در دنیا احساس کنیم، یا نکنیم.

۱۹. مقایسه

در قرآن آیات بسیاری میان مؤمنان و کافران مقایسه کرده است. چنانکه امام علی علیه السلام گاهی برای تحریک و انگیزه دادن به یاران خود، آنان را با یاران معاویه مقایسه می کرد و می فرمود: آنان در راه باطل مقاومت دارند و شما در راه حق سست هستید.

فصل سوم: راهکارهای مدیریتی

اشاره

ص:۵۹

۱. برنامه ریزی و نظم

برنـامه ریزی انسـان را مقیّـد می کنـد و موجب می گردد تـا آسـان تر بر راحت طلبی هـا پیروز شود. به ویژه برنـامه ریزی های اجتماعی افراد سست و بی انگیزه را هم به دنبال خویش می کشاند. به عنوان مثال:

اداراتی که برنامه منظم برای نماز دارند و اکثریت در نماز شرکت می کنند، دیگرانی را که سست هستند تشویق می کند.

نظم و برنامه ریزی دقیق حرکت ماشین ها و قطارها و هواپیماها، انگیزه مردم را در حضور به موقع بیشتر می کند.

در مـاه رمضـان که خـانواده برای روزه گرفتن برنـامه دارنـد، برای اهـل خـانه روزه گرفتن آسان تر از غیر ماه رمضان است که برنامه ای برای روزه گرفتن در کار نیست.

وقتی برنامه ریزی شد، آدمهای بی انگیزه هم انگیزه دار می شوند.

امام رضا علیه السـلام می فرماید: موقع نماز که شد، تا گفتند: «حیّ علی الصـلاه» چنان به طرف مسـجد بروید تا آن کسـی که اهل مسجد و نماز نیست بگوید: همه که دارند نماز می خوانند، پس من هم نماز بخوانم.

آری، بایـد در خـانه و جـامعه و اداره و مکـان هـای عمومی چنان فضاسازی کنیم که همه ی افراد برای انجام تکالیف فردی و اجتماعی خود انگیزه بیشتری پیدا کنند.

نظم و هماهنگی برای انسان بسیار جذّاب و دلپسند است.

ص:۶۱

زیبایی، محصول نظم و تناسب در اشیا می باشد. خداوند در آفرینش جهان همه چیز را به اندازه و با نظم آفریده است؛(إِنّا کُلَّ شَیْ ءٍ خَلَقْناهُ بِقَدَرٍ)۱ و آسمان را برافراشت و میزان و معیار قرار داد.(وَ السَّماءَ رَفَعَها وَ وَضَعَ الْمِیزانَ)۲ شب و روز و خورشید و ماه هرکدام را در جای خود قرار داد و رشد و تعالی انسان را در پرتو نظم و برنامه تعریف کرد.

اسلام عزیز عبادات را در قالب نظم خاصی تنظیم فرموده است. نماز در وقت هایی خاص، روزه در ماهی خاص، حج در موسمی خاص، نماز قبل از وقت باطل و نماز اول وقت بهترین است و نماز با تأخیر مشمول کسری ثواب است و نماز بعد از وقت مجازات دارد.

نظم در زندگی افراد، خوشایند ناظران است و انگیزه عمل را در آنان تقویت می کند.

بزرگی گفته است: برنامه ریزی، وقت انسان را زیاد می کند.

در حقیقت نظم و برنامه ریزی در هر کاری، بهره وری را بالا می برد.

۲. نظارت و کنترل

داشتن سازمان و تشکیلات و به ویژه توجه به حضور و غیاب افراد و نظارت و پیگیری، انگیزه را در افراد زیاد می کند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله هرگاه نماز صبح می خواندند، با نگاهشان جمعیت را حضور و غیاب می کرد و اگر کسی غایب بود، دلیلش را جویا می شد، اگر مسافرت بود برایش دعا می کرد و اگر بیمار بود به عیادتش می رفت.

به هر حال همین که مردم می دانستند توجه و نظارتی در کار است، برای

حضور نمازجماعت انگیزه بیشتری پیدا می کردند.

قرآن در قصه ی حضرت سلیمان می فرماید: سلیمان بر تمام افرادی که تحت فرمانش بودند نظارت دقیق داشت، حتی بر پرندگان. روزی هدهد غایب بود، فرمود: هدهد کجاست؟ چرا هدهد را نمی بینم؟(۱) این نظارت و کنترل عامل مهمی در حفظ انگیزه و تعهد در افراد و جامعه است.

۳. دسترسی به امکانات

برای انجام هر کاری نیاز به مقدّماتی است. از این رو داشتن حداقل امکانات، در ایجاد و حفظ انگیزه عامل مؤثری است. آدمی که از امکانات بی بهره است، نشاطش اندک و اراده اش سست می گردد. قرآن می فرماید: برای ترساندن دشمنان خدا هرچه در توان دارید آماده کنید.(وَ أَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ)۲

البتّه توکّل و اخلاص و امدادهای الهی، با تهیه تدارکات و تجهیزات منافاتی ندارد. قرآن در یکجا می فرماید: خدا پرندگان را در آسمان نگه می دارد.(مَا يُمْسِكُهُنَّ إِلاَّ الرَّحْمٰنُ)۳ و در جای دیگر می فرماید:(وَ مَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ وَ لاَ طَائِرٍ يَطِيرُ بِجَنَاحَيْهِ)۴ پرنده با دو بال پرواز می کند. بنابراین گرچه خداوند پرنده را در فضا حفظ می کند، امّا این حفاظت توسط دو بال و بال زدن خود اوست.

در تاریخ می خوانیم که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله جمعی از مسلمانان را به منطقه ای فرستادند تا از ابزار نظامی آنان بازدید کرده و شیوه بکارگیری آن را فراگیرند و به سایر مسلمانان یاد دهند.

۱- ((۱)) . سوره نمل، آیه ۲۰.

بنابراین تهیه و دسترسی به امکانات و تجهیزات و مهارت ها، اراده انسان را نسبت به کار آسان تر و بیشتر و سریع تر می کند و منافاتی با حفاظت خداوند ندارد.

۴. همکاران علاقمند

اگر همکـاران، علاقه منـد به کار و کارفرما و دیگر همکاران باشـند، بازدهی کار رو به افزایش می نهـد. مثل اینکه اگر فرزند انسـان همکـار و شـاگردش باشـد، روشن است که رابطه ی نسبی از نظر عـاطفی و روحی در بالاـ بردن سـطح انگیزه هـا اثر به سزایی دارد.

شایـد اینکـه در حـدیث آمـده است که از سـعادت آدمی این است که فرزنـدش همکـارش باشـد، همین باشـد. زیرا علاـقه به کارفرما مانع کم کاری، بـدکاری، هدر دادن وقت و امکانات است و سـبب افزایش کمّی و کیفی کار است. البتّه ممکن اسـت افرادی از فامیل بودن یا رفیق بودن سوء استفاده نیز بکنند که در آن موارد باید شرایط و افراد را تغییر داد.

۵. وقت شناسی و مدیریّت زمان

در برنامه ریزی ها وقت شناسـی و تناسب عمل با زمان انجام آن اهمیت دارد؛ گاهی که در کار خاصی دچار کسالت و سستی می شویم، بهتر است زمان انجام آن کار را تغییر دهیم. چون تغییر در زمان یک کار، موجب ایجاد انگیزه بیشتری خواهد شد.

در اسلام به اهمیت وقت و وقت شناسی و مدیریت زمان تأکید فراوانی شده است:

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: خدای بزرگ زمان هایی را مانند اوقات نماز

برگزیده و روزهایی را مثل روز جمعه وایّام حج و شب هایی را مثل شب قدر و ماههایی را مثل ماه رمضان برگزیده است.

نماز، گناهان میان دو نماز را پاک می کند و نمازجمعه گناهان جمعه تا جمعه وماه رمضان گناهان بین دو ماه رمضان را برطرف می کند و هیچ روز وشبی در دنیا بهتر از روز وشب دهه اول ذی الحجه نیست.(۱)

بهترین زمان تعلیم و تربیت، دوران کودکی است. لقمان حکیم به فرزندش می گوید: فرزندم درکودکی تو را تربیت کردم تا دربزرگی بهره اش را ببری.

تربیت در کودکی به مراتب آسان تر از دوران بزرگسالی است: حضرت علی علیه السلام به فرزندش امام مجتبی علیه السلام فرمود: قلب کودک همانند زمین بی گیاه است، هرچه بر او عرضه شود، می پذیرد. به همین جهت من پیش از اینکه قلب تو سخت شود و دلت مشغول گردد، به تأدیب تو اقدام نمودم.(۲)

و نیز فرمود: آنکه در کودکی آموزش نبیند، در بزرگی پیشرفتی ندارد.(۳)

و فرمود: علم در کودکی، همچون نقش بر سنگ (ماندگار) است.(۴) یا فرمود: در کودکی آموزش ببینید تا در بزرگسالی سروری کنید.(۵)

تناسب کار با زمان مناسب، از نکات بسیار مهمی است که حضرت علی علیه السلام بر آن پافشاری دارد و می فرماید: آداب و رفتار زمان خود را به فرزندانتان تحمیل نکنید، چرا که آنان برای زمانی متفاوت با زمان شما آماده می شوند.(۶)

ص:۶۵

۱- ((۱)) . مستدرک الوسائل، ج ۱۰، ص ۱۵.

۲- ((۲)) . وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۱۹۷.

۳- ((۳)) . غررالحکم.

۴- ((۴)) . کنزالفوائد، ج ۱، ص ۳۱۹.

۵- ((۵)) . شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج ۲۰، ص ۲۶۷.

۶- ((۶)) . همان.

۶. فضاسازی و مدیریّت مکان

تغییر مکان گاهی انگیزه را زیاد می کنـد. مکانی که ما در آن هستیم، در روحیه و عمل ما اثر مطلوب یا نامطلوب می گـذارد. آراسـتگی، روشـنایی و نور؛ گرما و سرما، دور و نزدیک بودن، أمن و ناأمن بودن، آثار تاریخی، تفریحی، معنوی و تجهیزات، هریک در ایجاد نشاط و انگیزه و استحکام اراده سهمی دارد.

مکـان هر کاری بایـد متناسب با آن کار باشـد؛ مکان عبادت، مکان مطالعه، مکان کار وفعالیت، مکان خواب واستراحت محل گفتگو ومذاکره، محل گردش وتفریح، هر کدام ویژگی ها و استانداردهای خود را می طلبد تا انگیزه در کار را افزایش دهد.

در تاریـخ آمـده است که در زمـانی می خواسـتند در نقطه ای از شـهر بیمارسـتانی بسازنـد، با دانشـمند بزرگ اسـلامی جناب زکریای رازی مشورت کردنـد. ایشان فرمود: قطعه گوشتی را چهار قسـمت کنید، ودر چهار منطقه شـهر آویزان کنید، هر کجا این گوشت دیرتر فاسد شد، پیداست هوای آنجا بهتر است، در آنجا بیمارستان بسازید.

مـا بایـد در جاهـایی که پارک و فضای سبز وجود دارد، کتابخانه درست کنیم و محل فکر و انـدیشه و آموزش را با طراوت و سرسبز کنیم. به فضای سبز مدرسه و آموزشکده های فرزندان توجه کنیم و تأثیرش را در موفقیت بیشتر آنان مشاهده کنیم.

و حـال آنکه مـا کتابخـانه را در محلی نامناسب، اتاق پـذیرایی را که سالی چنـد بار مهمان داریم، مفصل درست می کنیم، امّا اتاق مطالعه و درس فرزندانمان را که در طول سال از آن استفاده می کنند تنگ و نامناسب.

۷. دوستان هم سلیقه

رفقای هم فکر و هم سلیقه، انگیزه های یکدیگر را تقویت می کنند.

حضرت موسی علیه السلام همکاری برادرش هارون را از خداوند درخواست کرد.(۱) پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله میان افرادی که با هم سنخیت داشتند، عقد برادری خواندند؛ مانند سلمان و ابوذر، ابوبکر وعمر، امام علی وخودش و همچنین بین بانوان همفکر و هم سلیقه، عقد خواهری خواندند. لذا در پیشامدها و کارها، افراد هم سلیقه با هم شریک می شدند.

بخش مهمی از توفیقات فرهیختگان به خاطر همفکری و همکاری همسران و خانواده آنان است. راستی اگر مدرک دکتری یا اجتهاد را به مردی می دهند، سزاوار است یک دکترای افتخاری هم به همسر همدل و هم فکر و زمینه ساز او داده شود.

نمونه همفکری در کار خیر: پیامبر اکرم و حضرت خدیجه، امام علی و حضرت فاطمه، حضرت ابراهیم و هاجر و اسماعیل صلوات الله علیهم و نمونه همفکری در کار شرّ، ابولهب و همسرش می باشد.

رسول خدا می خواست دور مدینه را خندق بکند فرمود: ده نفر ده نفر شوید و شروع کنید به کندن خندق و هر کدام بروید و ده نفر مثل خودتان را پیدا کنید.

از چیزهایی که انگیزه نیک انسان را زیاد می کند، داشتن دوست بهتر وبالاتر از خود است. مثلا اگر آن دوست نمره هفده آورد من هم می خواهم نمره هفده بیاورم، اگر او بیست آورد، من هم بیست بیاورم. یعنی ایجاد مسابقه ورقابت مثبت و رشد و ترقی در کمالات. امّا اگر رفیقش از خودش

۱- ((۱)) . سوره طه، آیه ۳۰.

پایین تر باشد، سست می شود. در بسیاری از موارد افراد وقتی دیدند دوست و رقیبشان فعال است، آنها هم فعال تر می شوند.

۸. مقبولیت مدیر

مدیری که در نزد کارکنانش از مقبولیت علمی، ایمانی و رفتاری برخوردار است، خود به خود در قلب آنان جای پیدا کرده و انگیزه کارمندانش را برای کار، حفظ و تقویت می کند.

زیردستان فطرتاً از کسی متابعت می کنند که وی را قبول داشته باشند. امّا مدیری که در ذهن زیردستانش جایگاهی ندارد، کم کاری، مسامحه و سستی در آن محیط دور از انتظار نیست.

دانش آموزانی که مدیر و معلمشان محبوب و مورد قبول آنان است، انگیزه درس خواندن و تلاش برای پیشرفت در آنها بیشتر است.

۹. امنیت شغلی

کشاورزی که می داند دولت محصولش را خریداری می کند و کارش هدر نمی رود، انگیزه اش برای کار کردن، روز به روز افزون می شود. کارمندی که می داند هر ماه مبلغ معینی درآمد خواهد داشت، از نظر روحی و ذهنی دغدغه و اضطراب نخواهد داشت و با فراغ بال کارش را انجام می دهد.

کارگری در خانه امام رضا علیه السلام کار می کرد. حضرت به سرکارگرش فرمود: چقدر مزد با وی طی کرده ای؟ وی گفت: آدم بیچاره ای است که هرچه به وی بدهی قبول می کند. حضرت ناراحت شدند و فرمودند: مگر من به تو نگفته بودم که مزدش را از ابتدا مشخص کن. البتّه در پایان کار که خواستی مزدش را بدهی چیزی هم اضافه بپرداز.

۱۰. جرأت و شجاعت

ترس و اضطراب، انگیزه را تضعیف می کند، امّا جرأت و جسارت، انگیزه بخش است. انسان های شجاع از اقدام و عمل لذت می برند. چه بسیار افرادی که مجرد مانده اند و ازدواج نکرده اند، یا از رانندگی می هراسند.

شرط موفقیت در هر کاری جسارت است، تاجر ترسو هیچگاه تجارتش رونق نمی گیرد. در حدیث آمده که تاجر بدون جرأت، ثمری جز گرسنگی نخواهد داشت.

انبیای الهی و پیشوایان دینی، دارای روحیه حماسی بوده اند.

بر والدین لازم است که فرزندان خود را شجاع و با جرأت تربیت کنند و با انواع تمرین ها و تجربه ها و رفاقت ها، آنان را از خجالت و ترس نابجا دور نمایند.

امیرمؤمنان علیه السلام می فرماید: از هر کاری می ترسی، خود را در آن قرار بده، چون ترس آن، از خود عمل بیشتر است.

بسیاری از چیزهایی که انسان می ترسد، خیالی و واهی است.

قرآن از انسان های شجاع و دلیر تعریف کرده و آنان را ستوده است؛ مانند حضرت ابراهیم علیه السلام که در برابر بت پرستان؛ سوگند یاد کرد که بت ها را نابود سازد و همه بت ها را شکست.(وَ تَاللّهِ لَأَکِیدَنَّ أَصْنامَکُمْ)۱

یا شجاعت حضرت داود نوجوان در برابر جالوت ستمگر؛(وَ قَتَلَ داوُدُ جالُوتَ وَ آتاهُ اللّهُ الْمُلْکَ وَ الْحِکْمَهَ)۲ این نوجوان دلیر چنان حمله کرد، که رهبر کفر را کشت و خداوند به خاطر این جرأت و جسارتی که داشت او را به

مقام نبوت و پادشاهی رساند.

۱۱. محیط و فضای عاطفی

در محیطهای کار گروهی و اجتماعی، اگر میان افراد صمیمیت و رفاقت برقرار باشد، همه افراد هنر و توان واقعی شان را عرضه می کنند، خستگی احساس نکرده و سعی دارند در انجام وظیفه از یکدیگر پیشی بگیرند، در غیر این صورت انگیزه چندانی برای سعی و تلاش ندارند. حتی در مسافرت، انگیزه همکاری بیشتر شده و خوشی و لذتشان زیادتر می شود.

همچنین در محیطهای خانوادگی که میان خانواده روابط عاطفی بیشتری حاکم باشد، اعضای خانواده برای کمک به یکدیگر تلاش دوچندان کرده و از خیررسانی به یکدیگر لذت می برند.

امّا اگر جمعی که با یکدیگر کار می کنند، بدون عاطفه و صمیمیت و تنها براساس وظایف مشخص شده قراردادی کار کنند، حتی در حد انجام وظایف هم آنگونه که شایسته است موفق نخواهند بود.

۱۲. عدالت

جامعه ای که در آن عدالت حاکم است، کار کردن به ویژه تولید و ابتکار مقرون به پیشرفت است. خانواده ای که در آن تبعیض نباشد، اداره ای که افرادش براساس لیاقت انتخاب شده باشند، کارگاهی که هرکس به قدر استعداد و تلاشی که کار می کند از منافع آن بهره مند شود، در چنین مجموعه هایی انگیزه و نشاط کار بیشتر شده و حس مسابقه در کار روز به روز شعله ورتر می گردد. در مقابل اگر ظلم و تبعیض برقرار باشد، استعدادها کم فروغ شده و گرد یأس و تنبلی روحیه آنان را فرامی گیرد. وقتی رابطه جای

ضابطه را بگیرد، انگیزه ها به شدّت لطمه می بیند.

توجه به سخنان بلند وحکمت های فاخر امام علی علیه السلام در این زمینه، نشان دهنده نقش عدل در ایجاد انگیزه است:

عدل، زندگی است. «العَدلُ حیاه»

عدل، عامل اصلاح جامعه است. «العَدلُ یُصلِحُ البرِیَّه»

هیچ چیز مثل عدل، آبادانی به دنبال ندارد. «ما عمرت البُلدان بِمِثلِ العَدل»

با عدل برکات چند برابر می شود. «بِالعَدلِ تَتَضاعَفُ البَرکات»

هر کس بر اساس عدل و عدالت رفتار کند، خداوند رحمتش را بر او سرازیر و فراگیر می سازد. «مَن عَدَلَ فِی البِلادِ نَشَرَ اللَّهُ عَلیه الرَّحمَه»

هرکس با عدل رفتار کند، فرمانش تأثیرگذار می شود. «مَن عَدَلَ نَفَذَ حُکمه»

کسی که به عدل رفتار کند، منزلت ومحبوبیتش بیشتر می شود. «مَن عَدَلَ عَظُمَ قَدرُه»

کسی که بر اساس عدل رفتار کند، خداوند زمامداریش را حفظ و نگه می دارد. «مَن عَمِلَ بِالعَدلِ حَصن اللّهُ مُلکه»(۱)

حتی در خانه ای که والدین رفتار عادلانه دارند، فرزندان انگیزه ونشاط بیشتری برای کار و تلاش در هر زمینه ای دارند. از این رو رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: بین فرزندانتان به عدل رفتار کنید همان گونه که دوست دارید با شما به عدل رفتار شود. «اِعدلوا بین أولادکم کما تحبّون أن یعدلوا بینکم»(۲)

۱- ((۱)) . غررالحکم.

۲- ((۲)) . مکارم الاخلاق، ص ۲۲۰.

۱۳. همیاری

تعاون و همکاری، عامل انگیزه های فردی و اجتماعی است.

فرض کنید خانم خانه داری بخواهد تحصیل کند یا حرفه ای را فراگیرد، اگر مرد خانه از آن استقبال کند و کمک کار او باشد و فرزندان نیز بخشی از کارهای مادر را تقبّل کنند، در چنین جوّ همکاری، مادر نیز انگیزه و تلاشش چندبرابر می شود. امّا اگر عکس العمل خانواده منفی باشد، از انگیزه و تلاش او کاسته می گردد.

همچنین بچه های خانواده ای که بزرگترها گرفتار تضاد و تناقض و اختلافات هستند، در زندگی فاقد اراده ای محکم خواهند بود و در این صورت در کارشان انگیزه استوار و قوی نخواهند داشت.

قرآن کریم درباره همکاری والدین وفرزندان به همکاری اسماعیل و پدرش ابراهیم در ساختن و بازسازی کعبه وپاکیزه نگه داشتن مسجد برای عبادت کنندگان اشاره می کند.(۱)

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: رحمت خدا برپدری که با فرزندش در خوبی ها همکاری کند.(۲)

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: کسی که به امور خانه کمک می کند، خداوند نامش را در دیوان شهیدان می نویسد.(۳)

۱- ((۱)) . سوره بقره، آیه ۱۲۷.

۲- ((۲)) . فقه الرضا، ص ۳۳۶.

۳- ((۳)) . جامع الاخبار، ص ۱۰۲.

۱۴. ایجاد رقابت و مسابقه

رقابت های مثبت، تأثیر بسیار نیکویی در پیدایش و تقویت انگیزه دارد.

البتّه رقابتی که در آن گناه و تحقیر و تخریب دیگران و انتقام گیری و تهمت و سؤظن نباشد.

دنیا، میـدان مسابقه است و اسـلام به مسابقه در جنبه های مختلف زنـدگی تأکید دارد. باید سـعی کنیم در خانه و میان اعضای خانواده، در اداره و محیط اجتماعی، مدرسه و دانشگاه و کارخانه، فضای مسابقه و رقابت پدید آید.

حضرت سلیمان برای آوردن تخت بلقیس از منطقه سبأ، میان کارگزاران خود رقابت ایجاد کرد و فرمود: کدام یک از شما می توانـد سـریع تر آن را بیاورد؟ یکی گفت: قبل از بلنـد شـدن از جایگاهت آن را می آورم.(قَبْلَ أَنْ تَقُومَ مِنْ مَقامِکَ)۱ دیگری گفت: در یک چشم بهم زدن می آورم.(قَبْلَ أَنْ یَرْتَدَّ إِلَیْکَ طَرْفُکَ)۲

تشویق به رقابت در کارهای خیر را قرآن با جملات (سابِقُوا)۳ ،(فَاسْتَبِقُوا)۴ و (سارِعُوا)۵ مطرح کرده است و حضرت علی علیه السـلام در دعای کمیل از خداوند می خواهد که در میدان مسابقه شـرکت کند. «حتی أسرح إلیک فی میادین السابقین» خدایا من در میدان های مسابقات بر همه پیشینیان سبقت گیرم و از همه شتابندگان به درگاهت زودترآیم.

همچنین اسلام به مسابقه تیراندازی، اسب سواری، شنا و کشتی تشویق

ص:۷۳

کرده و توجه ویژه ای به نوع جـایزه دارد. در دنیـای امروز به برنـده یک کاپ، یا گلـدان یا مـدال و وسایل مصـرفی جایزه می دهنـد، امّـا پیغمبر مـا برای برنـدگان مسابقـات، جوایز کاربردی و تولیـدی مفیـد اهـدا می کرد. همچون شتر حامله و یا درخت خرمای میوه دار.

جای بسـیار تأسّف است که امروزه به جای رشـد وپیشـرفت و رقابت سالم، مسابقات معمولا منفی و در فضایی آلوده از کینه و حسادت بوده و همه به دنبال تخریب وتضـعیف یکدیگرند و در تجمل گرایی وچشم هم چشـمی وبه رخ کشـیدن دارایی خود از یکدیگر سبقت می گیرند.

قرآن می فرماید: در کارهای خیر از هم سـبقت بگیرید،(فَاسْتَبِقُوا الْخَیْرَاتِ)۱ یا در توصـیف مؤمنان عابد می فرماید:(یُسَارِعُونَ فِی الْخَیْرَاتِ وَ أُولَئِکَ مِنَ الصَّالِحِینَ)۲ فلانی خـدمت می کنـد، من چرا انجام ندهم. او درسـش را می خواند، نماز می خواند، رابطه با خدا دارد، من چرا چنین نباشم؟

قرآن می فرمایـد:(وَ یُؤْثِرُونَ عَلَیٰ أَنْفُسِهِمْ وَ لَوْ کَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ)۳ ، یک عـدّه ای از خود گذشـتند و دیگران را بر خود مقدم داشتند. حال بنگر خود کجای راهی.

پیامبر عزیز اسلام از طریق برگزاری مسابقه در مسائل مختلف معنوی، علمی وآموزشی و در ورزش و تربیت بدنی انگیزه ایجاد می کرد.

آن حضرت، خود در مسابقات اسب سواری و تیراندازی شرکت می کرد و یا در آن مسابقات جایزه می داد.(۱)

خبر رسید که عده ای از مشرکان به قصد دستبرد به گوسفندان مردم به

ص:۷۴

۱- ((۴)) . کافی، ج ۵، ص ۴۹.

اطراف مدینه آمده اند. پیامبر و جمعی از اصحاب برای سرکوبی آنان از مدینه خارج شدند و مشرکان را فراری دادند. در راه برگشت، قتاده عرض کرد: یا رسول اللّه مایلید با هم مسابقه بدهیم؟ پیامبر فرمود: بله. مسابقه دادند و پیامبر برنده شد.(۱)

از انس بن مالک پرسیدند: آیا در زمان رسول خدا شما مسابقه داشتید؟ گفت: آری، یکبار پیامبر با اسبی که بر آن سوار بود مسابقه گذارد و پس از برنده شدن بسیار خوشحال بود.(۲)

روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله به صحرا رفت و چوپانی که به قدرت و زور بازو مشهور بود، به آن حضرت گفت: حاضری با من کشتی بگیری؟ حضرت پرسید: جایزه چه باشد؟ گفت: یک گوسفند. پیامبر با او کشتی گرفت و بر او پیروز شد.

جوان اعرابی گفت: یکبار دیگر؟ حضرت فرمود: جایزه چیست؟ گفت: گوسفندی دیگر. حضرت دوباره با او کشتی گرفت و او را بر زمین زد. بادیه نشین گفت: تاکنون کسی نتوانسته بود پشت مرا به زمین بزند، اکنون دینت را بر من عرضه کن. پیامبر، اسلام را به او عرضه کرد و او مسلمان شد و آن حضرت دو گوسفندش را به او بازگرداند.(۳)

۱۵. چشم پوشی از لغزش ها

عفو و اغماض نسبت به کسی که مسئولیتی را بر عهده داشته و درست انجام نداده، فرصتی است تا فرد با انگیزه ای دو چندان کار را از سر گیرد.

کودکان و نوجوانان باید وارد میدان عمل شوند تا در میان یک دور آزمون

۱- (۱)) . کافی، ج ۵، ص ۵۰.

۲- (۲)) . عوالی اللالی، ج ۳، ص ۲۶۵.

۳- (۳)) . مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۸۲.

و خطا، تجربه بیاموزند و بزرگترها از خطاهای آنان درگذرند.

پس باید به افراد مجال و فرصت عمل داد. پدر یا مسئول اداره یا مسئول یک جامعه اگر از سعه صدر بی بهره باشد، افراد زیر دستش را از رشد محروم کرده است.

انگیزه ای که از طریق تنبیه، ترس و مجازات پدید آید، دوام ندارد و چنین انگیزه ای برای رشد شخصیت مفید نیست. تشویق، عفو، تسامح، از عوامل بسیار مهم در پرورش و ایجاد انگیزه محسوب می شود. قرآن این درس را در ضمن قصه حضرت یونس علیه السلام یادآوری فرموده است.

هنگامی که حضرت یونس علیه السلام از هدایت مردم زمانه اش مأیوس گردید، با حالت قهر از آنها جدا شده و سوار بر کشتی دور شد. کشتی دچار طوفان شد و چاره کار را در سبک کردن بار و سپس نفرات کشتی دیدند، که برای نجات همگان، برخی فدای دیگران شوند. قرعه زدند و آن حضرت انتخاب شد. وی را گرفتند و به دریا افکندند و نهنگی حضرت یونس را بلعید.

قرآن می فرماید: یونس درون شکم ماهی و در آن ظلمات، به مناجات پرداخته و از اینکه چرا مردم را تنها گذارده، از خدا طلب بخشش می کرد. سرانجام پس از گذشت چند روز، نهنگ وی را به ساحل دریا افکند و دوباره ماموریت پیدا کرد به آن شهر برگردد.

از طرفی مردم آن شهر که پس از رفتن پیامبر از میانشان متنبه شدند، به درگاه خداوند توبه کرده و ایمان آورده بودند، خداوند نیز عذاب را از آنان برداشت و دوباره حضرت یونس را به سوی آنان فرستاد.

ص:۷۶

۱۶. کار متناسب با استعداد

عامل استعداد در میان بقیه ی عوامل نقش کلیدی دارد. کاری که به عهده ی افراد واگذار می شود حتماً باید با استعداد و توانایی های آنان تناسب داشته باشد. هرکاری استعداد خاص را می طلبد.

بسیارند افرادی که در رشته ای که استعداد ندارند کار می کنند. این مسأله در مراکز آموزشی نظیر دانشگاه ها کاملاً مشهود است.

چه بسا افرادی که استعداد ادبیات دارند و در رشته ی پزشکی یا مهندسی درس می خوانند. روشن است که سرنوشت چنین دانشجویانی چه خواهد شد. اینان اگر پزشک شوند به دلیل عدم علاقه، پزشک خوبی نخواهند بود. می گویند: داروین پدرش پزشک بود و دوست داشت پسرش نیز طبیب شود. او را به دانشکده ی پزشکی فرستاد، امّا پسر موفّقیتی نداشت، پدرش او را به کلیسا فرستاد تا کشیش شود. در آن رشته هم شکست خورد، زیرا این رشته هم مطابق ذوق و استعداد وی نبود. سرانجام به رشته ی علوم طبیعی رفت و در این رشته موفّق شده و نبوغ خاصّی پیدا کرد.

بنابراین هرکس باید استعداد و تمایلات ذاتی خود را کشف کند. مثلاً بنده استعداد شعر و شاعری ندارم و از این جهت کمتر شعر می خوانم.

متأسّفانه اعتباراتی که به غلط در جامعه هزینه می شود، عامل مهمی در انحراف استعدادهاست. گاهی مواجه می شویم با دخترانی که استعداد خیاطی فوق العاده ای دارند، امّا چون دختران فامیل دیپلم گرفته اند یا دانشگاه رفته اند، با زور می خواهد دیپلم یا لیسانس بگیرد.

تبلیغات اجتماعی در این نوع ارزش سازی فوق العاده مؤثر است. باید رسانه های جمعی و مقررات و خدمات و تحصیلات دولتی و انواع بیمه ها و

مزایا و جایگاه اجتماعی و تبلیغات فرهنگ مردم را آنگونه هدایت کنند که مردم بدانند که یک خیاط یا آشپز موفق قطعاً از یک مهندس ناموفق سهم بیشتری در رفع نیازمندی های جامعه دارد.

۱۷. توصیه دیگران

سفارش افراد متعدّد نسبت به کاری که بر عهده ی انسان است یا قرار است بر عهده ی وی گذاشته شود، موجبات پدید آمدن انگیزه است. توصیه های دیگران، نقش فلش راهنما و جرقه ای در ذهن انسان را دارد. گاهی خود من نامه های متعدّدی از طرف مخاطبین برنامه هایم دریافت می کنم و جهت برنامه ها را به سمت آن توصیه ها تغییر می دهم.

در اسلام توصیه به خوبی ها وپذیرش توصیه دلسوزان، جزو وظایف و فرهنگ عمومی است.(تَوٰاصَوْا بِالْحَقِّ وَ تَوٰاصَوْا بِالصَّبْرِ) نظیر توصیه رهبران دینی به مردم و پذیرش آن از سوی مردم. چنانکه توصیه های خداوند به انبیا وسفارش های پیامبران وامامان به مردم، بخشی از معارف دینی ماست.

حتی برخی بزرگان از دیگران تقاضای نصیحت و توصیه داشتند.

۱۸. نقش الگویی مسئولان

خداوند به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید:(فَاصْبِرْ كَمٰا صَبَرَ أُولُوا الْعَزْمِ مِنَ الرُّسُلِ)۱ ، استقامت کن همان گونه که پیامبران بزرگ استقامت کردند.

از روشهای مرسوم قرآن کریم برای تربیت، معرفی الگو است؛ از جمله: حضرت ابراهیم و پیروانش را به عنوان الگوی برتر معرفی می کند.(قَدْ كٰانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِی إِبْرٰاهِیمَ وَ الَّذِینَ مَعَهُ)۲

ص:۷۸

پیامبر اسلام را به عنوان الگوی برتر معرفی می کند.(لَقَدْ کٰانَ لَکَمْ فِی رَسُولِ اللّهِ أَسْوَهٌ حَسَنَهٌ)۱

الگوی پاکدامنی را حضرت یوسف، الگوی مقاومت را همسر فرعون، الگوی صبوری در بیماری و مشکلات را حضرت ایّوب، الگوی مبارزه با طاغوت را حضرت موسی، الگوی حکومت صالحان را حضرت سلیمان، الگوی قضاوت صالحان را حضرت داود، الگوی سازندگی را ذوالقرنین و الگوی ایثار وفداکاری فردی و خانوادگی را امام علی و خانواده اش علیهم السلام بیان کرده است.

روایت «النّاس علی دین ملوکهم»(۱): مردم بر دین رؤسایشان هستند، اشاره به این است که مسئولان در رشد و ایجاد انگیزه در زیردستان نقش فوق العاده مهمی دارند. مسئولی که منظم، نسبت به بیت المال دقیق، وقت شناس و قبل از هر دستوری خود عامل به دستور است، قبل از همه ی کارمندان در اداره و محل کار حاضر می شود، طبیعتاً پرسنلی منظم، وقت شناس و دقیق تربیت خواهد کرد.

هیچ زبانی گویاتر از زبان عمل نیست. مدیری که عامل است خودش به تنهایی سازمان تبلیغات هم هست. امّا اگر مدیر نالایق یا وقت نشناس و بی نظم و بدون عمل بود، پرسنل به خود حق می دهند که بی دقت، بی نظم، و کم کار باشند.

حق تعالی وقتی به دیگران دستور درود فرستادن بر پیامبرش را صادر می فرماید، ابتدا نقش خودش و فرشتگان را بیان می کند:(إِنَّ اللّهَ وَ مَلاٰئِکَتَهُ یُصَلُّونَ عَلَی النَّبِیِّ) و بعد بخشنامه صادر می کند:(یٰا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَیْهِ

۱- ((۲)) . بحارالانوار، ج ۱۰۲، ص ۷.

وَ سَلِّمُوا تَسْلِيماً)۱

خدمت مقام معظم رهبری بودم، ایشان هنگام نماز فرمود: می خواهیم نماز بخوانیم با یک لامپ کافی است. فیلمبرداری که نمی خواهیم بکنیم، مهمان خارجی هم که نداریم، می خواهیم نماز بخوانیم، یک لامپ بس است. از آن وقتی که من این را دیدم، خودم هم که می خواهم نماز بخوانم، لامپ های اضافه را خاموش می کنم.

آری، رفتار مسئولان در زیردستان اثر می گذارد.

۱۹. مشورت و مشاوره

مشورت و مشاوره، باعث استحکام و تقویت انگیزه می شود. زمانی که در اصل موضوع یا انجام عملی دچار تردید می شویم، با خبرگان به مشورت می نشینیم. حاصل این نشست ها، تقویت اراده و اطمینان ماست.

آرای اکثریت هم همین نقش را دارد، با این فرق که میان مشورت و رأی اکثریت تفاوت است؛ زیرا شور یعنی بهترین رأی، نه بیشترین رأی. در مشورت از بهترین رأی مطلع می شویم خود تصمیم می گیریم که کدام رای را انتخاب کنیم، امّا در رأی اکثریت لزوماً اکثریت بهترین ها نیستند. منتها ما گاهی راهی برای شناخت بهترین ها پیدا نمی کنیم، آن وقت می گوئیم بهترین راه حل، رأی اکثریت است.

نکته دیگر اینکه در مشورت سلسله مراتب وجود ندارد.

نقش دیگر مشورت در ازدیاد انگیزه، کم کردن موانع است.

از جمله موانع، وجود حسودان و تنگ نظرهاست. مشورت حسادت را از بین

می برد. شخصی که طرف مشورت قرار می گیرد، احساس می کند مورد احترام واقع شده و در صورت موفقیت، خود را در آن سهیم می بیند و مانع تراشی نمی کند.

۲۰. استفاده از تجربیات دیگران

یکی از عواملی که انسان را از تردید خارج می کند و انگیزه را محکم می سازد، حرکت در راهی است که دیگران آن را پیموده و تجربه کرده اند. معنی این سخن نفی ابتکار نیست. زیرا همه ی انسان ها به دلیل ظرفیت های مختلف، دارای جسارت ابتکار و ابداع نیستند و لازم است راه های دیگران را دنبال کنند. خانمی که در آشپزی یا خیاطی یا آرایشگری مهارت کافی پیدا نکرده، بهتر است از الگوهای انجام شده تقلید کند. کسی که هنوز مقدمات لازم برای تحقیقات را کسب نکرده، فکر نظریه پردازی را باید از سرش خارج کند.

آرامشی که در سایه تبعیت از راه های رفته در انسان پدید می آید همچون موتوری است که محرک اقدامات بعدی محسوب می شود.

امام علی علیه السلام در دستورالعمل به استاندارش مالک اشتر می نویسد: با افرادی طرح دوستی بریز که اهل تجربه باشند.(۱)

و به فرزندش امام حسن علیه السلام یادآوری می کند که با تصمیم جدّی به استقبال اموری بشتابد که اندیشمندان و اهل تجربه، زحمت آزمون آن را کشیده و او را از تلاش بیشتر بی نیاز ساخته اند، تا خیراتی که نصیب آنان شده به او هم برسد.(۲)

۱- ((۱)) . نهج البلاغه، نامه ۵۳.

۲- ((۲)) . نهج البلاغه، نامه ۳۱.

همچنین آن حضرت میوه و نتیجه تجربه را انتخاب و گزینش خوب دانسته و فرموده است: در هر تجربه ای درسی است و هرکه خود را از تجربه ها بی نیاز بداند، چشم انداز آینده را نخواهد دید.۱

بهترین وسیله اطلاع از تجربیات گذشتگان، کتاب و مطالعه آن است.

۲۱. تنوّع

تنوّع در انجام یک کار و به طور کلی در حیات تکوینی و تشریعی یک اصل است.

در دنیا به دلیل تکرارهایی که وجود دارد، روح انسان دچار ملالت می گردد. یکی از راه های رفع ملالت و کسالت و تقویت نشاط و شادابی، تنوّع بخشیدن به کار و محیط کار و امثال آن است.

تنوّع در لباس، نشاط ایجاد می کند؛ لباس کار، لباس جنگ، لباس عبادت، لباس استراحت، لباس مهمانی، لباس احرام و لباس عروسی، هر کدام به شکل و رنگ ومدل خاصّی است.

تنوّع در صدا، یک نماز را آهسته بخوان، یک نماز را بلند.

انسان، نوگرا وتنوّع طلب است، از این رو خداوند جهان آفرینش را با تنوع در اختیار بشر گذاشته است؛

تنوّع در خاک و زمین،(وَ فِي الْأَرْضِ قِطَعٌ مُتَجَاوِرَاتٌ)۲ ،

رنگارنگی گیاهان،(يُخْرِجُ بِهِ زَرْعاً مُخْتَلِفاً أَلْوَانُهُ)۳ ،

تنوّع در میوه ها،(فَأَخْرَجْنَا بِهِ ثَمَرَاتٍ مُخْتَلِفاً أَلْوَانُهَا)۴ ،

تنوّع در شکل و رنگ و زبان انسان ها،(وَ مِنْ آيَاتِهِ خَلْقُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ

ص:۸۲

اِخْتِلافُ أَلْسِنَتِکَمْ وَ أَلْوانِکَمْ إِنَّ فِی ذٰلِکَ لَآیاتٍ لِلْعالِمِینَ)۱

به راستی اگر همه آدمها مثل آجرهای یک ساختمان یک شکل ویک قدّ و یک اندازه بودند، زندگی چه وضعی پیدا می شد؟!

با کمی دقّت می بینیم که شکل درختان، برگ درختان وگل و شکوفه آنها، حتی رنگ سبز آنها گوناگون و متنوّع است. یک مهندس کشاورزی می گفت: در یک موزه باغ در پاریس بیش از پنج هزار نوع انگور موجود بود.

تنوّع در دنیای حشرات، پرندگان، چرندگان و به ویژه تنوع در موجودات دریایی، انسان را به شگفتی وامی دارد.

۲۲. تذکّرات مفید هنگام کار

نصایح اخلاقی بزرگان تکرارش ملال آور نیست، بلکه سازنده است. قرآن کریم یکی از رسالت های پیامبر اسلام را یادآوری و تذکّر می داند.(فَذَکِّرْ إِنَّما أَنْتَ مُذَکِّرٌ)۲ و یا می فرماید: تذکّر بده اگر نفعی در آن می بینی.(فَذَکِّرْ إِنْ نَفَعَتِ الذِّکْرى)۳ با آیات قرآن به کسی که از هشدارهای الهی می ترسد، تذکّر بده.(فَذَکِّرْ بِالْقُرْآنِ مَنْ یَخافُ وَعِیدِ)۴

امیرمؤمنان علی علیه السلام در طول روز به بازار می رفت و بازاریان را متذکّر مسائل حلال و حرام و حقوق مشتری می ساخت.

بسیار بجا و خوب است در همه ی سازمان ها و ادارات و نهادها و محیطهای اجتماعی، تذکّراتی مختصر و مناسب و با سلیقه انتخاب شده و منتشر گردد. تصور که کنید روزانه چندبار در محیط کار، بیمارستان، مدرسه و... سخنان سازنده ی بزرگان دین متناسب با زمان و محیط تذکّر داده شود،

چه انگیزه ای در مخاطبان ایجاد می کند. مثلاً در محیطهای کار اقتصادی، اهمیّت لقمه ی حلال و نقش آن در تربیت فرزندان مورد تذکّر واقع شود.

۲۳. سعه صدر در مدیریت

مـدیری که ظرفیت لازم برای برخورد با زیردستانش را دارد، موفق تر است. بی شک رفتار مـدیر در جلب قلوب زیردستان و بیدار کردن وجدان اخلاقی بی نهایت مؤثر است.

در حدیث آمده است: «آلَه الرِّئَاسَهِ سَعَه الصَّدْرِ»(۱) سعه صدر، ابزار ریاست و مدیریّت است.

چه نشاطهایی که در اثر سعه صدر نداشتن و تنگ نظری ها و برخوردهای زودگذر و سطحی از بین می رود.

بسیاری مواقع باید طوری با اشتباهات دیگران برخورد کرد که انگار اتفاقی نیفتاده است. بنابراین در محیطهای کار برای زنده نگه داشتن نشاط و روحیه زیرمجموعه ها، بر مدیر لازم است که سعه ی صدر و ظرفیت بالایی از خویش نشان دهد.

هنگامی که حضرت سلیمان علیه السلام و لشگریانش به سرزمین مورچگان رسیدند، مورچه ای خطاب به آنها گفت: به لانه های خود داخل شوید تا سلیمان و لشکرش ندانسته شما را پایمال نکنند. حضرت سلیمان علیه السلام با سعه ی صدر و سینه ای به فراخی دریا، به جای اینکه از سخن مورچه ای کوچک عصبانی یا رنجیده شود، به سخنان او تبسّم کرده و دست به دعا برداشت.(۲)

ص:۸۴

۱- ((۱)) . بحارالانوار، ج ۷۲، ص ۳۵۷.

۲- ((۲)) . سوره نمل، آیه ۱۹.

هنگامی که حضرت موسی علیه السلام مطّلع شد که به پیامبری برگزیده شده، اولین خواسته اش از خداوند، سعه صدر بود. (ربّ اشرح لی صدری)(۱) پیداست که آن حضرت مهم ترین شرط رهبری و موفقیت را داشتن سعه صدر می دانسته است.

چنانکه سیره اولیای خدا و بزرگان و علما، بخصوص بنیانگذار انقلاب اسلامی حضرت امام نیز سعه صدر و پرهیز از تندخویی بوده است.

۲۴. پاداش بر اساس تلاش

اگر هرکس به میزان تلاش خود مزد دریافت کند، در محیطهای کار و فعالیت، انگیزه ها افزایش می یابد.

اسلام می فرماید: هرکس بیابانی را احیا و آباد سازد، از آنِ خودش خواهد بود. هرکس درختی بکارد یا چاه ونهری حفر کند، به حکم خدا و رسولش ملک اوست.(۲)

اگر مغازه داری به شاگردش بگوید: به میزان اجناسی که می فروشی درصدی از سود به تو تعلق پیدا می کند، آن شاگرد اگر تا دیروز انگیزه اش کم بود، از امروز زیاد می شود.

یکی از دلایل بی نشاطی و کسالت در محیطهای اداری ما این است که تلاش کارمند در افزایش کار اداری، تأثیری در دستمزدش ندارد. و از آنجا که طبع انسان بر راحت طلبی است، افراد ترجیح می دهند که کار کمتری انجام دهند. حال تصور کنید مدیر اداره بتواند بر اساس محصول کار افراد، پاداش و دستمزد را تعیین کند، در این صورت از کارمند بی حال و بی حوصله

۱- ((۱)) . سوره طه، آیه ۲۵.

۲- ((۲)) . استبصار، ج ۳، ص ۱۰۷.

دیروز، کارمندی زرنگ و پرکار پدید خواهد آمد.

۲۵. شروع با امور ساده

برای تقویت انگیزه و تـداوم راه برای رسـیدن به هدف، باید از امور ساده آغاز کنیم. اگر می خواهیم در آینده معمار شویم، یا یـک فیلم ساز بزرگ، نویسـنده ای توانا، خلبانی ماهر و یا هر هـدف دیگری را دنبال می کنیم نیازمنـدیم که مقـدمات لازم را یکی پس از دیگری پشت سر بگـذاریم. این مراحـل طبیعتـاً از ساده به پیچیـده سـیر می کنـد. امّا اگر این سـیر در کار رعایت نگردد و استادکار یا معلم، مدیر، رئیس اداره، این ظرافت و ظرفیت را فراموش کند از همان ابتدا زدگی و ملالت به بار خواهد آمد و نشاط و انگیزه ای برای ادامه کار نخواهد بود.

بایـد کارها را از نقطه ای ساده و دلنشـین شـروع کرد. اولین روزی که دانش آموز با محیط مدرسه روبه رو می شود، در آینده ی تحصـیلی او سـهم بسـزایی دارد. در تمام مکاتب تعلیم و تربیت تأکید شده است که معلم کلاس اول باید عاشق کار معلمی باشـد و بچه هـا را عمیقاً دوست بـدارد. این همه تأکیـد به چه منظور است؟ چون برخوردهای روز اول ضـمانتی در رونـد کار محسوب می شود.

آغاز کار با امور شـیرین و دلنشـین، انگیزه بخش است. شـروع تفسـیر قرآن، با سوره و آیاتی مناسب و تفسـیری ساده، انگیزه و نشاط حضور در درس را بیشتر می کند.

بچه های کاشان دوست دارنـد که بدانند فیض کاشانی یا کمال الملک که بود؟ بچه های تبریز دوست دارند بفهمند که علاّمه طباطبایی، علاّمه امینی و استاد شهریار که بود؟ یعنی برای هر کسی شناخت نخبگان و چهره های

منطقه خودش، شیرین و دلنشین است.

بنابراین اگر خواستیم نشاط پیدا کنیم، از کارهای ساده و شیرین شروع کنیم، حتی در مطالعه، چون گاهی ابتدا به مطالعه کتابی علمی و فنی و تخصصی، روح انسان را آزرده می کند.

حرکت از آسان به مشکل، بهره وری را نیز بالا می برد.

۲۶. آموزش ضمن خدمت

انسان با توجه به علم و دانشی که دارد، به انجام کاری مشغول می شود، اگر پس از اشتغال و هنگام انجام کار به مشکلات جدید و ناآشنایی برخورد کند، ممکن است دلسرد شده وانگیزه اش کم شود که آموزش های ضمن خدمت می تواند گره گشای آن مشکلات باشد و فرد را از تحیّر و رکود و بی انگیزه و بی نشاط شدن نجات دهد.

این امر به خصوص در مراکز آموزشی و برای رشد آگاهی ها و مهارت های معلّمان و مربّیان بیشتر نیاز است تا به دانش و روشهای جدید مجهّز شوند.

۲۷. ورود در هر کاری از راهش

قرآن می فرماید:(وَ أْتُوا الْبُیُوتَ مِنْ أَبْوابِها)۱ ، برای ورود به خانه ها از درب آن وارد شوید. یعنی هر کاری را از راهش وارد شوید.

رمز موفقیت در هر کاری، ورود و انجام ماهرانه آن است. چنانکه عامل اصلی شکست بسیاری از افراد نیز این بوده که ناشیانه، کاری را شروع کرده یا از راهش وارد نشده اند. البتّه راهکار هر عملی را باید با مطالعه و آموزش و تجربه و پرسش از دانشمندان و مشورت با دیگران بدست آورد.

۲۸. انصاف مدیر و مسئول

از اموری که انگیزه افراد را از بین می برد، بی انصافی در برخوردها و قضاوت ها است. ما بایـد انصاف را از قرآن یاد بگیریم. قرآن کریم وقتی از اهـل کتـاب انتقـاد می کنـد، می فرمایـد:«وَ مِنْهُمْ» برخی از آنها نه تمام آنان. حتی در کنار انتقاد، از برخی آنان سـتایش می کند:(وَ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ مَنْ إِنْ تَأْمَنْهُ بِقِنْطَارٍ يُؤَدِّهِ إِلَيْكَ وَ مِنْهُمْ مَنْ إِنْ تَأْمَنْهُ بِدِينَارٍ لَا يُؤَدِّهِ إِلَيْكَ)۱ برخی اهل کتـاب را اگر بر مـال فراوانی امین شـمری، آن را به تو برمی گردانـد و برخی از آنـان را اگر بر دیناری امین کنی، آن را به تو برنمی گرداند.

۲۹. پذیرفتن پیشنهادات

اگر کسانی که با ما کار می کننـد احساس کنند ما آنان را کارشناسـی دلسوز می دانیم و پیشـنهادات بر حق آنان را گوش می دهیم و عمل می کنیم، بلکه تشویق می کنیم، بر نظریه شخصی خود تعصّب نداریم و بهترین نظر را انتخاب می کنیم، با انگیزه و قدرت بیشتری کار خود را انجام می دهند.

قرآن می فرمایـد:(فَبَشِّرْ عِبَادِ اَلَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ وَ أُولَئِكَ هُمْ أُولُوا الْأَلْبَابِ)۲ پس بشارت ده به آن بنـدگان من که به سـخن دیگران گوش فرامی دهنـد و بهترین آن را پیروی می کنند، ایناننـد که خدایشان راه نموده و اینان همان خردمندانند.

۳۰. پیشگام شدن مسئولان

اگر کارفرما و مسئول و مربّی پیشگام بوده و خود به آنچه می گوید، پیش از دیگران عمل کند، انگیزه دیگران بالا می رود.

وقتی خداوند دستور صلوات بر پیامبر را صادر می کند، ابتدا می فرماید: خدا و فرشتگان پیوسته بر پیامبر صلوات می فرستند: (إِنَّ اللّهَ وَ مَلاٰئِکَتَهُ یُصَلُّونَ عَلَی النَّبِیِّ)، آنگاه به مؤمنان دستور صلوات می دهد:(یٰا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَیْهِ وَ سَلِّمُوا تَسْلِیماً)۱

انبیا مأمور بودند قبل از دیگران به گفتار و دعوت خود عمل کنند.(وَ أُمِرْتُ لِأَنْ أَکُونَ أَوَّلَ الْمُسْلِمِینَ)۲

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در کندن خندق در جنگ احزاب، اولین کلنگ را خود به زمین زد و هرگاه رزمندگان به زمین سفتی می رسیدند، از آن حضرت استمداد می جستند. در جنگ ها، آن حضرت از همه مسلمانان پیشگام تر و به دشمن نزدیک تر بود.

۳۱. آسان جلوه دادن امور

یکی از عواملی که انگیزه ها را بالا می برد آن است که در بیان و عمل، امور را ساده کنیم و قید و بندهای غیر لازم را برداریم. از بهترین کلماتی که شنیده ام این است:

تکلّف گر نباشد خوش توان زیست تعلّق گر نباشد، خوش توان مرد

قرآن می فرماید: ما قرآن را روان کردیم تا تذکّر پذیری شما آسان باشد.(وَ لَقَدْ یَسَّرْنَا الْقُرْآنَ لِلذِّکْرِ)۳ به ما نیز سفارش شده کلامی ساده و روان داشته باشیم.(قَوْلاً مَیْسُوراً)۴

ص:۸۹

قرآن کریم در وصف پیامبر اسلام می فرماید:(وَ مٰا أَنَا مِنَ الْمُتَکَلِّفِینَ)۱ به مردم اعلام کن که من خود و دیگران را به زحمت نمی اندازم.

هرچه تجمّلات و توقّعات بیشتر شود، انگیزه ها کمتر می شود. اگر مهمانی ها و ازدواج ها ساده باشد، تحقّق آنها بیشتر خواهد شد. گاهی این قیود و آداب و عادات و رسوم دست و پاگیر از نیاکان به جا مانده است. گاهی برخاسته از توهمات و خیالات خودمان است. گاهی بخاطر چشم و هم چشمی پیش می آید.

جمعیت مساجدی که امام جماعت، نمازش را روان و به دور از تکلف می خواند، بیشتر از مساجدی است که نمازجماعت آن با انواع امور مخلوط شده است.

۳۲. توجّه به امور فراموش شده

مدیر خوب نباید فقط به کارهای انجام گرفته توجه کند و آمار آنها را اعلام کند، بلکه باید فهرست کارهایی را که می توانسته انجام دهد، ولی انجام نداده و یا می توانسته بهتر، سریع تر، ارزان تر، زیباتر، با امکانات و نیروی انسانی کمتر انجام دهد ولی غافل مانده و فراموش شده نیز توجه کند.

اولیای خدا که بهترین عبادت ها را داشته اند، در مناجات ها نقاط ضعف خود را با خداوند مطرح می کردند.

قرآن، علم بشر را اندک می داند،(وَ مٰا أُوتِیتُمْ مِنَ الْعِلْمِ إِلاّٰ قَلِیلاً)۲ حتی پیامبرش را فارغ التحصیل نمی داند و سفارش می کند که از خداوند علم زیاد بخواهد.(قُلْ رَبِّ زِدْنِی عِلْماً)۳

ص:۹۰

نگاه به راه های رفته نبایـد سـبب غرور و رکود شود، بلکه باید به راه های نرفته نگریست تا همّت پیمودن آن را در خود ایجاد کنیم. البتّه توجّه به راه های رفته هم می توانـد الهام بخش باشد که این راه را که خودت طی کردی، می توانی بهتر و عمیق تر هم باشی. چنانکه قرآن می فرماید: شما که ایمان آورده اید، گامی بلندتر، محکم تر و عمیق تر بردارید و ایمان خود را تقویت کنید.(یَا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا آمِنُوا)۱

۳۳. تأمّل و تجدید نظر

از اموری که انگیزه کارکنان را بالا می برد آن است که بدانند مسئول و مدیر تعصّب خاصـی روی یک فرد یا نظریه و فرضیه ندارد، او را اهل تأمّل و تجدید نظر بداند.

کارفرمـایش شـعار اینکـه حرف مرد یکی است را قبـول نـدارد. اسـتقامت و ایسـتادگی در هر راهی برای او ارزش نیست و آن اسـتقامتی ارزش دارد که براساس حق باشد.(قَالُوا رَبُّنَا اللّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا)۲ وگرنه بت پرسـتان هـم در برابر انبیا شعار می دادند:(وَ انْصُرُوا آلِهَتَکُمْ)۳ بر بت ها مقاومت کنید. یا می گفتند: (إِنّا وَجَدْنا آبَاءَنا) ما راهی را می رویم که نیاکان ما رفته اند.

۳۴. بررسی پیوسته مشکلات

برای بالاـ بردن انگیزه افراد بایـد دو اتـاق فکر داشــته باشــیم؛ یکی امکـان ارتبـط دائمی و فراوقـتی افراد جهـت طرح و بیـان و رسیدگی به ناله ها و نامه ها و شکایت ها و دیگری به بررسی طرح های جدید که از هر سو می رسد،

بپردازد. همین انـدازه که افراد بدانند گوشـی برای شـنیدن ناله آنها وکسانی برای پیگیری کار آنها وجود دارد، انگیزه پیدا می کنند.

۳۵. نظارت بر ناظرین

اگر مردم بداننـد که بر کـار نـاظرین نیز نظـارت می شود، دقّت کـار بیشتر می شود. در قرآن می خوانیم که هرگاه از شـقاق و اختلاف میان زن و شوهر نگران شدیـد، یک داور از طرف مرد و یک داور از طرف زن مسأله را بررسـی و داوری کنند و اگر این داوران قصـد جدّی برای اصـلاح داشته باشـند، خداونـد به آنان توفیق می دهـد. در پایان می فرماید: داوران بدانند که بر داوری آنان خداوند علیم و خبیر ناظر است.(إِنَّ اللّهَ کانَ عَلِیماً خَبِیراً)۱ یعنی قاضی و داور نیز باید زیر نظر باشد.

در دعـای کمیـل می خوانیم: «وکنتَ انتَ الرّقیبَ علیهم من ورائهم و الشاهـد لِمـا خَفِیَ عَنهُم»، خداونـدا! تو فرشـتگان را مأمور ثبت و ضبط کارهای من قرار داده ای و خود نیز بر آنان ناظر و شاهد هستی تا چیزی مخفی نماند.

۳۶. پاکدلی و جرأت

بسـیاری از افراد بی انگیزه می گویند پیشنهادات و نظرات ما پی در پی رد می شود، بخاطر آنکه مسئولان نمی خواهند بپذیرند که از دیگران طرح و حرف نو صادر شـده است و یا می گوینـد گرچه طرح ما با زبان پـذیرفته شـد، ولی مدیر ما جرأت عمل ندارد.

بنـابراین پـذیرفتن طرح هـا برای بالاـ بردن نشـاط و انگیزه بسـیار کارساز است و به همین دلیل مـدیر بایـد گزارش کارها را از افرادی بگیرد که گرفتار

حسادت و زبونی نباشند وگرنه افراد حسود حاضر نیستند کمالات دیگران را به زبان یا قلم و گزارش درآورند و افراد زبون نیز به خاطر روحیه تملق و خودباختگی، حاضر نیستند حقیقت را آنگونه که باید گزارش دهند. زیرا با گرفتن یک هدیه و یا به خاطر ضعف روحی که دارند، مسائل را واژگونه جلوه می دهند، حتّی در مورد پیامبر اسلام. چنانکه قرآن می فرماید:(لَقَدِ ابْتَغَوُا الْفِتْنَهَ مِنْ قَبْلُ وَ قَلَّبُوا لَکَ الْأُمُورَ حَتّی جاءَ الْحَقُّ وَ ظَهَرَ أَمْرُ اللّهِ وَ هُمْ کارِهُونَ)۱ در حقیقت پیش از این نیز در صدد فتنه جویی برآمدند و کارها را بر تو وارونه ساختند تا آنکه حق آمد و امر خدا آشکار شد (و پیروز شدید) در حالی که آنان ناخشنود بودند.

۳۷. درجه و منصب

یکی از عوامل تقویت انگیزه، رسیدن به درجات و مناصب بالاتر است. بی شک نظام ارزیابی وارزشیابی می تواند تأثیر شگرفی در تقویت انگیزه ها داشته باشد و از کودک دبستانی تا استاد دانشگاه را شامل می شود. البتّه قرآن درجات را تنها در دنیا و نزد مردم و عنوان و مدیریت و مزایای مادّی نمی داند، بلکه درجه واقعی را رسیدن به مقامات و درجات معنوی می داند و امتیاز را در علم، تقوی، جهاد، سابقه، سبقت، هجرت، اخلاص، امانتداری و تزکیه نفس می داند.

در حدیث می خوانیم: «الْفَقْرُ وَ الْغِنَی بَعْدَ الْعَرْضِ عَلَی اللَّهِ»(۱) در قیامت معلوم می شود که فقیر و غنی واقعی کیست.

ص:۹۳

۱- (۲)) . بحارالانوار، ج ۶۹، ص ۵.

۳۸. احساس خطر

گاهی برای ایجاد انگیزه بایـد انسان احساس خطر کند. مثلاً سؤال نمایندگان از ورزا یا استیضاح و عزل از مقام یا خطر توقیف اموال و سقوط اجتماعی انسان را وادار به درست کاری می نماید.

قرآن به کسانی که اهل انفاق نیستند، می فرماید: درهم و دینار آنان در قیامت داغ شده و بر پیشانی و پهلوی آنان گذاشته می شود و به آنان گفته می شود: این همان گنجینه شما در دنیا می باشد که انفاق نکردید.(هٰذا ما کَنَزْتُمْ)۱

۳۹. سازماندهی و تشکیلات

اگر هر کسـی بداند مسئولیت و شـرح وظایف او چیست، سلسـله مراتب کدام است و در برابر چه کسی پاسخگو است، انگیزه پیدا می کند.

رسـول خـدا صـلی الله علیـه و آله نمـاز صـبح را که می خوانـد بلنـد می شـد و بـا چشم حاضـر و غـایب می کرد. از حاضـران احوالپرسـی می کرد و درباره علّت غیبت غائبان سؤال می کرد؛ اگر در سفر بود برایش دعا می کرد واگر بیمار بود به عیادتش می رفت. وقتی مردم احساس می کردند حساب وکتابی در کار است، انگیزه و نشاط آنان برای حضور بیشتر می شد.

حضـرت سـلیمان از همه دست اندرکاران سان می دید،(وَ حُشِرَ لِسُلَیْمانَ جُنُودُهُ مِنَ الْجِنِّ وَ الْإِنْسِ وَ الطَّیْرِ فَهُمْ یُوزَعُونَ)۲ پرنده ها را هم زیر نظر داشت و از علت غیبت آنها پرسش می کرد.(۱)

ص:۹۴

۱- ((۳)) . سوره نمل، آیه ۲۰.

۴۰. پذیرفتن کار ناقص

اگر می خواهیم جوانی را به کسب و تجارت تشویق کنیم، جنسی را در اختیارش قرار می دهیم و به شخصی دیگر می گوییم: آن جنس را از او خریداری کن و سودی به او بده تا در این جوان انگیزه کار و کاسبی ایجاد شود.

گاهی اوقات دختری که در خانه برای اولین بار غذا می پزد، شور یا بی نمک یا بی مزه و بد پخته است، امّا این کار ناقص را باید پذیرفت تا او تشویق شود.

به پیامبر صلی الله علیه و آله گفتند: یا رسول الله نگذارید بلال اذان بگوید، چرا که او حرف «شین» را «سین» می گوید. به جای «أَشْهَدُ...»، «أَسْهَدُ» می گوید. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: اشکالی ندارد، من «سین» او را به جای «شین» قبول دارم.

یکی از علمای نجف، کاهوهای نامرغوب بقالی را می خرید، بعد هم می برد و به حیوانی می داد. به او گفتند: این چه کاری است که شما انجام می دهید؟ گفت: این بقال، نیازمند است و من اگر اینها را از او نخرم، کنار خیابان می نشیند و گدایی می کند، من برای اینکه او به گدایی نیفتد و به کارش دلگرم و ادامه دهد، و از طرفی گداپروری نکنم، جنس های نامرغوبش را می خرم.

به ما دستور داده اند در تعقیب نماز با خدا اینگونه مناجات کنیم:

خدایا این نمازی بود که بجا آوردم، نه بخاطر نیاز تو، بلکه به خاطر بزرگداشت تو. خدایا اگر در آن نقصی یا اشکالی بود، به فضل و کرمت بر من ببخشای.

ص:۹۵

۴۱. عرضه به کارشناس

اگر به من بگویند: آقای قرائتی، این بحث تلویزیونی تو را در اختیار فلان فقیه و فلان عالم قرار می دهیم، بنده حواسم را بیشتر جمع می کنم. انسان اگر بداند کارش را می بینند و اظهار نظر می کنند، با انگیزه بیشتر وبا دقت بیشتری کارش را انجام می دهد.

به ما گفته اند: هفته ای یکبار حضرت مهدی علیه السلام کارهایتان را می بیند؛ اگر کارهای خوبی انجام دادید، آن حضرت خوشحال می شود واگر عملکردتان بد و ضعیف باشد، امام غصه می خورد. پس بیائیم خوب درس بخوانیم، خوب کار کنیم و قلب امام زمان علیه السلام را از خود شاد کنیم.

۴۲. تهدید

گاهی برای ایجاد انگیزه می توان از تهدید بهره برد. تا خطاکار به خاطر هراس، از ارتکاب جرم منصرف شود. قرآن کریم همسران پیامبر را تهدید می کند که مبادا گرد فحشا بگردند و چنانچه مرتکب شوند، مجازاتی دوچندان در انتظار آنان خواهد بود.(یا نِساءَ النَّبِیِّ مَنْ یَأْتِ مِنْکُنَّ بِفاحِشَهٍ مُبَیِّنَهٍ یُضاعَفْ لَهَا الْعَذابُ ضِعْفَیْنِ وَ کانَ ذلِکَ عَلَی اللّهِ یَسِیراً)۱

حتّی خداوند برای بیان خطر شرک، پیامبرش را تهدید می کند که اگر شرک بورزی اعمالت تباه می شود.(لَئِنْ أَشْرَکْتَ لَیَحْبَطَنَّ عَمَلُکَ)۲

۴۳. قطع رابطه

یکی از شیوه های ایجاد انگیزه و بازداشتن افراد از اخلاق ناپسند، قطع رابطه و قهر کردن است. شخصی نزد امام موسی بن جعفر علیه السلام از رفتار

فرزندش شکایت کرد. امام فرمود: فرزندت را نزن و برای ادب کردنش با او قهر کن، ولی مراقب باش قهرت به درازا نکشد.

هنگامی که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مسلمانان را برای جنگ تبوک فراخواند، سه تن به بهانه های گوناگون از رفتن به جبهه سرباز زدند و زمانی که پیامبر از جنگ بازگشت با آنان قطع رابطه کرد.

دیگر مسلمانان نیز به پیروی از پیامبر با آنان قهر کردند، حتّی خانواده آنان با سردی برخورد می کردند به گونه ای که زندگی بر آنان تنگ شد و از کوتاهی خود پشیمان شده و توبه کردند.

خداوند مهربان نیز توبه آنان را پذیرفت و برای پیامبرش پیغام فرستاد که این سه نفر را با آغوش باز بپذیر.(۱)

۴۴. اخطار

یکی از راههای ایجاد انگیزه، اخطار است. گاهی ناظم مدرسه به دانش آموزان اخطار می دهد که اگر این کار خلاف را تکرار کنی، جای تو در این کلاس و مدرسه نیست. این اخطار عامل بازدارندگی می شود و انگیزه اصلاح را فراهم می کند.

امام علی علیه السلام به یکی از کارگزاران خود این گونه می نویسد:

گزارش رسیده است که کاری از تو سرزده که اگر به راستی مرتکب آن شده باشی بی تردید پروردگارت را به خشم آورده ای، تو در برابر فرمان امام خویش عصیان ورزیده ای و امانت خود را به ابتذال کشانده ای، شنیده ام که سپرده های مردم را به مصرف خویش رسانده ای. پس بی درنگ ترازنامه مالی و حسابت

۱- ((۱)) . تفسیرنمونه، ج ۸، ص ۱۶۷.

را نزد من بفرست و این را بدان که حسابرسی خداوند از حسابرسی مردم بزرگتر است.(۱)

۱- (۱)) . فرهنگ آفتاب، ج ۳، ص ۱۳۹۳.

فصل چهارم: راهکارهای اجتماعی

اشاره

ص:۹۹

۱. تشویق اجتماعی

تقدیر و تشویق عملی، عامل مهمی در ایجاد انگیزه ی کار در جامعه است. نقل است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله در جنگی عمامه شان را بر سر امیرالمؤمنین علیه السلام گذاشتند. برای هر مسلمانی به دست آوردن عمّامه رسول خدا صلی الله علیه و آله از هر مدال و پاداشی شوق آفرین تر بود.

گاهی در جبهه ی جنگ، رسول خدا صلی الله علیه و آله پرچم جنگ را از پرچم دار می گرفتند و به یک نفر دیگری می دادند. وقتی مورد سؤال واقع می شدند، می فرمودند: چون او در حفظ قرآن ساعی و کوشاتر است.

تشویق نباید تنها جنبه مالی داشته باشد، بلکه به تناسب نوع کار وسنّ مخاطب باید تشویقی مناسب انتخاب شود، گاهی رسول خدا صلی الله علیه و آله به برندگان مسابقات درخت خرمای باردار یا شتر آبستن می دادند.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله همین که وارد مسجد شدند، گروهی را دیدند که مشغول نماز مستحبّی و گروه دیگر در حال مذاکره علمی بودند. حضرت هر دو را تشویق کردند، امّا خود به گروه مذاکره علمی ملحق شدند.

برادر و خواهر رضاعی حضرت به نوبت مهمان وی شدند. پیامبر صلی الله علیه و آله به خواهر رضاعی خویش بیشتر احترام گذارد. افراد حاضر علت را پرسیدند. حضرت فرمودند: این خواهر به پدر و مادرش بیشتر احترام و ادب می کرد.(۱)

۱- (۱)) . کافی، ج ۲، ص ۱۶۱.

امام باقر علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله برای تشویق گاهی به یک نفر چند شتر جایزه می داد.(۱)

همچنین موارد زیر دلالت بر لزوم تشویق دارد:

– تمام آیاتی که در مدح انبیا علیهم السلام آمده است، نظیر (نِعْمَ الْعَبْدُ)۲ که برای تجلیل از آنان و تشویق به پیروی از آنان و پیمودن راهشان است.

– آیاتی که حاکی از محبّت خداوند در مورد افراد و گروه هایی است:(إِنَّ اللّهَ یُحِبُّ التَّوّابِینَ وَ یُحِبُّ الْمُتَطَهِّرِینَ)۳ ، خداوند توبه کنندگان و پاکیزگان را دوست دارد.(فَإِنَّ اللّهَ یُحِبُّ الْمُتَّقِینَ)۴ ،(إِنَّ اللّهَ یُحِبُّ الْمُقْسِطِینَ)۵ خداوند پرهیزکاران و عدالت ورزان را دوست دارد.

– پاداش ها و وعده های الهی در سراسر قرآن، تشویق است.

– تجلیل و یادکردی از یاران با وفا. امام علی علیه السلام فرمود: «أَیْنَ عَمَّارٌ وَ أَیْنَ ابْنُ التَّیِّهَانِ وَ أَیْنَ ذُو الشَّهَادَتَیْنِ»(۲) کجایند مردانی باوفایی همچون عمّار و ابن تیهان و ذوالشهادتین.

– امام صادق علیه السلام هرگاه شاگردش هشام بر آن حضرت وارد می شد با این که نوجوان بود، از او تجلیل کرده و می فرمود: «هَذَا نَاصِرُنَا بِقَلْبِهِ وَ لِسَانِهِ وَ یَدِه»(۳) او با دل و زبان یاور ما می باشد.

نکاتی درباره تشویق

۱. به دنبال تکلیف، تشویق کنید:(خُذْ مِنْ أَمْوالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَ تُزَکِّیهِمْ بِها وَ صَلِّ عَلَیْهِمْ إِنَّ صَلاتَکَ سَکَنٌ لَهُمْ وَ اللّهُ سَمِیعٌ عَلِیمٌ)۸ از اموالشان

ص:۱۰۲

۱- ((۱)) . کافی، ج ۸، ص ۱۲۹.

۲- ((۶)) . نهج البلاغه، خطبه ۱۸۲.

۳- ((۷)) . اعلام الوری، ص ۲۸۰.

صدقه (زکات) بگیر تا بدین وسیله آنان را (از بخل و دنیاپرستی) پاک سازی و رشدشان دهی و بر آنان درود فرست (و دعا کن) زیرا دعای تو، مایه آرامش آنان است و خداوند شنوا و دانا است.

۲. تشویقِ به موقع و بجا، تنبیهی برای خلافکار است: امام علی علیه السلام فرمود: «ازْجُرِ الْمُسِیءَ بِثَوَابِ الْمُحْسِنِ»(۱) با پاداش دادن به نیکوکار، خطاکاران را مجازات کن.

۳. تشویق بیش از حد، چاپلوسی و تشویق کمتر از حدّ معمول، حسادت است.(۲)

۴. تمام تشویق ها را به شخصی خاص، آن هم در زمان و مکان و شرایط خاص نثار نکنیم و از پیشگامان تاریخ و ایثارگران غافل نشویم. همان گونه که در زیارت نامه ها ابتدا به پیامبران و اولیای پیشین سلام می دهیم و آنگاه به عزیزی که به زیارتش رفته ایم سلام می دهیم.

۵. در کنار تشویق سعی کنیم که ادامه راه را نیز تذکّر دهیم.

۶. ممکن است به خاطر مصالحی به جای تشویق مورد بی مهری قرار بگیریم، رنجیده نشویم. گاهی امام صادق علیه السلام از دوستانشان انتقاد می کردند. بعداً به او پیام می دادند که بی توجّهی من تاکتیکی بوده، چون دشمن در مجلس حاضر بود و تو شناخته می شدی.

۷. اگر خواستیم شاگردی را تشویق کنیم، از زحمات استاد و معلم و نویسنده و مؤسس و مدرسه و... غافل نشویم.

۱- ((۱)) . نهج البلاغه، حکمت ۱۷۷.

۲- ((۲)) . بحارالانوار، ج ۷۰، ص ۲۹۵.

۲. تنبیه اجتماعی

یکی از سرچشمه های انگیزه، دور کردن ضرر از خویش است. انسان از یک طرف هوی وهوس وطمع وغریزه دارد واز طرفی دیگر، بـدی کـار زشت را می دانـد؛ یکی از عواملی که انگیزه او را در کـار زشت کم می کنـد، تنبیه است. قرآن می فرمایـد: دست دزد را قطع کنیـد؛(السّارِقُ وَ السّارِقَهُ فَاقْطَعُوا أَیْدِیَهُما)۱ به زناکار شـلاق بزنید و اگر زنای محصنه بود، او را اعدام کنید. (الزّانِیَهُ وَ الزّانِی فَاجْلِدُوا کُلَّ واحِدٍ مِنْهُما...)۲

قرآن می فرماید: حیات جامعه در اجرای قانون قصاص است؛(وَ لَکُمْ فِی الْقِصاصِ حَیاهٌ یا أُولِی الْأَلْبابِ)۳

نکاتی درباره تنبیه

۱. تشویق برتنبیه مقدم است.

۲. تنبیه از جرم بیشتر نباشد.

۳. تنبیه فوق طاقت نباشد.

۴. تنبیه باجرم مناسب باشد. چنانکه: کیفر کسـی که سـخن حق را کتمان کرده این است که خدا با او سخن نگوید.(لا یُکَلِّمُهُمُ اللّهُ)۴

کیفر مسخره کننده، مسخره شدن است. (فَیَسْخَرُونَ مِنْهُمْ سَخِرَ اللّهُ)۵

کیفر مکر وحیله، مکر وحیله است.(وَ مَکَرُوا وَ مَکَرَ اللّهُ)۶

کیفر خدعه و فریبکاری، خدعه است.(یُخادِعُونَ اللّهَ وَ هُوَ خادِعُهُمْ)۷

ص:۱۰۴

کیفر تبهکارانی که در دنیا به مؤمنان می خندیدند،(إِنَّ الَّذِينَ أَجْرَمُوا كَانُوا مِنَ الَّذِينَ آمَنُوا يَضْحَكُونَ)۱ این است که در آخرت در انتظار خنده آنان باشند.(فَالْيَوْمَ الَّذِينَ آمَنُوا مِنَ الْكُفَّارِ يَضْحَكُونَ)۲

۳. تحسین (تشویق کلامی)

تحسین یعنی نیکو شمردن کار، در تقویت انگیزه نقش داشته و احساس بزرگی وشخصیت به مخاطب می دهد و می کوشد پس از تحسین، کار خوب را تکرار کند.

تحسین شخصیت سرکوب شده را احیا می کند وانسان را برای ادامه کار خوب دلگرم می کند.

امام باقر علیه السلام می فرماید: پدرم امام زین العابدین علیه السلام هنگامی که جوانان در حال کسب دانش و دانش آموز را می دید، آنان را نزد خود فرامی خواند و می فرمود: آفرین بر شما، شما ذخیره های دانش و نونهالان امروز جامعه هستید، ولی بزودی از بزرگان جامعه آینده خواهید شد.(۱)

پسر بچه نابالغی نزد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله عطسه کرد و گفت: «الحمدللّه». پیامبر به او فرمود: «بارک اللّه فیک»(۲) آفرین بر تو.

۴. تلقین

پزشکی که به بیمار می گوید: بیماری شما ساده است و شما رو به بهبود هستید و سایر کسانی که بیماری شما را داشته اند سالم شده اند، در بیمار امید ایجاد می کند، ولی اگر پزشک یا اطرافیان بیمار، با کلمات و زشت خود

۱- ((۳)) . بحارالانوار، ج ۲، ص ۱۵۲.

۲- ((۴)) . کافی، ج ۲، ص ۶۵۵.

به بیمار تلقین کنند که بیماری او خطرناک است، این کار اثر نامطلوب در روحیه و روان و حتی بیماری او می گذارد.

بعضی ها با تلقین، به خود ودیگران پیام منفی منتقل می کنند. فرزندم! استخر نرو، شنا نکن یک وقت غرق می شوی، کوه نرو، ممکن است سقوط کنی. نتیجه این می شود که بچه ترسو وناتوان تربیت می شود.

نباید به بچه گفت: تو نمی دانی، نمی توانی، حتی نباید گفت: بچه، باید گفت: مرد فردا.

تلقین مثبت نیز همینطور است: من می توانم این کار را بکنم، من انشاءاللّه این کار را خواهم کرد.

بسیاری از فرازهای اذان که هر صبح و شام گفته می شود تلقین است؛ «أشهد أن لا اله الاّ اللّه»، گواهی می دهم که معبودی جز اللّه نیست. «أشهد أنّ محمّداً رسول اللّه»، گواهی می دهم که پیامبرم حضرت محمّد صلی الله علیه و آله است. «أشهد أنّ علیّاً حجّه اللّه»، گواهی می دهم که امامم امیرمؤمنان علی علیه السلام است. این جملات هم تلقین به خویش است و هم به دیگران، حساب کنید یک نمازگزار شش بار در هر اذان واقامه شهادت می دهد و می گوید «أشهد»، این تلقین ها به او انگیزه می دهد که در راه خدا و پیامبر و ائمه گام بردارد.

رجزهایی که رزمندگان اسلام در میدان جنگ می خواندند حالت تلقین داشت. همچون رجزهای زیبایی که در واقعه عاشورا قهرمانان کربلا خواندند. فرزند امّ البنین حضرت قمر بنی هاشم می خواند:

واللّه إن قَطعتموا یَمینی إنّی احامی أبداً عن دینی

به خدا سوگند اگر دست راستم را قطع کنید هرگز از پشتیبانی دینم دست بر نمی دارم.

ص:۱۰۶

همچنین علی اکبر علیه السلام با صدای بلند می گفت: من علی فرزند حسین بن علی هستم. به خدای کعبه ما به پیامبر سزاوارتر هستیم.

یا حضرت قاسم می خواند:

ان تنکرونی فانا ابن الحسن ابن النبیّ المصطفی المؤتمن

هرکس مرا نمی شناسد بداند من فرزند حسن، فرزند پیامبر برگزیده امین هستم.

یا نوجوان عاشق شهادت عمرو بن جناده می خواند:

امیری حسینٌ فَنِعمَ الامیر سُرور فُؤاد بَشیر نذیر

امیر و فرمانده من حسین است و چه امیر خوبی است، مایه شادمانی دل پیامبر، بشارت دهنده و انذار کننده.

سلام و رحمت خدا بر بنده صالحش حضرت امام خمینی که وقتی با جوانان روبرو می شد این جمله را تکرار می کرد: ما می توانیم و می فرمود: این مسئله خلافی است که به ذهن دانش آموزان و دانشجویان ما تلقین کرده اند که به غیر از رفتن به امریکا و فرانسه و انگلستان در جای دیگر امکان ندارد به موفقیت رسید و به جایی رسید.(۱)

۵. تعاون و همکاری

از عوامل انگیزه بخش، همکاری و همدلی است. بهترین مثال «امر به معروف و نهی از منکر» است. اگر یک نفر منکری را تذکّر داد و دیگری نیز به کمک وی شتافت و نفر سومی هم به یاری برخاست، انگیزه ی نفر اول چند برابر می شود. و بالعکس اگر همکاری و پشتیبانی مردم همراه نباشد، روحیه

۱- (۱)) . خودباوری و خودباختگی از دیدگاه امام خمینی، ص ۹۰.

و اراده فرد تضعیف می شود.

در تاریخ آمده است که قبل از بعثت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله تعدادی از جوانان مکه هم پیمان شدند و تصمیم گرفتند که از مظلوم در برابر ظالم دفاع کنند. با آنکه آن جوانان کافر بودند امّا چون کارشان انسانی و خوب بود پیامبر صلی الله علیه و آله نیز با آنان هم پیمان و شریک شد.

در اسلام سفارش شده که در کارهای خیر یکدیگر را یاری کنید، ولی در گناه و کارهای خلاف، یاری گر یکدیگر نباشید. (تَعَاوَنُوا عَلَی الْبِرِّ وَ التَّقْوی وَ لا تَعَاوَنُوا عَلَی الْإِثْمِ وَ الْعُدْوَانِ)۱

هنگامی که خداوند به موسی فرمان تبلیغ داد، موسی از خداوند درخواست کرد که برادرم هارون را همراه و شریک من گردان.(أَشْرِکْهُ فِی أَمْرِی)۲ زیرا او بیانی فصیح تر از من دارد.(هُوَ أَفْصَحُ مِنِّی)۳

فرض کنید امام جماعت مسجدی بخاطر سالمندی توان و حوصله ارتباط علمی و عاطفی با نسل نو را ندارد، امّا اگر یک روحانی جوان را در امور فرهنگی و علمی و عاطفی به همکاری دعوت کند، مسجد رونق پیدا کرده و برای نسل نو انگیزه بیشتری برای حضور در مسجد پیدا می شود.

چنانکه اگر شخصی در عید قربان توان قربانی کردن یک گوسفند را ندارد، می تواند با افراد دیگر شریک و گوسفندی را قربانی کنند. در قرآن می خوانیم: عده ای از فقرا با هم شریک شدند و کشتی خریدند و با آن در دریا کار می کردند.(أَمَّا السَّفِینَهُ فَکانَتْ لِمَسَاکِینَ یَعْمَلُونَ فِی الْبَحْرِ)۴

یکی از حکمت های نمازجماعت و نمازجمعه و نماز عید و مراسم بزرگ

ص:۱۰۸

حج، همین حرکت دسته جمعی است که انگیزه ها را بالا_ می برد. آری، تمام امور سخت و مشکل را می توان با همکاری دوستان و بستگان حل نمود.

همکاری و مشارکت اعضای خانواده، همچنین پدری که پسرش را به عنوان شاگرد و همکار خود می پذیرد، انگیزه یکایک آنان را برای تلاش و کوشش بیشتر بالا می برد. قرآن کریم از همکاری حضرت ابراهیم و پسرش اسماعیل در بازسازی کعبه خبر می دهد. در حدیث می خوانیم: یکی از نشانه های سعادت انسان این است که فرزندش همکارش باشد.(۱)

۶.امر به معروف

امر به خوبی ها، سبب دلگرمی و تقویت انگیزه در نیکوکاران است.

اگر در جامعه مردم یکدیگر را به خوبی ها سفارش کنند،(وَ تَواصَوْا بِالْحَقِّ» و از آن خسته نشده و پایداری کنند،(وَ تَواصَوْا بِالصَّبْرِ)۲ و یکدیگر را به رحم و مهربانی سفارش کنند،(وَ تَواصَوْا بِالْمَرْحَمَهِ)۳ این توصیه های پی درپی و از افراد گوناگون، انگیزه ی کار نیک را بالا می برد.

چنانکه برای تشویق و دلگرمی به ادای واجبی همچون زکات، قرآن به پیامبرش دستور می دهد که هنگام گرفتن زکات از مردم، بر آنان درود بفرست، سپس می فرماید: درود تو برای مردم آرام بخش است.(۲)

۷.تفریح و ورزش

تفریح و اوقات فراغت در زندگی، موجب نشاط و سبب حفظ انگیزه انسان است. خداوند در تکوین و تشریع به ضرورت تفریح مهر تأیید زده است،

۱- ((۱)) . کافی، ج ۵، ص ۲۵۷.

۲- ((۴)) . سوره توبه، آیه ۱۰۳.

البتّه ورزش و بازی و تفریحات آرامبخش و سالم که نتیجه اش نشاط باشد، نه بعضی از تفریح هایی که همراه با هیجان و استرس و عصبانیت و ناسزا و کینه و رقابت های منفی و ضرر به جسم یا مال یا هدر دادن امکانات یا همراه با گناه و عوارض دیگر باشد.

کسانی که لابلای کارشان استراحت و تفریح می کنند، کار را با نشاط بیشتری انجام می دهند و کسانی که همواره مشغول کار هستند، نشاط کمتری داشته و کیفیت کار آنان کاسته می شود.

امیرمؤمنان علی علیه السلام فرمود: هرعضوی از بدن استراحتی لازم دارد، «لکلّ عضو من البدن استراحه»(۱)

در حدیث زیبایی امام کاظم علیه السلام فرمود: سعی کنید که اوقات شبانه روز خود را به چهار بخش تقسیم کنید: ساعتی برای عبادت و راز و نیاز با خدا، ساعتی برای امر معاش وکسب درآمد، ساعتی برای ارتباط و رفت وآمد با افراد مطمئن و ساعتی برای تفریحات سالم و لذّت های حلال. پس از آن امام فرمود: و با این قسمت آخر است که برای انجام سه قسمت اول نشاط پیدا می کنید.(۲)

شاید بتوان گفت از دلائلی که اسلام عزیز برسفر ومسافرت تاکید و سفارش زیاد کرده برای ایجاد نشاط در کار وانگیزه بیشتر است.

در سیره امامان معصوم گردش وتفریح به باغستان ها و مراکز سرسبز طبیعت به چشم می خورد. صفوان می گوید: امام صادق علیه السلام را در باغ برادرش عبداللّه دیدم، از آن حضرت علت حضورش را پرسیدم، امام

۱- ((۱)) . غررالحکم.

۲- ((۲)) . مستدرک الوسائل، ج ۱۳، ص ۵۰.

فرمود:

«طلب النزهه»(۱) برای گردش وتفریح به اینجا آمده ام.

البتّه شوخی و تفریح باید مناسب با کرامت انسانی وبه دور از گناه و معصیت باشد. امام علی علیه السلام فرمود: وای بر کسی که برای خنداندن جمعی، فردی را مسخره کند.(۲)

و امام کاظم علیه السلام فرمود: برای خودتان از آنچه که میل دارید بهره ای قرار دهید، ولی با سه شرط: اول اینکه حلال باشد، دوم آنکه با کرامت ومروت انسان سازگار باشد و سوم اینکه اسراف وزیاده روی نشود. در پایان فرمود: با این بهره و نشاطی که به دست می آورید به انجام امور دینی بپردازید.(۳)

۸. آراستگی و زیبایی

از عواملی که موجب انگیزه و نشاط است، آراستگی و زیبایی ظاهری است. انسان ها از دیدن مناظر زیبا، پوشیدن لباس زیبا، ظاهر آراسته، خانه تمیز و مرتب لذت می برند.

اسلام از ما خواسته است که محل عبادت و مساجد را پاکیزه و زیبا نگاه داریم. چرا مردم و حتی بچه ها دوست دارند در مراسم جشن و عروسی شرکت کنند، برای اینکه همه در آنجا تمیز و مرتب و آراسته هستند، لذا قرآن سفارش کرده مسجد و اهل مسجد آراسته و زیبا باشند.(خُذُوا زِینَتَکُمْ عِنْدَ کُلِّ مَسْجِدٍ)۴

همان گونه که نگاه به آب و سبزه نشاط آور است، نگاه به ظاهری زیبا و مرتب و آراسته هم نشاط می آورد.

از امیرمؤمنان نقل شده که در خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله بودیم

۱- ((۱)) . کافی، ج ۲، ص ۲۳.

۲- ((۲)) . مستدرک الوسائل، ج ۸، ص ۲۲۳.

۳- ((۳)) . مستدرک الوسائل، ج ۸، ص ۲۲۳.

انگشتری نقره بانگین عقیق به دست داشت وبا ما نماز خواندند، نماز که تمام شد حضرت انگشترشان را به من دادند و فرمودند: علی جان، انگشتر را به دست راستت کن وبا آن نماز بخوان که به اندازه هفتاد نماز پاداش دارد. انگشتر تسبیح و استغفار می کند و ثوابش برای صاحبش است.(۱)

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هرکس با گذاردن عمّامه بر سر دو رکعت نماز بخواند، خداوند فرشتگانی را به سوی او می فرستد تا برایش حسنات بنویسند وگناهان او را پاک کنند و درجات او را بالا ببرند.(۲)

در سیره پیامبر اکرم می خوانیم که آن حضرت دو لباس مخصوص نماز داشتند و آنها را فقط به هنگام نماز می پوشیدند.(۳)

مستحب است که نمازگزار خوش بو باشد و لباس پاکیزه و قیمتی بپوشد.(۴)

در حدیث آمده است که زن وقتی به نماز می ایستد خود را با وسایل زینتی اش از قبیل طلا و نقره زینت کند و مردی که به مسجد می رود معطر باشد و لباس های نو بپوشد.

اگر محیطهای عبادی و معنوی با زیبایی ظاهری مزیّن شود، باعث ایجاد رغبت و شوق بیشتر در انسان ها می شود.

چندی قبل از شهردار پرسیدند که فایده این همه کارهای روبنایی که در شهرها انجام می شود، فایده اش چیست؟ وی گفت: از نظر شهرداری این کارها روبنایی تلقی نمی شود. تصوّر کنید مردی از خانه اش بیرون بیاید و پشت درب سطل زباله ای مشاهده کند که گربه ها آن را برگردانده و بوی تعفن از آن به مشام می رسد. جوی آب را لجن فراگرفته باشد، دیوارهای

۱- ((۱)) . عیون أخبارالرضا، ج ۲، ص ۱۳۲.

۲- ((۲)) . جامع الاخبار، ص ۷۷.

۳- ((۳)) . کنزالفوائد، ج ۲، ص ۱۸۵.

۴- ((۴)) . توضیح المسائل امام، مسئله ۹۱۲.

شهر زشت و کثیف باشد. این مناظر در روح و نشاط شهروند اثر منفی دارد. امّا اگر با مناظر زیبا رو به رو شود، جوی های تمیز، دیوارهای زیبا، میادین پر گل و خیابان های تمیز را مشاهده کند، قطعاً در کارآیی و ایجاد انگیزه او سهم به سزایی دارد.

در کتب حدیث بابی وجود دارد به نام «باب الزیّ و التجمّل» که در آن روایاتی آمده است که انسان باید به لباس و سر و بدن و نظافت ظاهری خود توجه کند.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله همواره مسواکش را در کنار خود داشت. هزینه عطر حضرت از هزینه های دیگرش بیشتر بود.

لباس خود را در تابستان در دیگ آب می جوشاند. از مرغ بیرون استفاده نمی کرد تا مبادا این مرغ غذای آلوده خورده باشد. عمامه ی خود با نگاه به آئینه و اگر آئینه نبود با نگاه به آب تنظیم می کرد. روزی که عطر نداشت روسری همسرش را که معطر بود با کمی آب نم دار کرد و آن را به سر و صورت خود کشید.

به زنان و مردان سفارش می کرد که خود برای همسرانشان آراسته کنند. روزی در حال نماز نگاهش به دیوار مقابل افتاد که با آب دهان کثیف شده بود، آن حضرت قرائت نماز را قطع و بدون اینکه روی از قبله برگرداند گامی جلو گذاشت و با شاخه خرما که در دسترس بود جای آب دهان را محو و دوباره گام به عقب گذارد و قرائت نماز را ادامه داد.(۱)

آری، زیبایی و آراستگی لباس و مدرسه و محل کار، در نشاط خود و اطرافیان انسان و همچنین نشاط در کار و تلاش مؤثر است.

۱- (۱)) . من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۲۷۷.

۹. توجّه به سود و درآمد

کسب سود و درآمـد از عوامـل مهم ایجـاد انگیزه است. بزرگـان گفته انـد: سرچشـمه تمام کارهای انسان، جلب منفعت ودفع ضرر است. وقتی انسان سودی را در کاری ببینـد، به انجام دادن آن اشتیاق پیـدا می کنـد. خداونـد صدها بار در قرآن کریم با وعده اجر ومزد وپاداش، به بندگانش انگیزه عمل داده است وبرای کسانی که تلاش و کار بیشتر وبهتری ارائه دهند، پاداش دو برابر؛ ده برابر؛ صد برابر؛ هفتصد برابر و بیشتر نیز اعلام فرموده است.

امام علی علیه السلام در نامه به استاندارش می فرماید: ارزاق کارمندان را فراوان قرار بده، «اسبغ علیهم الارزاق»(۱) (چون اگر چشم و گوش آنها سیر باشد در صورت تخلف، می توانی با آنها برخورد کنی.)

پـدری می گفت: به فرزنـدم پولی برای تهیه خوراکی مـدرسه اش دادم، امّا او در مسـیر راه فقیری را دیده و آن را به فقیر داده بـود، هنگـامی که از مـدرسه برگشت و بیـان کرد که آن پولش را به نیازمنـدی داده است، من ده برابر آن پول را به او دادم و گفتم: قرآن می فرماید:(مَنْ جٰاءَ بِالْحَسَنَهِ فَلَهُ عَشْرُ أَمْثٰالِهٰا)۲ اگر کسی کار خوب انجام بدهد، پاداش ده برابر دارد.

یکی از علما می گفت: در حوزه علمیه قم در مـدرسه فیضـیّه نشسـته بودم که شخصـی آمد و از من پنج ریال کمک خواست. من هم به او دادم در حالی که به جز آن پولی نداشـتم. مـدتی نگذشـته بود که شخصـی نزد من آمـد و پنج تومان به من هدیه کرد. از وقتی که آن پول را گرفتم چنـد دقیقه ای نگذشـته بود که فردی پنج تومان قرض از من خواست. من آن پنج تومان را به او دادم و آن شب را گرسنه خوابیدم. صبح هنگامی که در حرم حضرت

۱- ((۱)) . مستدرک الوسائل، ج ۱۳، ص ۱۶۶.

معصومه علیها السلام مشغول زیارت بودم، فردی پنجاه تومان به من عطا کرد. چیزی نگذشته بود فرد دیگری آمد و گفت: من یک گرفتاری پیدا کرده ام آیا می توانی پنجاه تومان قرض به من بدهی؟

به او اینگونه پاسخ دادم: دارم ولی از دادن آن معذورم، چون پنج ریالی اول را برای خدا دادم، پنج تومان شد. پنج تومان را هم برای خدا دادم که پنجاه تومان شد، امّا در این مورد دیگر قصد قربت ندارم، چون می دهم که پانصد تومانی بیاید.

۱۰. احساس مؤثر و مفید بودن

از عوامل مهم در انگیزه و نشاط افراد، توانا دیدن خود در رفع نیازمندی های اجتماعی است. اگر افراد حس مفید بودن داشته و بدانند کاری که می کنند چه کمکی در رشد جامعه دارد، احساس رضایت و خرسندی خواهند کرد. اگر طبیب توجه داشته باشد که وقتی بیماری را مداوا می کند، در ثواب کارهای او شریک است، انگیزه او در درمان افزایش می یابد.

متذکّر شدن اهمیت مشاغل در رفع نیازهای اجتماعی، به صاحبان مشاغل غروری مقدس عطا می کند. اگر هر فردی با هر شغلی که دارد؛ نانوا با پختن نان، نجار با درست کردن درب و پنجره، معمار با ساختن خانه، رفتگر با تمیز کردن کوچه و خیابان، خود را در جامعه مؤثر بداند، و باور کند که اگر کار او نبود یک بخش از نیازها زمین می ماند، نه تنها دست از تلاش برنمی دارد، بلکه انگیزه و نشاطش چند برابر می شود. آنگاه که از کار روزانه خود نیز فارغ می شود، خدای را شکر می کند که توانسته باری را از دوش جامعه ی اسلامی بردارد.

تذکّر این نکته می تواند تنبّهی به صاحبان مشاغل کاذب نیز باشد. مثلاً به

یک سیگار فروش تفهیم می شود که فروش سیگار نه تنها هیچ نوع خدمتی به جامعه نیست، بلکه جامعه را آلوده و مسموم می کند.

۱۱. جایزه

جوایز نقش تحریک کننده ای دارند. بی تردید یکی از رموز استفاده از جوایز در مناسبات اجتماعی، پدید آوردن تحرک اجتماعی است. البتّه جایزه برای شروع کار و حرکت خوب است، امّا نمی تواند تداوم به آن بخشد. جایزه مثل هل دادن ماشین است؛ وقتی ماشین روشن شد، باید خودش بتواند به راهش ادامه دهد.

مسئله مهم دیگر نوع جایزه است که باید کارشناسی شده و متناسب با مخاطب از جهت سن و سال و جنسیت و موقعیت شغلی واجتماعی افراد باشد.

۱۲. رسانه های جمعی

امروزه نقش رسانه ها از نقش ارتش ها و جنگ سرد از جنگ نظامی کاری تر است. با صدا و سیما و مطبوعات می توان ملتی را اصلاح یا فاسد کرد. با ابزار تبلیغ، راه های ناهموار را به راحتی هموار می سازند. بسیاری از ناهنجاری ها و عادات غلطی که در جامعه وجود دارد با فرهنگ سازی توسط رسانه ها قابل رفع است.

صدا و سیما می توانند با نمایش تئاتر یا فیلم ازدواج های ساده را به یک ارزش تبدیل نماید. ساده زیستی را به عنوان یک ارزش اجتماعی گسترش دهد. اشتیاق به تولید را در آحاد جامعه پدید آورد.

بنابراین قدرت و نقش رسانه ها در ایجاد و تقویت انگیزه ها نباید دست کم گرفته شود.

ص:۱۱۶

۱۳. محیط تمیز و پاکیزه

گرچه این عامل به طور کلّی در ضـمن بحث زیبایی گذشت، امّا چون مسـتقلاً هم اهمیت دارد، ما این عامل را جداگانه مطرح می کنیم.

محیطهای کار و فعالیت ما باید تمیز و حتی المقدور وسیع باشند. باید مدارس و محیطهای آموزشی و کتابخانه ها بهترین مکان ها از جهت نور و وسعت و تمیزی باشند. نمازخانه ها در ادارات، کارگاه ها و محلّات باید تمیزترین محیطها باشد.

رسول خدا صـلی الله علیه و آله فرمود: اسلام، دین پاکیزگی است، پس شما هم پاکیزه باشید، زیرا داخل بهشت نمی شود مگر شخص پاکیزه.(۱)

همچنین فرمود: تا می توانید پاکیزه باشید که خداوند متعال اسلام را بر پاکیزگی بنا فرموده است.(۲)

امیرالمؤمنین علیه السـلام فرمود: خـانه هـای خود را از تـار عنکبوت پـاک و تمیز کنیـد که وانهـادنش در خانه ها موجب تنگ دستی است.(۳)

امام صادق علیه السلام فرمود: شستن ظرفها و جاروب کردن خانه در جلب رزق مؤثر است.(۴) و در سخنی دیگر فرمود: همانا خدا زیبا است و زیبایی را دوست می دارد.(۵)

رسول خدا صـلی الله علیه و آله برای محیطهای اجتماعی ارزش ویژه ای قائل بود و می فرمود: هرکس روزهای پنجشـنبه وشب های جمعه مسجد را تمیز کند وبه اندازه ذره ای خاکروبه از مسجد بیرون ببرد، خداوند او را می آمرزد.(۶)

۱- ((۱)) . کنزالعمّال، ج ۹، ص ۲۷۷.

۲- ((۲)) . نهج الفصاحه، ص ۲۳۷.

۳- ((۳)) . الدعوات، ص ۱۱۶.

۴- ((۴)) . خصال صدوق، ج ۱، ص ۵۴.

۵- ((۵)) . نهج الفصاحه، ص ۱۳۹.

۶- ((۶)) . من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۲۳۳.

۱۴. ورزش

گاهی نداشتن انگیزه و نشاط به خاطر ناتوانی جسمی است و ورزش، تن آدمی را با نشاط و سالم و نیرومند ساخته و کسالت را برطرف می کند. چنانکه گفته اند: عقل سالم در بدن سالم است.

کسی که ورزش می کند، با انگیزه و نشاط بیشتری کارهایش را انجام می دهد. زن و مرد، پیر و جوان همه باید ورزش کنند.

از عوامل رکود و بی نشاطی، ورزش نکردن است که متاسّفانه دنیای صنعتی، از ورزش و حرکات فیزیکی کاسته است. در حالی که بیشتر عبادات ما همراه با حرکت و تلاش است.

بهترین جایزه ورزشکار، سلامتی جسم و روان خود اوست. بنابراین هر چه ورزشکار و محیط ورزشی بیشتر باشد، نیاز به زندان و بیمارستان کمتر شده و باعث لطافت و شادابی جسم و روح می شود.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: ورزش و بازی کنید، که من دوست ندارم در دین شما سختی و زمختی ببینم.(۱)

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: من بدن خود را برای سختی ها و تشنگی و گرسنگی همانند درخت های صحرائی، مقاوم و پرقدرت تربیت کرده ام.

هر که کار فکری بیشتری دارد، نیازش به ورزش بیشتر است. ورزش، کمک به مغز است. با این که وزن مغز دو درصد وزن بدن است، بیست درصد اکسیژن مصرفی را به کار می برد و هر چه تنفس و خون رسانی بهتر باشد، آمادگی فکری بیشتر خواهد بود.

ورزش، توانائی، تعهّد و قبول مسئولیت، دقّت و پشتکار را در جوانان

۱- ((۱)) . نهج الفصاحه، ص ۵۳۱.

تقویت می کند.

روش مبارزه با حریف، سرعت تصمیم گیری و پیروزی بر رغیب، لذّت کار دسته جمعی، از آثار ورزشهای جمعی است.

کسی که ورزش می کند، آمادگی وانگیزه بهتری برای کارهای سخت و سنگین داشته و در برابر امراض مقاوم تر و برای انجام عبادات و کمک به محرومان، جهاد، ظلم و ظالم ستیزی و... نشاط بیشتری دارد. و این در صورتی میسّر است که وظائف اندام ها را بدانیم.

در بازی، تخیّلات و عواطف، حضور قطعی دارند، امّا در کار، تنها فعالیت های ذهنی و هوشی و محاسباتی و مهارتی مطرح هستند و می تواند موضوع هر دو یعنی بازی و کار، یکی بوده و بازی هدفدار باشد.

خداوند متعال برای انتخاب رهبر و مدیر یک جامعه، شرط قدرت و سلامت جسمی را در کنار توان علمی و آگاهی او قرار داده است. در مورد انتخاب طالوت به فرماندهی فرمود:(زَادَهُ بَسْطَةً فِی الْعِلْمِ وَ الْجِسْمِ)۱

البتّه ورزش های ما باید آموزش دهنده و تقویت کننده راه و رسم زندگی صحیح باشند، مانند آموزش درست راه رفتن، نشستن، جابجایی اجسام سنگین، درست نفس کشیدن و...

خانواده ها بچه ها را از بازی منع نکنند، بلکه بازی ها را جهت دار کنند.

چون بازی از جهت جسمی باعث استحکام استخوان ها و ورزیدگی اعضا و چابکی آنها می شود و از جنبه ی روانی و ذهنی باعث تحریک کنجکاوی، رشد حواس، فعالیت هوشی و تحقق ابتکار می شود و از جنبه ی عاطفی به درک تفاوت مهر با خشونت و تعادل احساسات منجر می شود، و حسّ حق

جویی و همکاری و تعاون تقویت می گردد.

بزرگان علم اخلاق و تربیت گفته اند: کودک باید پس از بازگشت از محیط درس، اندکی خود را با بازی های طبیعی و سالم سرگرم کند تا مجدداً به وجد و نشاط آید و چنانچه کودک را از تفریح و بازی باز دارند، روحش پژمرده خواهد شد.(۱)

۱۵. کار گروهی و جمعی

انجـام کـار بـه صـورت گروهی، انگیزه و نشـاط بیشـتری از انجـام آن بـه شـکل انفرادی دارد. ورزش هـای گروهی ماننـد: کوهنوردی، فوتبـال، والیبـال و... همواره در یک تعادل طرفینی قرار دارنـد. گویا هر فردی به دیگری روحیه می دهـد. ما وقتی دسـته جمعی کـاری را انجـام می دهیم، کمتر احساس خسـتگی می کنیم. در ماه رمضان، روزه گرفتن ساده تر است. زیرا همه روزه هستند و همراهی با جمع، رنج گرسنگی و تشنگی را کاهش می دهد.

اسلام نیز همواره بر اجتماع تأکید ورزیده است. از جمله می فرماید: «یداللّه مع الجماعه»(۲)

کار دسته جمعی در بخش تحقیق و یا تولید و یا خدمات، انگیزه را چندین و چند برابر می کند.

از ابتکارات بسیار جالب امام خمینی قدس سره تأسیس بسیج و جهادسازندگی بود که غوغایی در انگیزه و نشاط ملّت انقلابی به پا کرد.

ص:۱۲۰

۱- ((۱)) . امام محمد غزالی، ص ۳۹.

۲- ((۲)) . بحارالانوار، ج ۳۳، ص ۳۷۲.

۱۶. مراعات افراد ضعیف

قرآن می فرماید:(الْآنَ خَفَّفَ اللّهُ عَنْکُمْ وَ عَلِمَ أَنَّ فِیکُمْ ضَعْفاً)۱ خداوند چون ضعف شما را دید، به شما تخفیف داد.

با افراد ضعیف باید با مدارا و تخفیف برخورد کرد.

مرحوم پدرم در جلسه قرائت قرآن، به افراد بی سواد می گفت: همان سوره قل هو اللّه را که حفظ هستید بخوانید تا آنها هم انگیزه پیدا کنند در جلسه شرکت کنند.

اگر می خواهیم مسجد بسازیم، نگوییم هر کسی باید حداقل فلان مقدار پول بدهد، بلکه کاری کنیم آن کس که توان مالی کمی هم دارد، انگیزه پیدا کند به اندازه توانایی خود مشارکت کند.

اسلام عزیز می گوید: برای اقامه نماز اگر می توانی بایست، نمی توانی بنشین و گرنه خوابیده نماز بخوان.

نمازشب که یازده رکعت است، می توانی تنها به خواندن سوره حمد اکتفا کنی یا نشسته بخوانی و اگر حال نداری، دو رکعت بخوان و بخواب.

۱۷. تمرین و عادت

برخی اعتقاد دارند که عادت، امری مذموم و ناپسند است. در حالی که عادت ها دو گونه اند: عادت مثبت و عادت منفی. عادت به کارهای خوب، پسندیده و مورد تأیید است و نقش عمده ای در ایجاد و تقویت انگیزه داشته و اراده و گرایش انسان را به کار جدّی تر می کند. چنانکه راننده ای که با ماشین و جاده عادت کرده، انگیزه بیشتری برای رانندگی داشته و برای او آسان تر است.

گاهی تمرین و ممارست و عادت، انگیزه کار را بالا می برد. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: زبانتان را به استغفار عادت دهید.(۱)

۱۸. حرکت تدریجی

یکی از اموری که انگیزه و نشاط کـار را بالاـ می برد، آن است که کـار به طـور منطقی و تـدریجی پیش رود. چنـانکه حکم تحریم شـراب و قمـار به تدریـج و در چنـد مرحله نـازل شـد؛ ابتـدا آن را کـاری دارای منـافع مادّی معرفی کرد که گناهش از سودش بیشتر است،(۲) پس از چنـدی از نزدیک شدن به نماز در حال مستی منع شد،(۳) سرانجام آیه ۹۰ سوره مائده شراب و قمار را عملی شیطانی و ممنوع دانست.

بعضی در مرحله اول از آن دوری کردند، عدّه ای پس از نزول آیه دوم و جمعی بعد از آیه سوم.

این ماجرا نشان می دهد که انسان ها متفاوتند، شاید بتوان آنها را به میوه ها تشبیه کرد: بعضـی مانند توت خیلی زود رسـیده و به سادگی چیده می شوند، بعض مانند انارند که کمی دیرتر رسـیده و چیدنشان کمی زحمت دارد و بعضـی مانند گردو دیرتر می رسند و چیدنشان بسیار سخت است. ولی در هرحال همه میوه و مفید هستند.

فایده برنامه های تدریجی این است که همه را وارد مجموعه می کند وبه همه بهره می رساند.

ص:۱۲۲

۱- ((۱)) . بحارالانوار، ج ۹۰، ص ۲۸۳.

۲- ((۲)) . سوره بقره، آیه ۲۱۹.

۳- ((۳)) . سوره نساءآیه ۴۳.

۱۹. تکیه به توانمندی های خود

بسیارند افرادی که با انگیزه وارد کاری می شوند، ولی به تدریج انگیزه آنان کم می شود و این به خاطر آن است که روز اول در محاسبات خود به جای تکیه بر توان خود روی کمک دیگران حساب باز کرده بودند و همین که دیگران آنان را رها می کنند انگیزه خود را از دست می دهند. لذا لازم است برنامه ریزی کارها بر اساس توانایی خود باشد و کمک دیگران تکمیل کننده باشد، تا اگر کمکی نکردند، انسان فلج و وامانده نشود. به گونه ای باشیم که اگر کمک شدیم کار بهتر پیش رود، ولی اگر کمک نشدیم ورشکسته و بی انگیزه نشویم.

۲۰. تقدیر و تشکر منصفانه

گرچه تقدیر و تشکر انگیزه بخش است، امّا اگر مقدار آن کم و زیاد شده و شرایط تقدیر و تشکر مراعات نشود، به جای ایجاد انگیزه، افراد را حساس و ناراحت می کند، چنانکه خداوند نسبت به افرادی می فرماید:(لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ)۱ ،(لَعَلَّهُمْ يَهْتَدُونَ)۲ ،(لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ)۳ شاید آنان اهل رشد و هدایت و تقوی باشند. امّا نسبت به افراد دیگری به جای کلمه لعّل و شاید می فرماید:(أُولٰئِكَ هُمُ الرّاشِدُونَ)۴ ،(هُمُ الْمُتَّقُونَ)۵ ،(هُمُ الْمُهْتَدُونَ)۶ ، آنان قطعاً به درجه رشد و هدایت و تقوی رسیده اند.

بنابراین در تقدیر و تشکر باید اصولی را در نظر گرفت از جمله:

۱. منصفانه باشد. امام علی علیه السلام می فرماید: تشکر بیش از حدّ، تملّق و کمتر

ص:۱۲۳

از حدّ، حسادت و عجز و تشکر به اندازه، انصاف است.(۱)

۲. از همه زحمت کشان باشد. گاهی گروهی تلاش می کنند، ولی از بعضی قدردانی می شود که این نوع تشکر به جای دلگرمی، سبب دلسردی افرادی می شود.

۳. علنی باشد. تا هم نشانه تواضع و انصاف تشکر کننده باشد و هم سبب نشاط مورد تشکر و هم انگیزه ای برای بینندگان باشد.

۴. جامع و کامل باشد. هم کتبی، هم شفاهی، هم مادّی و هم معنوی، هم رسمی و هم غیر رسمی.

۵. از کار واقعی باشد. تشکر اگر از کار نمایشی و آماری و خودنمایی ها و خود اظهاری ها باشد، مردم را به نفاق و تظاهر سوق می دهد.

۶. غرورآفرین نباشد. باید به گونه ای باشد که سبب غرور و رکود شخص مورد تشکر نشود و به او اعلام شود که راه رسیدن به مراحل بالاتر برای شما باز است.

۷. از صمیم قلب باشد، نه منافقانه.

۸. مفید و ماندگار باشد. بهتر است تشکر به گونه ای باشد که آثارش ماندگار و پر بهره باشد، نه با چیزهایی که زود از بین می رود و کم فایده است. مثلاً اگر خواستیم از ورزشکارانی که در دنیا مدال گرفته اند تشکر کنیم، سهمی از یک کارخانه تولید لباس ورزشی را به نام آنان کنیم تا ماندگار باشد، یا در آن کارخانه چند نفری از دوستان ورزشکار اشتغال یابند تا سود همیشگی برای او و برای روز سالمندی او قرار داده شود و تولید لباس ورزشی بیشتر و قهراً ارزان تر شود.

۱- (۱)) . نهج البلاغه، حکمت ها.

جایزه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله برای برندگان مسابقات، درخت خرما یا شتر حامله بوده که هر دو وسیله تولید هستند، ولی جوایز امروز مصرفی و دکوری و بی ثمر و لحظه ای و زود گذرند.

۲۱. ارتباط با افراد انگیزه دار

اگر اطرافیان و دوستان و همکاران ما، افراد با نشاط، پر تلاش، بلند همّت و با انگیزه باشند، انسان را باانگیزه می کنند. حضرت علی علیه السلام نام یاران مخلص و فداکارش را با ناله و آه می برد تا شاید مخاطبین با یاد آن فداکاری ها، انگیزه پیدا کنند.

بخشی از آیات قرآن، تجلیل یا انتقاد از افراد است تا ما با تلاوت و تدبّر در آنها، راه خود را پیدا کنیم.

در روایات می خوانیم که با افراد ترسو مشورت نکنید، زیرا در شما ترس ایجاد می کنند. با افراد بخیل دوست مباش که عامل ایجاد بخل در تو می شوند.

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: با کسانی معاشرت کنید که دیدار آنان شما را به یاد خدا بیندازد وسخن آنان در رفتار شما تأثیرگذارد و رفتار آنان شما را مشتاق آخرت کند.(۱)

امام صادق علیه السلام فرمود: معاشرت نکنید مگر با عالمی که شما را از پنج چیز به سوی پنج چیز ببرد: از شک به یقین، از کبر به تواضع، از ریا به اخلاص، از رغبت به خداترسی و از فریب به خیرخواهی.(۲)

۱- ((۱)) . وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۲۳.

۲- ((۲)) . مصباح الشریعه، ص ۲۰.

۲۲. مالکیّت خصوصی

از اموری که نشاط و انگیزه را بالاـ می برد، مالکیت خصوصی است. انسان اگر بدانـد که نتیجه تلاش او به جیب خودش می رود، انگیزه و پشتکارش بیشتر می شود. انگیزه ای که انسان برای ساختن خانه خود دارد با انگیزه ای که برای ساختن خانه دیگران دارد، تفاوت زیاد دارد.

اگر مردم بدانند که بعد از مرگ اموالشان به دست دولت می افتد، چرخه اقتصاد کند می شود، ولی اگر بدانند که ثمره کار و تلاش آنان بعد از مرگشان به دست کسی می رسد که نسل و ذی حق او هستند و نسبت به آنان مسئولیت دارند، انگیزه و تلاش اقتصادی آنها کند نمی شود.

۲۳. برخورد محترمانه

احترام به شخصیت انسان ها، در آنها انگیزه ایجاد می کند. خداوند در حدود هشتاد آیه از قرآن کریم، اوامر و نواهی خود را با این جمله احترام آمیز شروع کرده است:(يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا...)

امام علی علیه السلام فرمود: «اجملوا فی الخطاب تسمعوا جمیل الجواب»(۱) ، دیگران را خوب خطاب کنید تا پاسخ خوب بشنوید.

هشام بن حکم، جوان باهوش و فرهیخته شیعه که در استدلال با مخالفان موفق بود، سن کمی داشت ولی از اندوخته علمی بالایی برخوردار بود. وارد جلسه ای شد، امام صادق علیه السلام و شماری از اصحاب برجسته و با فضل و دانش ایشان گرد آن حضرت حلقه زده بودند، چون چشم امام به هشام افتاد از جا برخاست و او را احترام کرد و در کنار خود جای داد.

۱- (۱)) . غررالحکم.

فصل پنجم: راهکارهای عاطفی

اشاره

ص:۱۲۷

۱. تحریک غیرت و حمیّت

افراد غیور در مواقعی که احساس می کنند آبرو، ناموس، شرف، مکتب، مقدّسات، وطن و شخصیت آنان در معرض خطر است، انگیزه مقابله در آنها بیدار می شود.

قرآن کریم برای تحریک احساسات مسلمانان می فرماید: چرا در راه خدا و برای نجات مستضعفان جنگ و مقاتله نمی کنید. (وَ مٰا لَکُمْ لاٰ تُقٰاتِلُونَ فِی سَبِیلِ اللّٰهِ وَ الْمُسْتَضْعَفِینَ)۱

امیرالمؤمنین علی علیه السلام می فرمودند: دین ندارد کسی که شکمش سیر و در همسایگی او گرسنگانی باشند و او بی تفاوت باشد.(۱)

امام حسین علیه السلام در عصر عاشورا که تمام اصحابش شهید شده بودند وغریب وتنها روی زمین افتاده بود دید دژخیمان سپاه عمرسعد به خیمه ها حمله کردند، فریاد زد:

«یا شیعَهَ آلِ أبی سُفیان إن لم یَکن لکم دینٌ و کنتم لا تَخافون المعادَ فکونوا أحراراً فی دنیاکم»(۲) ای پیروان خاندان ابوسفیان، اگر دین ندارید واز قیامت نمی ترسید لااقل آزادمرد باشید.

ص:۱۲۹

۱- (۲)) . وسائل الشیعه، ج ۱۷، ص ۲۰۹.

۲- (۳)) . لهوف، ص ۱۱۹.

۲. توجّه به یاد نیک

از دعاهای حضرت حضرت ابراهیم علیه السلام این بود که: خدایا نامم به نیکی باقی بماند.(وَ اجْعَلْ لِی لِسانَ صِدْقٍ فِی الْآخِرِینَ)۱

انسان اگر بداند که در قبال کاری که انجام می دهد نامش به خیر و نیکی برده می شود، حس تلاش در او زنده می گردد.

یاد نیک برای دیگران نیز انگیزه بخش است، در یکی از مساجد عکس بچه های شاگرد اول مدرسه را نصب کرده بودند. همین کار به ظاهر کوچک سبب رقابت در میان بچه های محله شده بود و آنان را برای بهتر درس خواندن و حضور بیشتر در مسجد تشویق و با انگیزه می کرد.

جوان فلسطینی و لبنانی وقتی می بیند دوستش که خود را به آب و آتش زده تا ملتش عزیز بماند، در پایتخت کشوری دیگر خیابانی به نام او ثبت می شود، اشتیاق پیدا می کند تا او نیز نام و یاد وراهش را ادامه دهد.

۳. تأثیرگذاری راه و رسم پدران

آشنایی و توجه به شغل و کار یا آئین و رسوم پدران و نیاکان، موجب گرایش فرزندان به آن کار و فعالیت ها شده و در آنان انگیزه ایجاد می کند. بسیاری از بچه ها اشتیاق دارند که شغل و راه و رسم پدرانشان را ادامه دهند؛ فرزند نجّار دوست دارد نجّار شود، فرزند عالم، هنرمند، پزشک، متخصص و... دوست دارد کار پدر را ادامه دهد. به هر حال کارهایی که پدران و اجداد انجام داده اند، غالبا به نسل های بعد منتقل می شود.

بسیاری از رسم ورسومات خوب اجتماعی و فرهنگی مثل برگزاری مجالس

ص:۱۳۰

بزرگداشت اهل بیت ویا فعالیت برای حمایت از محرومان ویتیمان وبیماران و یا تأسیس مراکز آموزشی پژوهشی، میراثی است که از نسل های قبل به نسل های بعد رسیده و بچه ها از کودکی آموخته اند و انگیزه برای ادامه کار پیدا کرده اند.

۴. گرایش های ملّی و قومی

استفاده ی صحیح از احساسات قومی و ملی می تواند در ایجاد روحیه ی نشاط و انگیزه مؤثر باشد.

افراد زیادی هستند که در مورد محله ای که در آن زندگی کرده اند، ده یا شهری که در آن متولد شده و یا کشوری که در آن بزرگ شده اند، حساس بوده و احترام و اهمیت فوق العاده ای قائل هستند. مثلا دوست دارند اگر می خواهند مدرسه و درمانگاهی بسازند، در همان مناطق بسازند. حال اگر این احساسات در مسیر درست بهره برداری شود، باعث آبادانی می شود وگرنه بسیار خطرناک است.

رسول خدا صلی الله علیه و آله در جنگ احد سه پرچم آماده کرد: پرچمی را به عنوان نماینده مهاجرین به دست علیّ بن ابی طالب علیهما السلام داد و پرچمی را به نماینده قبیله اوس وپرچم دیگری را به نماینده خزرجیان سپرد.

این حسّ وطن دوستی، می تواند وحدت جمعی پدید آورده و انگیزه ها را تقویت کند.

۵. هنر

اگر در کارها به هنر توجه شود و هنرمندانه اجرا شود، انگیزه و نشاط بیشتر می شود. اگر اذان مؤذّن، قرائت امام جماعت، ساختمان و فضای مسجد، هنرمندانه باشد، جاذبه مردم به مسجد بیشتر می شود.

خطّ زیبا و متون و اشعار زیبا، در جذب افراد بسیار مؤثر است. حتّی درب و دیوار حیاط مدرسه می تواند هنری و الهام بخش باشد. به هر حال هنر در ساختمان، نوشته، سخن، خط و فیلم، ایجاد انگیزه می کند.

با فیلم و نمایش می توان انگیزه ها را بالا برد، به جای حرف با عمل هنرمندانه بیشتر می توان مردم را به کار خیر دعوت کرد. پیرمردی وضویش غلط بود، امام حسن و امام حسین علیهما السلام که خردسال بودند، وقتی دیدند وضوی پیرمرد غلط است، تصمیم گرفتند او را آگاه کنند. با خود گفتند اگر مستقیم به او بگویند، ممکن است ناراحت شود، لذا دست به حرکت نمایشی زدند و نزد پیرمرد رفته و گفتند: ما وضو می گیریم، تو ببین وضوی کدام یک از ما صحیح است.

پیرمرد پس از مشاهده وضوی آنها متوجه خطای خود شد و گفت: وضوی شما درست است، وضوی من غلط است.

استفاده از وسایل کمک آموزشی نیز نوعی هنر است، چنانکه حضرت علی علیه السلام برای یادآوری آتش قیامت از آهن داغ شده استفاده کرد و هنگامی که عقیل برادر نابینای حضرت امیر، از آن حضرت درخواست کرد که یا علی، تو رئیس حکومت هستی، من هم برادر تو هستم، وضع مالی من خوب نیست، یک چیزی بیشتر به ما بده!

حضرت برای یادآوری آتش جهنم، آهن داغ شده ای را به او نزدیک کرد و او را متذکر درخواست اشتباهش نمود. یعنی به جای گفتار، هنرمندانه از ابزار کمک آموزشی استفاده کرد.

رسول خدا صلی الله علیه و آله به یارانش که در حال کندن خندق و یا ساختن مسجدی بودند، سفارش کرد هنگام کار، سرود موزون و خوش معنایی را به صورت دسته جمعی بخوانند. بدون شک این کار در انگیزه و نشاط افراد تأثیر دارد.

ص:۱۳۲

۶. استفاده از ادبیات

اصولاً ادیبانه و خوب سخن گفتن، هم در خود ما و هم در طرف مقابل احساس خوشایندی پدید می آورد.

یکی از ابعاد اعجاز قرآن ادبیات وفصاحت وبلاغت این کتاب آسمانی است، حتی مخالفان این کتاب نمی توانستند شوق وشعف خود را از زیبایی شگفت آور ادبی این کتاب پنهان کنند.

سخن نیکو وقتی در قالب ادیبانه ارائه شود، جاذبه را دوچندان می کند. گاهی انتقادی که به جای صراحت، با زبان اشاره و تمثیل مطرح شود، توفیق اصلاح بیشتری به همراه خواهد داشت.

استفاده از ادبیات در گفتار و نوشتار، اثری روح افزا داشته و انگیزه و نشاط افراد را افزون می کند.

۷. تأمین نیازهای طبیعی

تأمین نیازهای طبیعی و غریزی، انگیزه را تقویت می کند. چه بسا کسانی که با ازدواج وتشکیل خانواده، نشاط وانگیزه مضاعفی برای کار کردن پیدا می کنند. وقتی کارمند و شاگردی که جوان پاک و باکمالی است مدیرعامل و یا صاحب مغازه و استادکارش، مقدّمات ازدواجش را فراهم می کند، عشق او را به کار و تلاش دوچندان می کند.

قرآن قصه شیرینی نقل می کند؛ حضرت موسی علیه السلام وقتی تحت تعقیب مأموران فرعون قرار گرفت و به سمت مَدیَن فرار کرد، هنگام ورود به شهر، به چاه آبی رسید که چوپانان برای گوسفندان خود آب برمی داشتند و دو دختر هم کناری ایستاده بودند و مراقب گوسفندان خود بودند. وقتی حضرت علّت را از آنان پرسید، گفتند: پدر پیری داریم که توان کار کردن ندارد و ما

ص:۱۳۳

کار می کنیم، ولی برای آنکه با مردان اختلاط پیدا نشود، باید صبر کنیم تا آنان ابتدا به گوسفندانشان آب بدهند و بروند، آنگاه ما گوسفندانمان را سیراب کنیم.

موسای جوانمرد جلو آمد و گله آنان را آب داد و آنگاه غریبانه به گوشه ای رفته و دست به دعا برداشت و از خدا استمداد نمود.

این خدمت خصوصیاتی داشت، از جمله:

۱. خدمت در حال فرار از رژیم فرعون.

۲. خدمت در شهر غریب.

۳. خدمت بدون منّت.

۴. خدمت به افراد ناشناس.

۵. خدمت بدون مزد و تقاضا.

۶. خدمت بدون مأموریت و ابلاغ.

۷. خدمت در حال نیاز و گرسنگی.

۸. خدمت بدون توقّع پاداش.

۹. خدمت بدون آنکه از قبل وام دار باشد.

۱۰. خدمت بدون تبلیغات و سر و صدا.

۱۱. خدمت در آفتاب و هوای بسیار گرم (چون بعد از آب دادن به گوسفندان در سایه ای پناه گرفت).

۱۲. خدمت یک نفره و بدون کمک.

۱۳. خدمت با تکیه بر توانمندی های خود.

دختران که زودتر از هر روز به خانه برگشتند، ماجرا را برای پدر تعریف کردند. حضرت شعیب علیه السلام دخترانش را به دنبال موسی فرستاد تا او را به

نزدش آورده و ضمن تشکر مزدی به او بدهد.

وقتی موسی به نزد حضرت شعیب رسید و ماجرای فرار و غربت خود را بیان داشت، حضرت شعیب به او پیشنهاد ازدواج با دخترش را داد، در قبال آنکه هشت سال یا ده سال چوپانی کند.

و بدین سان حضرت شعیب با این پیشنهاد مشکل بی خانمانی، ازدواج واشتغال موسی را حل کرد.

در جامعه ما نیز جوانان مؤمن و خوبی داریم که با وجود تخصص و غیرت کاری در آنان، امّا شغل و خانه ای نداشته و ناامید شده و از جامعه بریده اند، اگر کسی آنان را یاری کند، انگیزه و تلاش آنها چند برابر می شود.

اگر ماشین های سالم با هم مسابقه گذاشتند، هنری نکرده اند؛ هنر این است که ماشین سالم، ماشینی را که در جاده مانده است، بکسل کند.

نیازهای طبیعی انسان وقتی از طرق سالم تأمین نشود، اضطراب و رنج های درونی و انواع بیماری ها را در پی خواهد داشت.

بسیاری از افراد که انگیزه ی لازم برای انجام کاری را ندارند، به تعبیر دانشمندی، دارای پارازیت های روانی هستند. این پارازیت ها اراده را سست می کند، وحدت شخصیت را برهم می زند و چندگانگی و تعدّد شخصیت ایجاد می کند. از این رو لازم است مربّیان به ویژه پدر و مادر این مسئله را جدّی بگیرند. مسئولین جامعه هم موظف هستند شرایط تسهیل و رفع این نیازها را فراهم کنند. مردم خیرخواه نیز هزینه کردن و سرمایه گذاری در این راه را از هر کار خیری در پیشگاه الهی مفیدتر بدانند.

ازدواج به موقع، از جوان بدون انگیزه، بیکار، پر خواب و تنبل، جوانی باانگیزه و مفید به حال جامعه خواهد ساخت.

ص:۱۳۵

۸. عشق و محبّت

از قوی ترین عوامل انگیزه بخش، محبّت است. زمانی که خانه های مردم از خشت و گل بود، به خاطر محبّت به خـدا و اولیای خـدا مساجـد و کلیساها و حسـینیه ها و مهدیه ها و حرم های اولیای خدا را با بهترین آجر و سـنگ و چوب می ساختند. گلوله در درب بعضـی از مساجد که چند قرن قبل ساخته شده فرونمی رود. ولی چارچوب درب بعضی از ادارات با یک مشت از جا کنـده می شود، زیرا نجّار درب مسـجد را براسـاس محبّت و عشق سـاخته و مسـئول خریـد اداره براساس مأموریت و مناقصه و مزایده و اضافه کار و مانند آن.

انگیزه فداکاری والدین برای فرزند که قدیمی ترین، پایدارترین، جامع ترین و عمیق ترین علاقه هاست، محبّت به فرزند است.

علاقه والدین بخصوص مادر، علاقه ای است که فقیر و غنی، شـهری و روستایی، باسواد و بی سواد نمی شناسد و زیبایی فرزند در آن تأثیر ندارد. حتی بعد از مرگ فرزند این علاقه در قلب آنان پابرجاست.

آری، به خاطر محبّت، کار بهتر، سـریع تر، بادوام تر، ارزان تر انجام می گیرد. میزبان هرچه بیشتر به مهمان علاقه داشـته باشـد، غـذای بهتری تهیه می کنـد. شایـد رمز اینکه مزد رسالت پیامبر اکرم صـلی الله علیه و آله مودّت اهل بیت قرار داده شده:(قُلْ لا أَسْـئَلُکُمْ عَلَیْهِ أَجْراً إِلَّا الْمَوَدَّهَ فِی الْقُرْبی)۱ و صـدها حـدیث درباره محبّت خداونـد و پیامبر و اهل بیت او آمده، همین باشد. تا آنجـا که می فرماینـد: «وَ هَلِ الـدِّینُ إِلَّا الحُبّ وَ الْبُغْض»(۱) آیـا دین جز علاـقه به خوبـان و خوبی ها و نفرت از بـدان و بـدی هاست؟

ص:۱۳۶

۱- ((۲)) . بحارالانوار، ج ۶۵، ص ۶۳.

اگر محبّت باشد: انسان زود خسته نشده و در برخورد با سختی ها قهر نمی کند و از کار خود دست برنمی دارد. آخرین توان خود را بکار می گیرد و از دیگران نیز کمک می گیرد.

علاقه او، دیگران را نیز علاقه مند و با نشاط می کند. در یک تحقیق علمی ثابت شده که وقتی افراد با اشتها و میل غذا بخورند، کسانی هم که به آنان نگاه می کنند به اشتها می آیند.

قرآن حتی از نماز بدون علاقه و با کسالت انتقاد می کند و به جای کلمه «أَقامُوا»، کلمه «قامُوا» را بکار می برد:(قامُوا كُسالى)۱

قرآن حتی از کمک به فقرا که براساس کراهت و بی نشاطی باشد انتقاد کرده است.(وَ هُمْ كارِهُونَ)۲

وقتی که ما کسی را دوست داریم، سعی می کنیم در ظاهر و رفتار هم شباهت به وی پیدا کنیم. این عشق عامل بسیار مهمی در ایجاد انگیزه است. دانش آموزی که دوستدار معلمش باشد، سربازی که عاشق فرمانده وکارگری که مرید کارفرمایش باشد، انگیزه پیدا می کند در گفتار و کردار تشبّه به وی پیدا کند.

۹. روابط عاطفی

از عواملی که نشاط و انگیزه را بالا می برد، ارتباط عاطفی است.

از امتیازات حقوق اسلام بر حقوق شرق و غرب آن است که حتّی قتل را سبب قطع محبّت و عاطفه نمی داند. قرآن در آیه قصاص می فرماید: قصاص حق شماست، سپس در ادامه می فرماید:(فَمَنْ عُفِيَ لَهُ مِنْ أَخِيهِ شَيْ ءٌ

فَاتِّبٰاعٌ بِالْمَعْرُوفِ وَ أَدٰاءٌ إِلَيْهِ بِإِحْسٰانٍ ذٰلِکَ تَخْفِیفٌ مِنْ رَبِّکُمْ)١ قاتل برادر دینی تو است. پس می توانی از قصاص او درگذری و دیه دریافت کنی آن هم بر اساس احسان و معروف.

در کدام کتاب حقوقی دنیا در مادّه ای که سخن از قصاص قاتل است، کلمات «عفو، برادر، معروف و احسان» به چشم می خورد. این سیمای مکتب اسلام است.

در اسلام هر سخن و کاری که علائق اجتماعی را زیاد می کند، یا واجب شمرده شده یا مستحب. نظیر عیادت بیمار، سوغاتی سفر، تشکر از دیگران، سلام کردن، دست دادن، دید و بازدید، هدیه، قرض الحسنه، بدرقه، دعا کردن، و در مقابل، هر کاری که علاقه افراد به یکدیگر را محو یا کم می کند، حرام یا مکروه شمرده شده است، نظیر غیبت، سخن چینی، بخل، تکبّر و منّت گذاری.

روشن است که تحکیم علائق اجتماعی و روابط عاطفی، انگیزه و نشاط افراد را برای تلاش و خدمت افزون می کند.

۱۰. استقبال مردمی

از اموری که انگیزه ها را بالا می برد، توجه و استقبال مردم است که از قدیم گفته اند: «مستمع، صاحب سخن را بر سر شوق آورد».

اگر مردم حضور و توجه نداشته باشند، حتی حضرت علی علیه السلام خانه نشین می شود. همان گونه که اگر نخ به دنبال سوزن نباشد، سوزن قدرت مانور در پارچه را ندارد.

ص:۱۳۸

البتّه برای جلب نظر مردم انجام هر کاری درست نیست و باید از راههای مشروع و منطقی مردم را به صحنه آورد.

۱۱. استفاده از چهره های محبوب و فرهیخته

از عوامل بالا رفتن انگیزه، استفاده از چهره های محبوب است. مثلاً هرچه سخنران جلسه مهم تر باشد، انگیزه برگزار کنندگان و شرکت کنندگان بیشتر می شود.

پیراهنی که امام رضا علیه السلام در باره اش فرمود: من هزار بار قرآن را در آن ختم کرده وهزار شب این پیراهن را پوشیده ام و نماز خوانده عبادت کرده ام. برای افرادی مثل دعبل که بیست سال به خاطر حمایت از اهل بیت آزار و اذیت دیده و سخت تعقیب حکومت بنی عباس بوده، ارزش واهمیت ویژه ای دارد.

قرآن به پیامبرش می فرماید: از مردم زکات بگیر و برآنان درود بفرست. سپس می فرماید:(إِنَّ صَلاٰتَکَ سَکَنٌ لَهُمْ)۱ و سلام و درود تو ای پیامبر، برای آنان آرام بخش است.

آیه نمی فرماید هر درودی آرام بخش است، درود تو که شخصیت محبوب و یگانه ای، آرام بخش است. در فرانسه بر سردر هر خانه ای که مدّتی یکی از فرهیختگان در آن سکونت داشته، تابلویی سنگی نصب شده که فلان شخصیت در فلان تاریخ برای مدتی در اینجا زندگی کرده است.

بعد از انقلاب که مسئول سوادآموزی شدم. حدود نیمی از مردم بی سواد بودند. خدمت بنیان گذار جمهوری اسلامی، امام خمینی قدس سره رسیدم و گفتم:

کـار معلّمین سوادآمـوزی سـخت است، زیرا بایـد به روسـتاها هجرت کننـد، در خـانه هـا را بزننـد، افراد بزرگسـال بی سواد را شناسایی و دعوت کنند و با حقوق کم و غیر رسمی این کار سخت را انجام دهند، لکن اگر شما که رهبر محبوب همه هستید، به این معلمین از طریق بنده که نماینده ی شـما هسـتم سلام مخصوص برسانید، دست اندرکاران سوادآموزی با این سلام گرم شما، خوشحال و دلگرم و با انگیزه تر می شوند.

حضرت امام فرمود: سلام مخصوص مرا به این افراد برسانید.

و من در سـفرها حامل این پیام سلام بودم و همین که سلام را ابلاغ می کردم، احساسات خوب معلّمین را به خاطر این تفقد و سلام شاهـد بودم. آری گـاهی یـک ابلاغ سـلام و تشـکر از سوی افراد برجسـته، تأثیر زیادی در بالابردن نشاط و انگیزه افراد دارد.

۱۲. تکریم واحترام

از اموری که انگیزه ها را بالا می برد، برخوردهای نیک است. از جمله:

در سخن، بهترین کلام را بگوییم.(یَقُولُوا الَّتِی هِیَ أَحْسَنُ)۱

اگر مسأله ناروایی دیدیم، با بهترین شیوه با آن برخورد کنیم.(ادْفَعْ بِالَّتِی هِیَ أَحْسَنُ)۲

بـا نـامی که دوست دارنـد، مردم را صـدا بزنیم. پیـامبر اکرم صـلی الله علیه و آله حـتی کودکـان را بـا احـترام و کرامت و کنیه خانوادگی صدا می زد.

بیش از ظرفیت و توان و ذوق و ابزاری که دارند، تکلیف نخواهیم.

تکریم و احترام و تقدیر خصوصی، مانند روغن رسانی به ماشین است که

ص:۱۴۰

حرکت آن را تند و بدون اشکال می کند.

تکریم افراد حتی با آنان هم غذا شدن و رفتار یکسان داشتن و نظرخواهی و مشورت با آنان، روحیه و انگیزه ها را بالا می برد.

۱۳. بیان و نمایش سختی ها

هر انسانی می داند افرادی در جامعه فقیر یا یتیم یا گرفتارند، امّا اگر در تلویزیون صحنه هایی از فقر و نیاز و گرفتاری ها مطرح شود، انگیزه بینندگان برای کمک بیشتر می شود.

قرآن می فرماید:(یَتِیماً ذا مَقْرَبَهٍ)۱ یتیمی که فامیل تو است.(أَوْ مِسْکِیناً ذا مَتْرَبَهٍ)۲ یا فقیری که فرش ندارد و روی خاک نشسته است. با طرح مسأله خویشاوندی و خاک نشینی، ایجاد انگیزه در مخاطب می کند.

قرآن پیامبر اسلام را مأمور می کند که یاد بزرگان و سختی های آنان را مطرح کند؛ خواه مرد باشند یا زن.(وَ اذْکُرْ فِی الْکِتابِ إِبْراهِیمَ)۳ ،(وَ اذْکُرْ فِی الْکِتابِ مَرْیَمَ)۴

همان گونه که در روایات برای عزاداری امام حسین علیه السلام و اصحاب گرامش سفارش بسیار شده برای اینکه ما بدانیم برای مبارزه با طاغوت و بیعت نکردن با ستمگر تا کجا باید مقاومت کنیم و شنیدن فاجعه کربلا برای ما درس و عبرت باشد، تا در برابر فشار سختی ها و محاصره اقتصادی و نظامی تسلیم نشویم، همان گونه که در کربلا قطع آب که بالاترین فشار اقتصادی بود و محاصره نظامی هفتاد و دو نفر توسط دهها هزار نفر، موجب تسلیم شدن آنان در برابر دشمن نشد.

ص:۱۴۱

۱۴. توجه به گرایشات روحی

خداونـد در هر شخصـی ذوقی قرارداده که اگر گرایش هـا و اسـتعدادهای خـود را بشـناسد و در آن مسـیر گـام بردارد، مـوفق خواهـد شـد. چه بسا افراد نابغه ای که اگر بر خلاف ذوقش به انجام کاری گمارده شود و تغییری در مسیر دلخواهش حاصـل شود، حتّی به اندازه یک فرد عادّی مفید نباشد.

بنابراین یکی از عوامل انگیزه بخش، گام نهادن در راهی است که طبق ذوق و گرایش روحی انسان باشد.

۱۵. وجدان

وجدان یکی از نیروهای برانگیزنده در انسان است.

امام صادق علیه السـلام هنگام گـذر از منطقه ای فرمودند: ببینید این کسـی که کنار جاده افتاده چه مشـکلی دارد؟ گفتند: آب می خواهد، فرمود: به او آب بدهید. گفتند: آقا مسـلمان نیست. فرمود: مسـلمان نباشد، انسان که هست. شـما وجدان واحساس که دارید.

حق دو قسم است؛ یک حق اسـلامی و یک حق انسانی، حق اسـلامی یعنی چون مسـلمان هستیم، بایـد انجام دهیم. حق انسانی یعنی چون انسان هستیم باید انجام دهیم.

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: مردم دو دسته اند؛ یا برادر دینی تو هستند ویا هم نوع تو. سیّد رضی یکی از دانشمندان بزرگ اسـلامی، همین که به قبرسـتان غیر مسـلمانها رسـید، پیاده شد، گفتند: آقا اینجا قبرستان غیر مسلمان ها است، چرا پیاده شدی؟! فرمود: من یک اسـتادی داشتم مسلمان نبود، امّا حق معلّمی به گردنم داشت و در اینجا دفن است و من به احترام این استاد غیر مسلمانم، در اینجا پیاده راه می روم.

ص:۱۴۲

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به شخصی که تصمیم به گناه داشت فرمود: آیا حاضری دیگری به ناموس تو نظر بد داشته باشد. حضرت با این سؤال، وجدان او را بیدار کرد. او خجالت کشید و دست از گناه برداشت.

امیر مؤمنان علیه السلام در نامه به فرزندش امام حسن علیه السلام فرمود:

فرزندم بین خود و مردم، خود را قاضی و میزان قرار بده وآنچه را برای خود می پسندی برای مردم بپسند وآنچه را برای خود نمی پسندی، برای مردم نیز نپسند.(۱)

«والحمدللّه ربّ العالمین»

۱- (۱)) . نهج البلاغه، نامه ۳۱

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِی الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹


مرکز تحقیقات رایانه‌ای
قائمیه
اصفهان
www
برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹